


کارگران جهان متحد شوید!

۱۰۳

بیکار

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

مراسم اول ماه مه را هر چه باشکوهتر برگزار کنیم!



سال دوم - دوشنبه ۷ اردیبهشت ۱۳۶۰ بهای ۳۰۰ ریال

پاسداران جمهوری اسلامی با پرتاب نارنجک دو کمونیست بیکارگر را بشهادت رساندند!

پیام کمیته مرکزی سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر به مناسبت اول ماه مه به طبقه کارگر قهرمان ایران

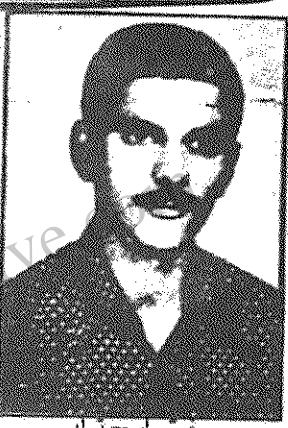
اول اردیبهشت امسال هم توسط مزدوران رژیم جمهوری اسلامی در خون تبید

در سالروز اول اردیبهشت، روز مقاومت دانشجویان و مردم آگاه و انقلابی، سپهتان در برابر توطئه ضد انقلابی تعطیلی دانشگاهها، ضد انقلاب فرهنگی با ردیگره "نمر" شست و حرکت کوچک اعتراض آمیزی را در روزی گرامی به قیام جمعی بزرگ تبدیل نمود. مزدوران ارتجاع و یا بقول روزی نامه های رژیم جمهوری اسلامی "جوانان مسلحان" به مقاومت و حسیانه تا نظایرات مؤسسی گروهی از دانش آموزان و دانشجویان هوادار سازمان، به منظور بزرگداشت این روز خدایان، دورفیق کمونیست را شهید و دهها نفر را زخمی و مجروح کردند. خون پاک رفقای شهیدانج نرانی و آذر مهر علیان

شعبه در صفحه ۱۱



رفیق آذر مهر علیان



رفیق ایرج ترابی

چند روز دیگر جشن اول ماه مه فرا میرسد و نمایان عظیم قدرت اتحاد و همبستگی طبقه کارگر، امریالسم، سرمایه داری و همدرزیم های ارتجاعی را خواهد لرزاند. کارگران از کارخانه ها بیرون خواهند شتافت، کمرهای از زیر بار رنج خمیده، خود را راست خواهند کرد و با منتهای گره کرده ها بودی سرمایه - داری را فریاد خواهند زد. قوچ فوج کارگران از بسفوله های تاریک و سمور خود بیرون خواهند آمد و به قردای روشن سوسیالسم که با انقلاب بر جان بسا خواهد شد، خواهند آمد.

شعبه در صفحه ۲

کارگران جهان متحد شوید!

فصلیته باد اول ماه مه روز هشتگی جهانی کارگران!



خطاب به رفقا، اعضاء و هواداران سازمان!

صفحه ۱۳

کارگران و زحمتکشان!

باشکرت در راهپیمایی روز جمعه ۱ اردیبهشت (اول ماه مه) روز همبستگی جهانی کارگران را هر چه باشکوهتر برگزار کنیم.

مکان: میدان جمهوری
زمان شروع راهپیمایی: جمعه ۱۱ اردیبهشت ساعت ۱۰ صبح

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر
سازمان چرخهای فدایی خلق ایران

چپاول میلیون تومانی از دسترنج زحمتکشان

صفحه ۲

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ **سومقاله**

آنها شی که کار میکنند و با کارشان بر ثروت سرمایه داران می افزایند و خود فقیرتر و رنجورتر میشوند، آنها که همه چیز را در جهل و میا زنده اما نمیبوی جز فقر و بیماری، گشتنار و سرکوب و زندان و کار طاقت فرسای روزانه ندارند، در این روزها زوبیه با زوی یکدیگر طقه خواهند کرد، مشتای خود را رویه سرمایه داران میگیرند و قدرت اتحاد طبقاتی تیشان را مشاهده میکنند و آنگاه فریادی سرا سر جهان را در می - نوردند: کارگران جهان متحد شوید! شعارها و فریادها مرزهای ملی را درهم میشکنند، بیسر کتوله های رژیم رنجان می کشند و هر کس که در انقلاب اول ما مدعرا نشانده رفتا است بیروز میشود و وطنین "زنده باد سوسیالیسم" مرگ بسیر امپریالیسم "چون طوفانی میخورد و جهان برای سرمایه داران تیره و تار میشود.

در این روز مثل همیشه روی بیونیستها، این خاشاکین به طبقه کارگران و این عساکار بیروزواری که درون جنبش طبقه نفوذ کرده اند، سعی میکنند که جهت مبارزات فدا میریالیستی - فدا رنجانی کارگران را منحرف نموده و آنرا به درخواستهای منفی و جزئی محدود سازند. روی بیونیستها سعی میکنند، بیروزواری را از زیر حملات گسترده و ناپا بود کننده کارگران خارج نموده و نجات بخشند، اما کمونیستها و اقمسی در این روز، کارگران را فراموش نخواهند تا بر علیه سرمایه داری، متحد و یکپارچه حول شعارهای طبقه تیشان دست به تظاهرات بزنند. تظاهراتی که در بسیاری از رژیم های ارتجاعی بخسبون کشیده خواهد شد.

رفقا و دوستان کارگرا!

اکنون در آستانه سومین اول ماه مه پس از قیام مشکو هفتاد و هفتمین سال، چه ماه ما در وضعیت حساس قرار دارد. رژیم جمهوری اسلامی که با پامسال کردن خون هزاران شهید و پسا زایش تنگین نمایندگان (با زرگان، بهشتی، رفسنجانی) با امپریالیسم آمریکا (از طریق مذاکرات با ژنرال هوپسزر آمریکا) بقدرت رسید، از همان آغاز حکومتش به عنوان نگهبان سرمایه داری وابسته و در جهت حفظ منافع امپریالیستها و سرمایه داران، به سرکوب و حشیا نه انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای ایران پرداخته است. کارگران و زحمتکشان ایران که با جانهایشان در راه آزادی و دلاورانه شان در مبارزه علیه رژیم شاه مزدور، انقلاب ایران را در دریا شی از خون بهترین فرزندان شان به پیش میبردند، اینک پس از نزدیک به ۲۷ ماه کمیت رژیم جمهوری اسلامی، نمیبوی جز فقر و فلاکت، گشتنار و سرکوب، گران و بیکاری نبرده اند و این در حالی است که طبق آما مطبوعات وابسته به خود رژیم، تنها

تجاریا زار در سال گذشته ۱۲۰ میلیارد تومان سود برده اند، آری برای حفظ منافع سرمایه داران و امپریالیستها، رژیم جمهوری اسلامی روز بروز بیشتر و بیشتر بر سر نیزه تنگین زده است. در کردستان و ترکمن صحرا، گیلان و خوزستان و... هر جا که نشانه ای از انقلاب دیده است به تیرباران و شکنجه و زندان و در یک کلام بسسه سرکوب و کشتار رینانه آورده است. امتضا بسا ت کارگری را در سرا سر ایران، از کفش ملی گرفته تا صنعت نفت و زمین و خرمدره رنجان گرفته تا جنبش سیکاری و... با بخون کشیده و بسا کارگران مبارزان به زندان انداخته و با اخراج کرده است. جنبش مقاومت خلق کرد را که برای خواست بر حق خود یعنی حق تعیین سرنوشت می رزمه، وحشیا نه با بسباران شهرها، سوزاندن روستاها، تیرباران جوانان و تجاوز به زنان و دختران کرده و محاربه اقتصادی و... با سنج گفته است جنبش دهقانی را در سرا سر ایران سرکوب کرده و سد فاج از مالکینی که اراضیشان توسط دهقانان مصادره انقلابی شده بود برخاسته است. گشتار و وحشیا نه هریران شورا های دهقانی ترکمن صحرا و سرکوب و حشیا نه زحمتکشان آن دیار، مثنی از خروار جانیات رژیم بوده است. رژیم که به شدت از آگاهی توده ها میترسد، در طول این دو سال، شمار وسیعی از کمونیستها و دیگر انقلابیون را به جرم عشق به توده ها و تلاش برای آگاه کردن آنها به جوخه های اعدام سپرد دهها نفر در سرا سر ایران ترور شدند و فروشندگان نخریات انقلابی و پیشگینندگان اعلامیه های سازمانهای انقلابی، بیوسسته در خطر تنگینری و ترور بوده اند. زندانها اینک پر از زده ها کمونیست و محاربه است که تنها بجرم افتادن بذرا آگاهی در میان توده ها در سبها لهای رژیم شکنجه میشوند و به حبسهای طویل المدت محکوم می - گردند. دانشگاه این سنگرزادی، تحت بهانه به اصطلاح انقلاب فرهنگی بسته شده و در جریان همین توطئه در اول اردیبهشت ۵۶، بسبب از ۳۰ تن در دانشگاههای سرا سر ایران توسط پاداران سرمایه به شهادت رسیدند. همین چند روز پیش نیز در پی تظاهرات سازمان دانشجویان و دانشآموزان بیگانه که به مناسبت بزرگداشت سالروز مقاومت انقلابی دانشجویان و توده های آگاه در مقابل فدا انقلاب فرهنگی رژیم برکزار شده بود، مزدوران رژیم، بمیان دانشجویان و افراد شرکت کننده در تظاهرات نارنجک برتاب کردند که در نتیجه آن رفقای کمونیست بیگانه رگر ابرج ترا سوزا در مهر علیان به شهادت رسیدند و دهها نفر زخمی شدند. همچنین در روزهای اخیر در شهرهای قاشم شهر، آمل، با ل و... تظاهرات مردم و نیروهای انقلابی مورد بیورش پاداران و دیگر مزدوران رژیم فرا گرفت که تعدادی شهید و عده زیادی مجروح بجای گذاشت. در طول این

دو سال، مطبوعات انقلابی توسط رژیم جمهوری اسلامی توقیف و اجتماعات نیروهای انقلابی در سرا سر ایران بخون کشیده شد. شورا های واقعی کارگران شدیدا مورد بیورش ارتجاعی قس - سوار - گرفته و متفابلا شورا های قلابی و پادار و دسته - های انجمن اسلامی برای جلوگیری از مبارزات طبقه کارگر و سرکوب آن بسج شده اند. بسلاوه رژیم جمهوری اسلامی، توده های متعدده کشور ما را در گریختگی ارتجاعی که جز فلاکت و بدبختی برای توده های هردو کشور ایران و عراق در بر نداشت، کرده است. جنگ کمونی میان دولت های سرمایه داری ایران و عراق، بسبب از بسبب توده های زحمتکش این دو کشور را دچار تیره روزی ساخته است هم اکنون دو میلیون از زحمتکشان مناطق جنگ زده آواره شده، زیر فشار تشییقات و سرکوب رژیم قرار دارند. گران، بیگاری، تورم، کمبود مواد غذایی و سوخت و... که خود ناشی از بحران سرمایه داری وابسته است، در چند ماه اخیر بسبب از بسبب افزایش با فته است. بحران اقتصادی گلوی زحمتکشان ما را مینهارد و کاهش قدرت خرید توده ها، اخراج کارگران از کارخانه - ها افزایش ساعات کار و امتضا ر بیشتر بر کرده آنها سنگینی میکند. بر سر تبحران اقتصادی سرمایه داری وابسته و در زیر سرق سرنیزه های رژیم وطنین تلک ز - پاداران و ارتش و قبه و جماعتی چا فداران، روز بروز جنبش توده ها بسا د و بسبب تری بخود میگیرد. امتضا با ت کارگری، جنبش مقاومت خلق کرد، جنبش انقلابی آوارگان و جنبش انقلابی دانشجویان و دانشآموزان و او جگوری مبارزات زحمتکشان می سکن، کننده شدن بسبب از بسبب توده ها از رژیم، مسابزات تعرضی توده ها را در اکثر نقاط ایران در بسبب آورده است. جنبش در حال اعتلا توده ها روز به روز بسا دگسترده تری میباید و با او جگسری خویش شکاف میان با لاشها را عمیق تر میکند و آنها را با جان همی اندازد. حزب جمهوری اسلامی و لیبرالها هر یک میکوشند دیگری را بسبب اوضاع نابسامان کنونی جلوه دهند. این ضد انقلابیون که در سرکوب خلق متحد و پادار هستند اکنون بر سر اینک که کدا میک بیشترین سهم از قدرت را داشته باشند، میان هم افتاده و سعی - خواهند توده ها را "سردیان ترفنی" خویش سازند آنها که متحدا کردستان و دانشگاه را بخسبون کشیده و کمونیستها را تیرباران کرده اند، هر یک با ادعای در مدد فریب توده ها است. حزب جمهوری با جناحهای دروغین فدا میریالیستی بگدوران کوشید تا با واقعه گروگانگیری توده ها را بفریبد و در مبارزه ما جناح رقیب، مواضع کلمندی قدرت را به چنگ آورد، ما را با کاری آنها دبیری نیا شد و گروگانها نه تنها آزاد شدند، بلکه حضرات ۲۱ میلیارد دلار نیز بعنوان پناج بقیه در صفحه ۱۷

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران جهان!

جنبش کارگری



حمایت کارگران جنرال استیل از نمایندگانشان هشت محکمی بردهان ارتجاع

در جریان مبارزات کارگران کارخانه جنرال استیل که قبل از عید برای دریافت حق تولید، عیدی و پاداش، انجام گرفت حکم اخراج چندتن از نمایندگان مبارزشورا که از خواستهای بحق کارگران حمایت کرده بودند، به همراه یک کارگر مبارز دیگر توسط "تشیابا دستسغان" صادر شد. اما کارگران با پشتیبانی خودمانع اخراج رفقایشان میشوند. تا اینکه روز ۱۰/۱۱ سنبا مجدداً کارگران مذکور را احضار کرده و به آنها تذکر میدهد که تشیابا بحرم "اخلالگری و زیان داری اخراج بوده و حق کار کردن ندارند!"

پهره همن روز کارگران با اعلام از واقعیه بعنوان اعتراض دست از کار کشیده و در مقابل دفتر کارخانه اجتماع میکنند. آنها نمایندگان سنبا دومیدرعا مل را در دفتر نگاهداشتند و اعلام میکنند که تا زکشت نمایندگان نشان از پشیمانیه حق خروج ندارند. این اقدام کارگران نشانگر رشد آگاهی آنها و پی بردنشان به ماهیت ضد کارگری رژیم، که قصد دستگیری و زندانی کردن نمایندگان مبارزتان را داشت، میباشد. کارگران با شعار "شورا باید برگردد، مدیرعامل بداند کارگران بیدارند." هشاری و هشمنگی خود را به نمایش گذاشتند.

سالاخره مدیرعامل تلفنی جریان را با "تشیابا" در میان میکند. و آنها هم تحت فشار کارگران مجبوراً آزاد کردن کارگران مبارزشونند. ولی به آنها اخطار میکنند که به کارخانه نروند. ولی نمایندگان مبارز به جمع کارگران در کارخانه پیوسته و جریان را برای کارگران توضیح میدهد. و بدین ترتیب کارگران بسا نشان دادن کوشش از اتحادشان، هشت محکمی بردهان عوامل رژیم میزنند. لازم به توضیح است که کارگران مدت سه ماه است که با تشکیل صندوقی، حقوق نمایندگان اخراجی شان را می بردارند. و بدین ترتیب نشان میدهند که در راه مبارزاتشان و برای پشتیبانی از رفقای مبارزتان، حاضر به هرگونه فداکاری میباشد.

بیاد کارگران قهرمان "جهان چیت"



ه و حیه الله حشیر فیروزه حسین نیکوکار * علی کارگر

از زوده در چارچوب سنی خرده بورژوازی و غیرسری پرولتری چریکی زده بودند. آنان که طبقه کارگر را بسا درست آماده پذیرش آگاهی سوسیالیستی نمی یافتند جدا از آنها و با عملکردهای منفرد - هر چند انقلابی و دلآویزانه - براه خود می رفتند. راه و روشی که نزدیک به ده سال بر جنبش کمونیستی مسهن ما حاکمیت داشت و روشهای جبران ناپذیر آن و اردگرد و طبقه کارگر را از بارمان بیناهنگ و رهبری کشته اش محروم ساخت.

در همن سالگرد دلاوری کارگران "جهان چیت" با گرامیدانت با دونا م شهیدان کارگر - جهان چیت، با آموزش از روشهای جنبش کمونیستی و کارگری و با قدمهای استوار در راه تشکیل و آگاهی طبقه کارگر، و با جداسازی رهبری کشته اش از حزب طرازیونین طبقه کارگر، حزب کمونیست، در راه انقلاب و سوسیالیسم به پیش برویم!

گرامی باد خاطر کارگران شهید جهان چیت!

هشتم اردیبهشت سال ۱۳۵۰، جکمه یوشیان رژیم مزدور شاه صوف فشرده کارگران قهرمان کارخانه "جهان چیت" کرج را که در اعتراض به شرایط طاقت فرسای اشتغالشان و برای کسب بارهای از حقوق عادلانه خود بسوی شهبران راهبمانی میکردند، در کاروانسرا سنگی (نیمه) - های جاده کرج - نهران) به مسلسل بستند و بیکر خونین چند کارگر زخمی را به خاک و خون کشیدند. دهها کارگر شهید و زخمی گردیدند و لسی ارتجاع که با سر نیزه و سرکوب، تمام دستگاہهای تبلیغاتی را کنترل میکردند از انتشار جریان این حادثه و مناجات شهیدان بخون خفته آن جلوگیری بعمل آورد.

کارگران رحمتکش کارخانه "جهان چیت" که از دست فاجع سرما به دار خون آتام (که توسط رفقای فدائی در سال ۵۳ اقدام انقلابی شد) به شک آمده بودند برای تحقق بخشی از خواستهایشان دست به اعتراض زدند و به راهبمانی آرام برداشتند اما با سرکوب خونین دژ حیمان محمدرضا شاهی مواجه شدند و چند کارگر زخمی از جمله شهیدان کارگر، علی کارگر، و حسین الله - حشیر فیروز و حسین نیکوکار بخون خویش خفتند.

کارگران قهرمان جهان چیت در شرایطی دست به مبارزه زده بودند که جنبش کارگری از سطح آگاهی یا شش بر خورده بود و دور و شکبران کمونیست بجای دستگیری بسوی کارگران و تلاش برای پیوند دادن آگاهی سوسیالیستی با جنبش خود بخودی کارگران دست به مبارزه جدا

توطئه اخراج کارگران مجتمع صنایع فولاد اهواز!

توطئه های ضد کارگری به پیش گذاشت و زمینه را برای اقدامات بعدی فراهم نمود.

با شروع جنگ، رژیم از طریق بسیج و استانتاری اعلام کرد که کارگرانی را که نیست کنند اخراج خواهد کرد و کوشید تا از این طریق تعدادی از کارگران را اخراج کند. در این فاصله ما و بس از فراجدزاده سرپرست صنایع فولاد طبقه در صفحه ۶

رژیم جمهوری اسلامی از مدتها قبل قصد داشت مجتمع صنایع فولاد را تعطیل و کارگران آن را اخراج کند، اما هم با مقاومت و مبارزه متجددانه کارگران، رژیم را بقصد راندن و او را در اجرای نقشه بلبش نا کام می نمود. رژیم که از اقدامات خود نتیجه ای نگرفته بود سرکوب شورا های واقعی و اخراج نمایندگان مبارز کارگران را در دستور فرار داد و با اجرای آن کامیابی در اجرای

تشکیل مجمع کارکنان جنکرده صنعت نفت در شیراز

بدینال بورس و حسیانه ارتجاع به زخم کشان آواره خوزستانی در شیراز، دست اندر کاران رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در این شهر علامه های رنگارنگی منسی بر منوعیت تشکیل اجتماعات ما در میکنند. ظمیر غم این دستور العمل های

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



از شروع جنگ تا کنون در کارخانجات چه میگذرد؟

— رشته خوراک و دارو سازی
— کارخانه سینو

کارخانه سینو (گروه صنعتی بارس سینو) در حدود ۳۰۰ کارگر و کارمندان دارد و تولید آن مواد غذایی (شکلات، سوخاری، سیسکویت، وینر، آدامس و غیره) است. کارخانه دارو سازی و آرایشی است. صاحب کارخانه حاج علی خسروانی است. سرمایه دار و بزرگ است. گفته در جریان مبارزه تهرمان کارگران سرسود ویژه و کورگان تکیه خسروانی در سال ۵۸، وی دیگر کارخانه سینو را به کارخانه دارو سازی و غیره منتقل کرده و کارخانه را به وزارت صنایع و معادن تعیین شده است. اداره میگرد. کارخانه دارو سازی و معادن تعیین شده است. اداره میگرد. کارخانه دارو سازی و معادن تعیین شده است. اداره میگرد.

روزهای اول بعد از جنگ بوا شرافت داشت مخفیانه خسروانی و با همکاری یکی از نمایندگان مجلس، هیئت مدیره کارخانه که تحت فشار کارگران به نفع از مزدوران خسروانی را اخراج کرده بود توسط وزارت صنایع بزرگوار شده و مدیر دولتی بکارخانه منصوب شد. مدیران جدید بلافاصله شروع به تهدید کارگران میکنند و یکی از آنها در مجمع عمومی میگوید: "هر کسی حرف بزند او را به خطای تحویل میدهیم. ما به تولیدکننده شرایط جنگی در کارخانه سرقراری است و طبق قوانین جنگ با شما رفتار میشود." این مزدور سعی میکند با این ارجح کارگران را از مبارزه بازدارد و جوخه کارگران در کارخانه تهرمان را

بقیه در صفحه ۶

این مجمع شرکت کنید. دیگری گفت "شورانورد انقلاب است و احتیاج نیست که کسی اجازت تشکیل خورا و سربانی اجتماعات را بدهد. ما آنرا برپا میکنیم". قرار بود در این جلسه هشتی جهت اعزام ما به شهر برای آزادی نماینده دستگیر شده، انتخاب شود و ما سرگنده ای خطاب به کارگران و رحمتگان ایران درباره دستگیری ما نماینده کارگران جنگنده، نوشته شود، اما بعلمت آنکه تعدادی از کارکنان حضور نداشتند، تصمیم گیری در این زمینه ها به هفته بعد موکول گردید و کارکنان در حالیکه وجودشان منسوخ از قدرت به پاسداران و شهرپا نی جی ها بود، محمل با شکارها ترک کردند.

کارکنان جنگنده شرکت نفت با تشکیل مجمع خود در مقابل چشمان سرکوبگران رژیم، نشان دادند که از آنها هر کسی بدل ندارند. آنها میگوشتند از طریق سربانی این مجمع و حفظ شورای خود، مقوف خود را متشکل سازند تا با مبارزات بیگانه اعمان خواسته های خود را از طبقه رژیم بیرون کنند. آنها نشان دادند که با اطلاعیه های ارتجاعی رژیم واقعی نمیتواند و علیرغم تلاشهای زبونا نه رژیم، متشکل و یکپارچه مبارزات خود ادامه میدهند.

ارتجاعی، در روز پنجشنبه ۶۵/۱/۲۰ کارکنان جنگنده صنعت نفت بدعوت شورای خود، تصمیم به تشکیل مجمع عمومی میگرفتند. با پاسداران و با سایر نمایان با استقرار در مقابل محل مجمع (با شکار نفت - محل ستاد کارکنان جنگنده) و عنوان کردن دستور منوعیت اجتماعات از سوی استنادار، کوشیدند تا کارگران و کارمندان را که برای شرکت در مجمع آمده بودند، بازگردانند و چون موفق نشدند، دست به توطئه زده و به سرور و گفتند که مجمع امروز تشکیل نمیشود و باید پس ترتیب با فریب عده ای از کارکنان را با شکار با زگردانند. با اینهمه نمایندگان کارکنان شورا با حضور حدود ۱۲۰ نفر از کارکنان جلسه را تشکیل دادند.

نمایندگان به حضور سپاه پاسداران و شهرپا نی - چپا اعتراض کرده و دست به افشاکاری زدند یکی از آنها گفت "سربانی مجمع حق مسلم ما است از شما کارکنان سخاوتمند که همه هفته نماز در

مبارزات کارکنان صنعت نفت اهواز و عقب نشینی رژیم

ادامه داده روز دوشنبه ۶۵/۱/۲۲ رژیم را به قبول سه هفته کار - دو هفته استراحت وادار کرد. کارکنان مبارز صنعت نفت جهت تحقیق خواست دو هفته کار - دو هفته استراحت همچنان به مبارزه خود ادامه میدهند. کارکنان مبارزه دارا از مبارزاتی مبارزات خود را هماهنگ کرده و در ارتباط با یکدیگر با تشکیل شوراهای واقعی، خواسته های خود را پیگیری نمایند.

در پی شدت گرفتن حملات تویفانه و موشک - اندازه های رژیم ضد خلقی عراق بر شهر اهواز، کارکنان اداره مرکزی صنعت نفت، با تکلیف، ادارات دولتی و آموزش و پرورش اهواز که به اجبار بر سر کار خود حاضر میشوند، خواستار تعطیلی ادارات در شرایط جنگ گردیده و در این رابطه دست به اعتراض و در مواردی اعتصاب زدند. عمال رژیم وحشتزده از این اعتراضات در مدتها تهدید کارکنان ادارات تهرمانند. از جمله "ستاد امنیت شهر اهواز" اطلاعیه ای صادر کرده و کارکنان را متهم به "خلال نمودن" اما کارکنان ادارات بی توجه به تهدیدات رژیم به اعتراضات خود ادامه دادند. بطوریکه کارکنان اداره مرکزی صنعت نفت در روز ۶۵/۱/۱۹ رژیم را به عقب نشینی واداشته و توانستند طرح چهار هفته کار - یک هفته استراحت را به سه هفته کار - یک هفته استراحت دهند. پس از این تغییر کارکنان صنعت نفت برخواست دو هفته کار - دو هفته استراحت پس از فزودند. و برای پیگیری خواست فوق نمایندگان از میان خود برگزیدند. علیرغم این پراکنسی و سنگ اندازی های رژیم و سیاستهای خائسی اکثریت و توده ای و کوشش روسای صنعت نفت جهت متوقف ساختن این حرکت اعتراضی و به تسلیم کشیدن کارکنان مبارز صنعت نفت، کارکنان نماینده های صنعت نفت با انتخاب نمایندگان خود بطور متشکل مبارزات خود را



نان، مسکن، آزادی

خلق ها و مسئله ملی



پیشمرگان کومله با خمپاره پادگان سنندج را کوبیدند

ساعت ۶ بعد از ظهر ۶۰/۱/۱۱ پیشمرگان کومله از پل شهید جلال پادگان سنندج را با خمپاره ها مورد حمله قرار دادند. این حمله باعث یکساعت ادا معاشات و طغیان تلقانی به تاسیسات و نفقات دشمن وارد آمد که از میزان دقیق آن اطلاعی در دست نیست. بعد از اتمام عملیات پیشمرگان همگی سالم به پایگاه خود بازگشتند.

ساعت ۲/۵ بعد از ظهر روز ۵۹/۱۲/۲۹ مراسمی بمناسبت نوجن شهیدان با شرکت عده زیادی از مردم منطقه، خانواده شهدای کومله و پیشمرگان لق شهید در روستای انزلی با حضور سرکارگردیده. مراسم با خواندن یک سرود انقلابی توسط پیشمرگان کومله آغاز شد و سپس یکی از پیشمرگان برای انشود شرکت کنندگان سخن گفت. او در سخنانش اظهار داشت:

"خلق قهرمان کرد برای دفاع از دستاوردهای انقلابی خود طی یکسال اخیر سختیهای فراوانی تحمل نمود. اما همچنان به ایستادگی در برابر سرورنده خوشی های رژیم حاکم ادامه داد. ما زمان ما همراه ما توده های مبارز کردستان طی یکسال بیش از ۱۳۰ شهید به پیکار دادیم. جنبش انقلابی و در راهی طبقه کارگر و زمینداران ایران تقدیم کرده است. عزیزان من چون گاکانها، گاکانها، گاکانها، گاکانها، گاکانها... ستاره های درخشان هستند که در آسمان انقلاب ایران راهگشای آینده نوید بخش برای توده های محروم و ستمدیده خواهند بود.

(خبرنامه کومله شماره ۱۱۹)

نوطه ای دیگر علیه خلق قهرمان کرد

کران و شیر خونی با مبارزات خلقهای ایران از جمله خلق کرد، نیستند. خصوصاً اینکه فعالیت داشتن در یکی از ارگانهای ضد خلقی رژیم نیز از معیارها می است که هنگام انتخاب این معلمان و کسب به کردستان قهرمان، در نظر گرفته می شود و هر چه مدت زمان همکاری هر معلمی با این ارگانها طولانی تر بوده باشد، طبیعتاً از امتیازات بیشتری نیز برخوردار خواهند بود.

رژیم جمهوری اسلامی که تا توانی خود را در خاموش ساختن شعله های مبارزات خلق کرد می سبقت و با روشی نیز تا حد ممکن معلمان آگاه و مبارز را از بین می برد. اینها با جنبش مقاومت خلق کرد است. قصد داریم تا کسب معلمان حیره - خوا خود، به جنبش انقلابی خلق قهرمانان کرد ضربه بزنند. رژیم میخواهد مدافعان خود را در مدارس مستقر با دنیا بهتر نتواند جنبش دانش آموزان انقلابی کرد را در مدارس کنترل کرده و آنها را به تسلیم بکشاند. رژیم میخواهد مانع از رشد فرهنگ انقلابی خلق کرد گردد.

اما کردستان قهرمان میخورد و جنبش انقلابی معلمان و دانش آموزان کرد نیز در پیوند با مبارزات خلق کرد در خروشان است. رژیم سیه و می بیند ارگانه با اینگونه نوطه ها قضا در است آرامش و نظم ارتجاعی مورد دلخواه خود را در این خطه با ساخته برقرار سازد. ادا معاشات مبارزات دلاورانه خلق کرد گواها برای این امر است.

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی که در ادا معاشات سرکوب خود علیه جنبش مقاومت خلق کرد، آموزش و پرورش کردستان را منحل اعلام کرده و بسیاری از معلمان و دانش آموزان انقلابی و مبارزان دستگیر و روانه سبزه ها شده و جوخه های اعدام نموده بود، اینک به بیان "باز - سازی آموزش و پرورش کردستان" دست به نوطه دیگری علیه خلق کرده است.

در تاریخ ۵۹/۱۲/۱۱ وزارت آموزش و پرورش طی بخشنامه شماره ۱۹۵۸۷ از کلیه ادارات آموزش و پرورش استانها و شهرستانها خواسته است تا "معلمان مسلحان و متعهدی که آمادگی مأموریت با انتقال به کردستان را دارند" از طریق بخشنامه های گذشته بخننا معاشات شناسایی و برای آنکه "برنامه های آموزش و پرورش در سطح وسیع - ترویجی تری شکل گیرد". آنها را به کردستان روانه سازند و البته معلمینی که "با قضاوت فعالیت در ارگانهای انقلابی را ادا می کنند" باید "سخنات و مدت زمان همکاری و مسئولیت مستقیم آن قسمت را" هم تعیین نمایند. (تاکیدات از ما است.) بدین ترتیب رژیم جمهوری اسلامی درصدد است معلمان مدافع خود را از مناطق مختلف جمع آوری نموده و به کردستان بفرستد. معلمان مسلحان و متعهد مورد نظر رژیم، کسانی جز پادگان کنندگان فرهنگ ارتجاعی و معلمان تسلیم در مقابل سیاستهای ارتجاعی حکومت -

مقر نیروهای دشمن در سنندج زیر ضربات شدید پیشمرگان کومله

۶۰/۱/۱۵ - شبانگاه پیشمرگان کومله از (پل شهید مطهر پل شهید جلال) محله های تازه - آباد، خسرو آباد و حاجی آباد را به کنترل خود در آورده و سپس با سلاحهای سنگین و آرمی و با توکاو و نارنجک آنها از مقر نیروهای دشمن در محله خسرو آباد را مورد حمله قرار دادند و طی آن عده ای از مزدوران را کشته و خسارات زیادی به آنان وارد ساختند و خود در حالیکه تنها یکی از پیشمرگان زخمی گردیدند و باقی بماندند.

است. (خبرنامه کومله شماره ۱۱۹)

نشانی نموده و سالم به پایگاههای خود بازگشتند. حمله به آن مقر دشمن در حالیکه از چهار طرف نیروهای مستقر در ساواک سابق، با نگاه زاندار مری، ایستگاه را در محله حاجی آباد دور را دور آتشی گرفته اند، نیروهای دشمن را وحشت زده ساخته است. این عملیات دقیق و موفقیت آمیز که بلافاصله از طریق اعلام خطر و پیام رادیویی با پادگان همه مردم شهر از آن مطلع گردیدند، روحیه مردم مبارز سنندج را بسیار بالا برده است.

☆ بیاد معلم شهید دکتر خاندعلی

سیست سال از تظاهرات با شکوه معلمان تهران بر علیه رژیم منحرفانه میگذرد. معلمان آگاه و متعهد از اول اردیبهشت ۱۳۴۰، در اعتراض به دولت مزدور شریف امامی و شرایط افسناک زندگی و کار خود و با آگاهی به نوطه های درخش همکار دکتر علی امینی که بخود چهره "مخالفاً دولت داده بود، دست به اعتصاب زدند. در ادا معاشات اعتصاب شکوهمند، روز ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۰ معلمان آگاه و مبارز دست به برگزاری تظاهرات با شکوهی در میدان بهارستان زدند. مزدوران امپریالیسم و وحشت از حرکت گسترده مبارزانی معلمان، دکتر خاندعلی یکی از معلمان مبارزان به گلوله بستند. از آنروز معلمان آگاه و انقلابی روز ۱۲ اردیبهشت را بعنوان روز معلم "گرامی میدانند. یادشان گرامی باد!

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



بقیه از صفحه ۳ توطئه

به جنوب و باز دیده اواز مجتمع، رژیم تصمیم گرفت تا توطئه خود را بطور کامل با اجرا بگذارد. بنا بر این با استفاده از تعطیلات عید و پس از آن اعلام نمود که کارخانه را برای باسلاح "برنامه ریزی و تهیه طرح برای راه اندازی مجتمع فولاد" تعطیل خواهند نمود. واضح است که کارگران در مقابل این توطئه ضد کارگری ساکت نمی نشینند و به مبارزه بر علیه آن برخاسته اند. اما این توطئه واضح است که همچنانکه تجربه دو سال مبارزه کارگران صنایع فولاد و همه کارگران نشان داده است، این مبارزه بدون اتحاد و تشکیل کارگران و بدون وجود یک رهبری آگاهانه و مبارزه جویانه به نتیجه نخواهد رسید.

کارگران صنایع فولاد می بایست برای رسیدن به خواسته های برحق خود یعنی "جلو گیری از اخراج کارگران تحت هر عنوان" و "پرداخت کامل دستمزدها در صورت تعطیل کارخانه به هر بهانه"، به اتحاد و مبارزه و به آگاهی و تشکیل خود متکی باشند و هیچگونه چندان شی به رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و عطای آن نداشته باشند. کارگران میبایست با تشکیل شورایی متشکل از آگاهترین و مبارزترین کارگران و با قشره کردن صفوف خود در پشت سر این شورا، مبارزه خود را برای دستیابی به خواسته های خود به پیش ببرند.

آخرین خبر حاکی از آنست که رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی با لایحه تصویب کرده است که کلیه کارگران فولادها و از راه صورت با خرید اجاری اخراج نماید.

رژیم قبلا در صورت گشت و صنعت ایران نیز دست به چنین اقدامی زده بود و پس از "تعطیل موقت" آن، اعلام نموده بود که کارگران سی - با بستن آنها اخراج خواهند شد. برای تسویه حساب مراجعه کنند.

رژیم همچنین قصد دارد تا همین توطئه ضد کارگری را در نیروگاه اهرامین نیز با اجرا بگذارد و پس از آنکه چهار ماه از پرداخت دستمزدها و کارگران این نیروگاه خودداری نمود، اخبار اعلام کرده است که میخواهد کارگران را با پرداخت سابقه کار آنها اخراج کند.

غیر از این فوق نشان میدهند که رژیم سرمایه داری واحدی را در مقابل مبارزه کارگران در پیش گرفته است و روشن است که این سیاست واحدی است فقط با اتحاد و مبارزه در یک کارخانه بلکه با اتحاد و مبارزه همه کارگران میتوان و میباید پاسخ گفت. کارگران!

سیاست های ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی را با اتحاد سراسری و طبقاتی خود درهم بشکنیم علیه تعطیل کارخانه ها و اخراج کارگران متحدانه مبارزه سراسری خواهیم کرد.

توطئه اخراج ۸ تن از کارگران مبارز پوپلین و همبستگی کارگران!

هیئت پاکسازی بنامند، این مزدور رخنه خیز خود و قبحانه اعلام میکنند که: "ما شما را ده تا ده تا پاکسازی میکنیم و پس از آن شما مشغول کار میشوید." بدین ترتیب مزدوران رژیم خود را قرار میکنند که هدفشان را با اصطلاح پاکسازی چیزی نیست جز اخراج کارگران مبارز و انقلابی برای خفه کردن مبارزات حق طلبانه کارگران.

بدین لحاظ ضرورت مبارزه متحدانه و یکپارچه کارگران بر علیه توطئه اخراج نه تنها در هر کارخانه و هر منطقه مطرح میشود، بلکه این مبارزه ای است که طبقه کارگر میبایست بر علیه توطئه گسترده طبقه سرمایه داران رژیم حاضر باشد که برای سبک زدن کارگران و انتقال هر چه بیشتر ثروت و بحران اقتصادی بر دوشان انجام میگیرد، به پیش بردن این امر ممکن نخواهد شد مگر آنکه کارگران در تشکلات واقعی خود متشکل شده و بر آگاهی طبقاتیشان بیافزایند.

با تمام قوا از مبارزات کارگران اخراجی حمایت کنیم!

بدین حال سیاست ضد کارگری رژیم سرمایه داری اخراج کارگران و بویژه اخراج کارگران مبارز و انقلابی، روز ۶۰/۱/۲۲ به هیئت با اصطلاح پاکسازی به هشت تن از کارگران مبارز کارخانه ایران - پوپلین گیلان (که ۴ نفر از آنها نمایندگان شورا بودند) اعلام میکنند که از پرداخت حقوق و رزدها کارخانه را ندارند. ولی کارگران مبارز و سراسری اخراجی می اعتبار به با و گوشه های این هیئت ضد انقلابی، فردای آن روز به کارخانه میروند. سایر کارگران با لافا سله دست از کار کشیده و به استقبال با آرا انقلابیشان میروند. فالانژها و سایر نیروگران سرمایه دار به که از این حرکت کارگران و روحیه همبستگی ما بین آنها به وحشت افتاده بودند، از سپاه پاسداران کمک میخواهند که در نتیجه ۴ ماشین پرازی با ربه کارخانه بسوزانند و بویکه از کارگران مبارز اخراجی را دستگیر می نمایند.

فردای آن روز پاسداران سرمایه داران و ربه کارگران مبارز را زاده گوش دادند به سخنرانی آخوند

بقیه از صفحه ۴ از شروع

این مزدوران حابستان را از خونخوار بزرگی چون خسرو شاه، ساپکا ربا زنگردان بدن به سردور و ویرداخت ۱۱ هزار تومان به آنها بستانان سه ماهه بیکاری، بوضوح نشان میدهند. آنها همچنین شورای شرکت خوراک را که مطابق میلشان تسویه منحل کرده و پس از اعتراض و اعتصاب کارگران این شرکت ۱۸ نفر از کارمندان را اخراج میکنند اما دیری نمیگذرد که مبارزات کارگران آنچنان مشت محکمی بر دهان این مزدوران سزنده که دولت را مجبور به برکناری مدیران خود و حتی اعلام بکنده سلطنت ایجاد داد خلال تحت تعقیب قرار گرفته اند، میکنند!

بطور کلی مبارزه کارگران کارخانه سینود در دوره جنگ ارتجاعی ائت و خیزش سیری روبه بالا داشته است، و این امر از یک طرف در نتیجه تکلیف روحیه شویستی ای که در آغاز جنگ در کارگران ایجاد شده بود، و از طرف دیگر با قطع مزایا از جمله حق تولید و وام و... و دیگر فواید سیاسی و اقتصادی روز افزون که به روش کارگران سنگینی میکند میباید شد. همچنین اوگیری جنگ قدرت ما - بین جناح های رژیم ارتجاعی، بی اعتمادی کارگران را نسبت به رژیم جمهوری اسلامی تسریع میکند. همین فواید اقتصادی و سیاسی است که زمینه مساعدی را برای پیش کشیدن همان خواسته های قبل از جنگ برای کارگران فراهم کرده است. خواسته های کارگران سینود در حال حاضر شامل موارد زیر است:

- ۱- پرداخت ۸۵۰ تومان ماهانه تفاوت مزایا.
- ۲- پرداخت پاداش و حق تولید که قطع شده است.
- ۳- ایجاد شوراهای واقعی در سطح کارخانه.

هیئت مدیره ارتجاعی نیز مانند ربا بان خود پیاپی در مقابل خواسته های برحق کارگران ندارد. در رابطه با خواسته های بالا، در اسفند ۵۹ کارگران قسمت پفک و دارو سازی و لوازم آرایش دست بیک راهیما شد. در محوطه کارخانه زده و با شعار "شورای واقعی تشکیل بایند کرده" ۸۵۰ تومان پرداخت بایند کرده "با پیوستن تعدادی از کارگران قسمتهای دیگر در مقابل دفتر هیئت مدیره اجتماع میکنند. اما بدلیل ضعف رهبری نداشتن یک شورای واقعی کارگری، عدم تشکل و نا آگاهی بخشی از کارگران و شوطئه و سبک های های خائنین اکثریت، و علی رغم اینکه قسمتهای دیگر نیز متشنج بوده و آمادگی پیوستن به سایر کارگران را داشته اند، اما به صف نظا هر کشته گان ملحق نشده و این حرکت انقلابی به نتیجه نرسید.

در حال حاضر کارگران مبارز کارخانه سینود میباید برای پیشبرد دیگر خواسته ها نشان در این مرحله دست به تشکیل شورای واقعی کارگری زده و سعی نمایند کارگران مبارز و آگاه و مودافع منافع خود را بدون شوراها بفرستند.

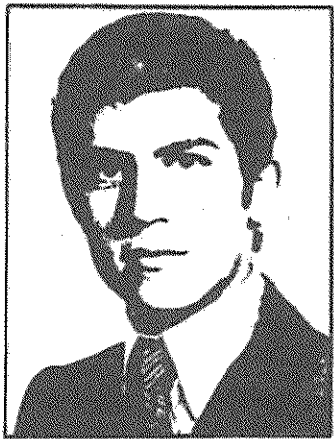
برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

چپاول ۴۰۰ میلیون تومانی از دسترنج زحمتکشان!

کارگران وزحمتکشان شهروستانه تنها باید با استثمار بیشتر، با بهره‌های خانمانه - بر انداختن ارتجاعی را بدوش بکشند، بلکه مصورند سنگینی اختلال و چپاول چندمیلیون میلیونی سردمداران رژیم جمهوری اسلامی را نیز تحمل بکنند.

سپهزادینوی سخنگوی مرتجع دولت "مکتبی" درمناحیه مطبوعاتی خودناچارند اعتراف کنند که در جریان خرید اسلحه ۵۶ میلیون دلار ایران (نزدیک به ۴۰۰ میلیون تومان به ارزش دولتی) در فراسد به "سرقه" رفته است. سردمداران رژیم جمهوری اسلامی که در طول بیش از ۷ ماه جنگ ارتجاعی و فلاتک با رحتی یکبار رسماً اعلام نکرده اند که از کجا و چگونه اسلحه میخرند و تنها پس از افشای چپاولشان از دسترنج زحمتکشان (تظیر خروج ارز ۲۰۰ میلیون توسط هاشمی - رفسنجانی) اعتراف کرده اند که از "جاهاش" اسلحه میخرند، این بار نیز میباید در واقعه‌ای را که از چشمان تیزبین توده‌های مردم پنهان مانده بود، میباید، البته چون همیشه که نباید "چیزی را از مردم پنهان کرده". انبوی خائن عمداً فراموش کرده توضیح دهد که این پول را چه کسانی بالا کشیده اند؟ از کدام شرکت و کدام کشور قرار

پنجمین سالگرد شهادت گمونیست دلاور رفیق هادی فرجاد پزشک



بود اسلحه خریداری خود؟ رژیم جمهوری اسلامی که از توده‌های آگاه خلق میباید همه این مسائل را پوشیده نگاه میدارد، رژیم جنین و انبوسد میکند که ما زندگان اسلحه که جزا میربایستها نیستند، از روی "شردوستی" و "تست خیر" اسلحه میفرستند. رژیم عمداً اعلام کرده که قرار بود این اسلحه‌ها از طریق اسپانیا به ایران تحویل گردد، واقعه‌ای که میباید این حقیقت را فراموش نکند که اسپانیا نباید تحت نفوذ امپریالیسم آمریکا بوده و آمریکا در آن کشور با پکا ههای نظامی داشته و از طریق همین کشور اسلحه‌ها و مهمات جنگی خریداری شده توسط رژیم شاه را تحویل میداد. آری رژیم پسران از امپریالیسم آمریکا اسلحه میخر و جرات اعلام آنرا ندارد، و پس عوامل رژیم با همدستی سوداگران اسلحه میلیونونها تومان را چپاول میبرند.

کارگران وزحمتکشان!
رژیم جمهوری اسلامی که خواستهای ابتدائی شما را نظر در خواست عیدی، یا دای واخافه دستمزدها، گلوله و مسلسل و زندان پاسخ میدهد، با چپاول مدها میلیون تومان از دسترنج شما، دست به مامله‌های مخفیانه خرید اسلحه میزند و تنها در یک مورد ۴۰۰ میلیون تومان درهم - دستی با امپریالیستها توسط مرتجعین بالا کشیده میشود، با آنجا دولت شکل انقلابی خود سازده بر علیه جنین رژیم را در راه پسروری انقلاب و گسستن زنجیرهای استکبار و خودمسه خلقهای ایران تداوم بخشید.

سنگ و نفرت بر رژیم چپا و لگر جمهوری اسلامی!
★ ★ ★

- * - متولد ۱۳۳۳ در مشهد
- * - دانشجوی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران
- * - شرکت در مبارزات دانشجویان انقلابی
- * - مارکسیست لنینیست
- * - عضویت در بخش منشعب از سازمان ماهدین خلق در سال ۵۴
- * - فعالیت در تاخته مشهد از زمان مسئول تشکیلات آن
- * - شهادت در روز ۱۲ اردیبهشت ۵۵ در درگیری مسلحانه با سربازان مزدوران رژیم شاه جلاد پادشاهی و آلمان سرخ پیروز!

بیاد سرخ شهیدان خلق

★ **بیاد رفیق اسماعیل شریفزاده**
روز ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۷، رفیق اسماعیل - شریفزاده، فرزند دلاور خلق کرد که به مبارزه انقلابی بر علیه رژیم شاه برخاسته بود، در کردستان به شهادت رسید. رفیق شریفزاده که همراه با گروهی از فرزندان دلاور خلق کرد به مبارزه انقلابی و مسلحانه علیه رژیم پادشاه دست زده بود، بدست آیادی ملامطفی با رزائی خائن دستگیر و تحویل رژیم شاه داده شد و پس از گلوله مزدوران امپریالیسم شهید گردید.

★ **یاد ایاز رفقای شهید وحیدی**
قراچورلو و کلانتری
روز ۹ اردیبهشت ۱۳۵۷، مزدوران رژیم شاه، سه مبارز کمونیست، رفقا محمود وحیدی، سعید - کرد قراچورلو و محمدرضا کلانتری از "زمنندگان آزادی طبقه کارگر" دستگیر کرده و زیر شکنجه‌های وحشانه کشیدند. بنا به اعتراف جلاد ساواک شهرانی مدوم، این سه رفیق پس از ایاداری در زیر شکنجه‌های ساواک با یک توطئه دزد چیمان شاه، در زندان مسموم شده و بشهادت رسیدند.

در حکومت بدسند، نقطه پایانی میگذارد. ایجاد ثبات و انتظام در قدرت سیاسی، بر سرشرا بسط بخراشی کنونی، خواب و خیالی بیش نخواهد بود هیچ "قرارداد" و "اطلاعه" و "پیام" وحدتی نمیتواند، سرچشمه اصلی بروز این اختلافات را گورنماید.

بحران اقتصادی - اجتماعی عمیق جامعه اوچگیری مبارزه ملی و طبقاتی توده‌ها، روشود گرایشات سیاسی - طبقاتی مشخص در قسودت سیاسی، معانی عینی بروز این اختلافات هستند و همین منطق عینی است که بیست و هفتاد هزار تن را تا بل و خواست ذهنی تیروهای درگیر، آنسان را علمبر غم وحدت درونی خود در برابر انقلاب، به تبارش و درگیری میگذارد و نظم درونی آنها را بهم میریزد. جناح‌های مختلف ضد انقلابی حکومت، در هر دورا زدرگیری و بحران خود - ناگزیرند که در برابر انقلاب، بوبه منظور حفظ کل نظام سیاسی، گاه به چاره‌جویی برای بحران درونی خود از طریق قراردادها و میانه‌جی - گری بپردازند. و این مقاطع همان لحظاتی هستند که راز درون وحدت طبقاتی همه جناحهای حکومت را برملا میسازد. لیکن منطق عینی مبارزه طبقاتی و سیاسی، در پایان هر آتش سوزی رفیقان از نفس افتاده را با ردیگری ساواک و یوگرهای جدید به گسستن قدرت بر علیه یکدیگر سوق میدهد.

بقیه از صفحه ۲۲ آسانگاه

امور خارج، که تحت تسلط "حزبی"ها است منطقی ساخت، در این بیانیه وزارت خارجه جمله شدیدی به "حسب شطی"، یکی از موهبه‌های اصلی "هیئت ملج" کفرانسی طائف، نمود. در این میان لیبرالها نیز از رای نشسته و تنها جسم تبلیغاتی خود را فروشی بخشیده اند. بطوریکه روزنامه انقلاب اسلامی، مجدداً به صحنه تاخت و تاز - های لیبرالها بر علیه جناح "انحمار طلب" تبدیل شده است. مهمترین جلوه این تهاجم سیاسی و تبلیغاتی، اعلام جرمی مدبر علیه رجا شی و ونیوی، در مورد عقب نشینی فضاخت بار دولت در رابطه با گروهکهای وابسته با دادن میلیارد - ها دلار از دارائی‌های ایران توسط آنها بود. این اعلام جرم اکنون توسط "هیئت سه نفره مسل" اختلافات "در دست" "سرری" میبندد. این اعلام جرم فصل مهمی در اختلافات سردمداران اصلی حکومت، یعنی مدبر و رجا شی، میبندد که اختلافات آنها را به مجرای بحرانی جدید سوق میدهد. با این توضیحات روشن است که همانطور که انتظار میرفت و ما در "یادها" شتقای سیاسی "شماره ۹۸" نیز مطرح کردیم اختلافات درونی رژیم روز سروز گسترش خواهد یافت و بر توم تمام کمسانی که میگوشتند بدون توجه به زمینه‌های عینی و ذهنی این بحران و منا زعات، در بوق "وحدت" و "برادری"

تظاهرات کمونیستها توسط مزدوران ارتجاع بخون کشیده شد!

عصر دوشنبه ۶۰/۱/۳۱ دانش آموزان و دانشجو - بان هوادار زمان سناست اعتراض به بسته بودن دانشگاهها و گرامیداشت حماسه مقاومت اول اردیبهشت ۵۹ دست به تظاهرات موفقی زدند. تظاهرات کنندگان که در حدود ۱۰۰۰ نفر بودند از خیابان آنا تول فرانس در ساعت ۴/۳۰ دقیقه شروع به راهپیمایی نمودند و با شعارهای: "اتحاد، مبارزه، پیروزی"، "دانشگاهها بین سنگرزادی، به همت توده ها گشوده با بدگسرد" "اول اردیبهشت لکه تنگ دیگر برداشتن ارتجاع" "علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها زنده باد" "بیکارتوده ها" ... به حرکت ادامه دادند در میان راهپیمایان پلاکاردها، دروازه با توطئه بستن دانشگاهها و گشتار اول اردیبهشت ۵۹ نیز به چشم میخورد.

جمعیت بعد از چند دقیقه به جلوی دانشگاه رسید. در همین زمان مزدوران و اوپا سنان جمهوری اسلامی وعده ای از پاداران که به لباس شخصی درآمده بودند، به صف تظاهرات کنندگان حمله نمودند که با مقاومت آنها روبرو گردیدند. در این میان رژیم جمهوری اسلامی بدست یکی از مزدوران نشانی با پر تانک و رنجک قوی به میان جمعیت فاجعه دهشتناکی پدید آورد. در اثر این انفجار حداقل دو نفر شهید و بیش از پنجاه نفر زخمی و مجروح گردیدند. که بلافاصله توسط جمعیت و به کمک مردم به بیمارستان انتقال داده میشوند. جمعیت تظاهرات کنندگان از این جنایت هولناک به خشم آمده و با مشت های گره گزیده فریاد میزدند: "مرگ بر ارتجاع، مرگ بر ارتجاع، اوپا ختم بسوی اوپا شان حزب اللهی حمله ور شدند. مزدوران حزب اللهی بعد از انجام جنایت سنگین خود سراسیمه متواری شده و به داخل دانشگاه و چادر "وحدت" رفتند.

بدنحال آن جمعیت با شور انقلابی فراوان و فریاد های کوبنده مجدداً صفوف خود را مستحکم کرده و بسوی چهار راه مصدق - انقلاب راهپیمایی نمودند. راهپیمایان که از میزان تلفات و شهادت دور فیق اطلاع نداشتند، تا چهار راه مصدق راهپیمایی نموده و شعارهای انقلابی را تکرار میکردند. مردم از راهپیمایی استقبال کرده و با چهره های بازحاکمی از رضایت خاطر از برگزاری این تظاهرات، آنرا تائید میکردند. تظاهرات کنندگان بدون آنکه مجدداً در طی راه با مانعی روبرو گردند، در تقاطع چهار راه مصدق - انقلاب ایستاده و سرود انقلابی "شهیدان را بمناست شهید اول اردیبهشت خواندند و بعد از آن متفرق شده و به افشاکاری پرداختند.

بعد از پایان راهپیمایی، پاداران شهرپاشی و سایر کارگزارانهای سرکوب رژیم بلافاصله به محل جنایت رسیدند تا با متفرق کردن مردم چنانچه هولناک همیالگیهای خود را بیوشانند

و از افشاشدن جنایتی که توسط مزدوران رژیم موجود آمده بود جلوگیری کنند. اما مردم دسته - دسته به بحث و گفتگو پرداخته و این جنایت را محکوم میکردند. در مقابل، پاداران جهل و سرمایه به همراه مزدوران حزب اللهی به ضرب و جرح مردم پرداخته و هر کسی را که کوچکترین اعتراضی مینمودند و میکوشیدند با ایجاد جویا شستی مانع از افشاکاری شوند، در همین روزها نقره عابری به جرم داشتن کیف و باقیافه مظنون!! دستگیر شدند. اوپا شان حزب اللهی با بتیمای نسبی "پاداران" اوپا شان به این حملات بستنده نگردید با حمله به کتا بفروشیهای جلوی دانشگاه و با ره کردن بسیاری از کتا بفروشیها با رادیو و حجت خود را از آگاهی توده ها نشان دادند.

غروب دوشنبه: مقابل بیمارستان

بعد از انتقال مجروحین و مصدومین و شهیدای حادثه به بیمارستانهای خمینی، شریعتی و ... و روشن شدن میزان زخمیها و شهیدان، خبر شهسادت چند نفر در سطح شهر پیچیده و تدریج هوادارانسی که از وجود شهیدان زخمیهای فراوان با خبر شدند به جلوی بیمارستان خمینی آمدند. پاداران نیز بلافاصله به داخل بیمارستان را محاصره کرده و تعداد زیادی از همراهان مجروحین را دستگیر نمودند. وی شرمی و وقاحت را بدانجا رساندند که مسلحانه به اتاق عمل جراحی حمله نمودند. پزشکان و دستیاران که مشغول معالجه مجروحین بودند، به حضور مسلحانه پاداران اعتراض کردند که در مقابل پاداران چندین نفر از دستیاران و پزشکها را دستگیر نمودند. در جلوی بیمارستان نیز عده ای از هواداران - ان که گرد آمده بودند با شمارهای نظیسر: زخمیگان بدانید، دانشگاه شهیدان دو... به افشاکاری پرداختند.

سه شنبه اول اردیبهشت: جلوی دانشگاه

در این روز نیز مزدوران رژیم و پاداران حزب اللهی جلوی دانشگاه را "فرق" نمسودند و همچنان به حمله و ضرب و شتم مردم آگاه و نیروهای معترض به جنایت دیروز پرداختند. (در این میان مرتجعین توده ای و اکثریتی نیز مزدوران رژیم را در شنا سانی افراد کمونیست بسیاری میسر نداشتند) دستجات فاشیستی "حزب اللسه" در گوشه و کتا ربه تظاهرات هیستریک پرداخته و علیه سازمانها شعار میدادند. جلوی دانشگاه نیز چند مد نفر از لائوها با املاط بمنظور "جلوگیری از تهاجم نیروهای کمونیست به دانشگاه" گرد آمده بودند و مشغول پیگرد و تعقیب و شکار

انقلابیون بودند. همچنین تعدادی از اوپا شان و پاداران به سناط کتا بفروشیها و تشریفات در میدان ولی عصر و پلوار کارگر - کتا ورز حمله کرده و پاداران نیز با تیراندازی به حمایت آرتان برداخته و چندین نفر را در تقاطع پلوار کتا ورز - کارگرد دستگیر نمودند.

جلوی بیمارستان خمینی

از صبح زود هواداران سازمان و خانواده زخمیها و عده ای از مردم در آنجا گرد آمده و پاداران شماریه افشاکاری برداخته و خواستار تحویل جنازه شهیدان شدند. رژیم نیز با فرستادن مزدوران شهرپاشی و گارد به محل، زست "فانونی" به خود گرفته و به املاط مرافق او فاجعه بودند! جمعیت حاضر در جلوی بیمارستان نیز بدون اعتنا به سروهای مسلح رژیم به افشاکاری ادامه دادند و با شمارهای کوبنده عوامل مزدور رژیم را به عقب نشینی واداشتند. حوالی ظهر جمعیت متفرق شده و به بیزنگ فاشیستی رفتند تا اجساد را که به بیزنگی فاشیستی منتقل شده بودند تحویل بگیرند بعد از تفرق جمعیت پاداران سرمایه و عوامل حزب اللهی مجدداً حمله نموده و پس از تیراندازی عده ای را دستگیر نمودند. بعد از ظهر نیز که مجدداً جمعیت در جلوی بیمارستان گرد آمده و به حمله مجدد حزب اللهی ها روبرو گشتند که با پر تانک سنگ قند متفرق کردن جمعیت را داشتند جمعیت با مهاجمین حزب اللهی مقا بله کرده آنها را به عقب راندند و سپس با انجام تظاهرات کونا همی به طرف خیابان آزادی رفتند و در آنجا متفرق شدند و سپس در نقاط مختلف شهره افشاکاری برداختند. آری، مزدوران رژیم جمهوری اسلامی در سالگرد حماسه مقاومت دانشگاه دست به جنایت هولناکی زدند و یار دیگر ماهیت سنا انقلابی، ضد دمکراتیک و مرتجعانه خویش را به نمایش گذاشتند. آنان وحشت زده از جنایتی که مرتکب شده بودند، با تمام قوا اوپا کماک روزی نامه های رژیم کوشیدند از یکطرف تظاهرات را "کار عده معدود ۳۰۰ نفری" جلوه دهند و از طرف دیگر مسئولیت پر تانک نارنجک را به عهده خود تظاهرات کنندگان ببانندازند!! آنها مدعی گشتند که کمونیستها برای مظلوم شما شی دست بایستکار زده اند! سنگ و نفرت سردرو غیبه داران رژیم جمهوری اسلامی!

رژیم جمهوری اسلامی از یکطرف کوشید تا چهره خود را در جنایت سنگین روزهای ۳۱ فروردین و اول اردیبهشت پوشیده نگه دارد و از طرف دیگر با تحریف حقا بق توده ها را بفریبده.

اما مردم قهرمان مافریب دروغ و فریاد زبانه های رژیم را نخورده و جنایت رژیم را محکوم میکنند.

سنگ و نفرت بر رژیم جنایت پیشه جمهوری اسلامی جاودان با دفا طره شهیدای کمونیست قهرمان!

اخبار مبارزات توده‌ها



تحصن زحمتکشان شهرک اسلام شهر در جاده ساوه

که برای احسن شرایط به انجام آمد، تبدیل سازد. اما این حقه‌پیدا را خاش کاری نبود و سرانجام محصورند ستورنم سردی را به سبب راه بدهد. و درسی آن زحمتکشان شهرک به تحصن خود در جاده‌ها تمهید دهند. اما چند روز بعد خبر مشونندگیش از ۳۰ نفر از اهالی شهرک توسط پاسداران سرما به دستگیر شده‌اند (این عسده نما بنده‌ها و افراد فعال تحصن بودند) اهالی شهرک از اینکه با آن ودستانان در زندان بسر میبرند، به خشم آمده و در روز جمعه همگسی در مقابل کمیته اجساع کرده و خواستار آزادی آنها شدند. کمیته‌جان با تللیک سرهواشی خواستند آنها را متفرق سازند، اما اهالی زحمتکشان اعلام کردند که اگر جناحی به تا بکساعت دستگیر و ستان از بند خلاص نشوند، آنها خود به کمیته ریخته و آنها را آزاد خواهند کرد. ارتجاع و جنترده‌ها از اتحاد و همسنکی زحمتکشان شهرک اسلام شهر، محصور به آزادی زندانیان گردید.

زحمتکشان شهرک اسلام شهر با بدینا کینه‌کینه و عده تصفیه آب از سوی عمال رژیم، خرسنی بیکی سروده و جنین و عده‌هایی تنها شامل حال آنها نیست. چه رژیم‌هایی منطقه‌ها سربره را نیز مدتهاست برای تصفیه آب سر می‌دهند. هزاران خانواده زحمتکشان دیگر سربره در تهران و مراکز ایران از آذغنی آب تصفیه شده محروم هستند و این محرومیت و بسیاری دردها و مشکلات و محرومیت‌های دیگر ناشی از حاکمیت رژیم سرمایه داران است. زحمتکشان تنها در سایه اتحاد و یکپارچگی و یکگیری مبارزات خود علیه رژیم سرمایه داران و استقرا جمهوری دمکراتیک خلق فادیه تحقق خواسته‌های رفاهی خود خواهند بود.

ها! و آیا دانسیا! طوکیری کند. دستبند و ربانی عمال مرتجع رژیم و سیا به پاسداران، اطلاع‌های مناسی با مضمون مشترک منسی بر اینکه "درگیری‌های اخیر شیراز را گروهکهای ملحد و منافق که در پسین جنکردهگان رخنه کرده‌اند، راه انداخته" صادر میکنند.

"جانسی" حلال، رئیس سیا به پاسداران همان شب در تلویزیون شیراز مصاحبه‌ای ترتیب داده و عامل اصلی درگیری‌های شیراز را "سازمان بیگار" معرفی میکند. در روزهای بعد درگیری گماگان در گوشه و کنار رتبه‌ها را می‌بیدای میکند. سیا به پاسداران با بورش مسلحانه بدون خوابگاه‌ها در این چند روز پس از ۷ نفر از ختران و پسران آواره را دستگیر کرده و با گذاشتن پاسداران مسلح در خوابگاه‌ها، محیط اختناق و فشار بوجود می‌آورد.

عدم توجه نهاده‌ای به مسئله‌ها مین آب برای آنها، جاده‌ها و دورا جهای فرعی آسراستو در جاده‌ها تحصن نشوند. طبق معمول کمیته‌های راه رسیده و با ضرب و ستم و سراساری هوشی دست به ارتعاب زحمتکشان زدند. و چون با قدرت یک - یا رحد و مفاومت آنها رو بر آوردند، برار را برقرار نرحم دادند. جنساعت بعد دوباره سروکلیسه دستگیر از مزدوران مسلح رژیم پیدا شد. اسبابا رینخصنن مذاکره با شهره‌ها را طرح کردند و پس از مذاکره که کمیته‌ها در نیست و مفاومت است، حلاله شهرت را محصور و حضورش را بنده - های محصنین را در رتبه‌ها گرفت. نسیمی از مردم هم برای حمایت از بنده‌ها با شتاب درت سجدا بسا ده و نسیم دیگر به تحصن در جاده‌ها پناه دادند. شهردار خاشی با کسین اینک "اگر نمای مردم جدیدی که به شهرک می‌آیند، اجازت ما همان بدهند، ما برای نما آب را تصفیه میکنیم، بسا رک درست میکنیم، با سخر درت میکنیم و... کوشید و عده و عده‌های واهی بده‌ها و زسوشی سیزان زحمتکشان را به جانی سرکوب بی خانمانی

در شیراز چه میگذرد؟

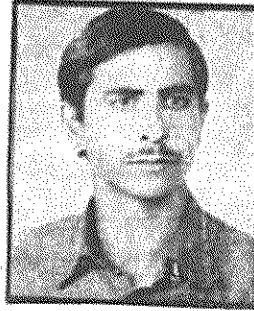
سپاه پاسداران و جماعت ارانش تحت پوشش "شیرازی‌ها" به جنکردهگان حمله میکنند کرده و چندین نفر از خمی میکنند. آنها در پس راه هر چیزی و هر انسانی را که نشانی از خوزستانی بودن داشت، زیر باران مشت و لگد سنگ و جاقی قرار میدادند. با لآخره مزدوران در مقابل خوابگاه ۲۵ جمع شده و پس از چند ساعت درگیری با آوارگان مستقر در خوابگاه، تعدادی از هموطنان خوزستانی را مجروح کرده و متشدار زیادی از سینه‌های خوابگاه را نیز می‌کشند. رژیم که مخاضمت فخرمانا نه جنگ زدگان و انشای پیش از پیش خود را می‌بیند، دست به توا مغرینی زده و با ردیف کردن یک دسته سرباز در جلوی خوابگاه ۲۵ و انمود میکند که در پس درگیری با سطرف بوده و قصد دارد از دعوی شیرازی

شهرک اسلام شهر (زاهدی سابق) در جاده ساوه و نرسیده به رباط کریم قرار دارد. زحمتکشان ساکن این شهرک پس از مذاکره با نیروی پاسا - داری و دولتگی بسیار توانسته بودند با خرج خود آنجا را ولنگشی آب کرده و چند جاده عمیق بسوزانند. اما آب این جاها دارای مقدار زیادی املاح معدنی بوده و اهالی زحمتکشان به بیماری کلیوی مبتلا میکنند. موسوریچی هم که مردم جهت رساندن آب به همه، تمهید گرفته بودند، همیشه به علل مختلف خراب میشود و تعمیر آن در هر ماهه گاه ۲۰۰۰ تومان خرج سر میدارد. با وجود چنین مشکلاتی عملا مردم زحمتکشان این شهرک از نظر داشتن آب در منطقه هستند. این امر موجب تا اعتراضات مردم را فرا هم کرده است. یکی از اهالی میگفت "چند روز است که آب نداریم پس ار کثافت سوگرفته‌ام. خانه‌ام، بچه‌ها هم، حال طوم... همه سوخته‌اند. بروید بالای شهر را بسنید، آنها گازلنگشی نده‌ها را برد. این رژیم‌ها سرانجام در روز ۱۵ فروردین در فرساده تبدیل شد. در این روز زحمتکشان شهرک بدلیل

بدنیال درگیری‌های که در تاریخ ۶۰/۱/۱۶ در اطراف شاه جیراغ روی می‌دهد و محروم کننده شدن یکطرف میگردد، جماعت داران و اوستانان شهرتحت رهبری و هدایت سیا به پاسداران (سیا لیباس شخصی) بورش گسترده خود را علیه زحمتکشان خوزستانی آغاز میکنند. بورش گسترده و حجاب شده سیا به پاسداران روز دوشنبه ۱۷ فروردین آغاز میشود. اوستانان و جماعت داران با کمک سیا به پاسداران و شهرپاسنی حرکت خود را با یک برتا به تنظیم از شاه جیراغ شروع کرده و با دادن شعارهایی چون "حزب فقط حزب الله"، "مرگ بر آادانی"، "مرگ بر بیگاری"، "ما مل آمریکایی" و... بطرف جیرا را زنده بکش رفتند و در پس راه به تیم مدک‌ها و سواظ‌های متعلق به خوزستان آنها حمله ور شده و آنها را در هم می‌کشند. جماعت داران رژیم، هر آواره خوزستانی را که به جنگ‌ها می افتادند تصدکست میزدند. آنها در پس راه خوابگاه‌های "بارا مونت" و "حر" و سایر خانه‌ها خوابگاه‌ها ادبای حمله

به استقبال جنبش او جگیرنده توده‌ها بشتابیم

رفیق محسن فاضل مبارز قدیمی و یار خلق فلسطین آزاد باید گردد!



قسمت‌های از نامه
مادر رفیق محسن
فاضل به
دادستانی گل
انقلاب

"منامیک ما در سال خورده و سوسا را اعلام می‌نمایم که فرزندان محسن فاضل از تاریخ ۱۲ بهمن ماه سال ۱۳۵۹ در اثر یک انفجار بمب‌های ویسی اس‌اسی با زدا شد و ممنوع الطافات ندهد و تا این تاریخ با وجود مرگ همه مکرر استیجاب و درخواست‌ها و بی اجازه ملاقات حتی برای چند لحظه کسی داده نشده است، بطوریکه تا این تاریخ هیچگونه اطلاعی از حال مزاجی وی به من ندادند... فرزندان محسن فاضل بمدت ۷ سال از بهترین دوران جوانی خود را جان سرگرمی همدمی سردم

ستم‌دیده و مستضعف ایرانی و هم‌زمان فلسطینی خود می‌بازدای بی‌ایمان با رژیم سفاک و وابسته‌ها میراث لیس‌گذاشته و می‌بویستیم - الطلی بر داد خنده و در طی این مدت با اینکه هر لحظه با خرد دستگیری و شکنجه و مرگ از جانب ما و اک خونخوار مواجده بودیم شب خواب راحت و جای معین نداشته، لحظه‌ای مبارزه را متوقف نکرده است. ما بعنوان خانواده‌ها این مبارز انقلابی لحظه‌ای در طی این ۷ سال از مزاحمت‌ها و اذیت و آزار ما مورا ن ساواک در امان نبودیم. آیا هم اکنون در جمهوری اسلامی نیز باید ما را همان‌طور رفتار شود که در گذشته می‌شد؟ آیا باید هم‌اکنون نیز در زندان‌ها برویم و همان توهین‌ها در حق ما روا شود که در گذشته‌ها به چندان دور می‌شد... من بعنوان یک مادر در زندان‌ها مرا نکرده -

خواستارم دستورا کید و موشنا در تمام این مدت مقدمات مربوطه اولاً با استیجاب اجازه ملاقات با فرزندان را بدهند و تا هر چه زود تر نسبت به تعیین تکلیف نهائی وی اقدام نمایند.

مادر محسن فاضل ۱۳۶۰/۱/۸
ادامه اسارت رفیق محسن فاضل که با داشتن معرفی نامه از سازمان آزاد پیش فلسطین برای خدمت به خلق فلسطین لازم خارج بود برادها را بپوش جمهوری اسلامی دردناک از انقلاب فلسطین مهرباطل میزند.

نهرداری شیراز نیز برای برجیدن جادوها و کوسبکیا و دکه‌ها در سطح شهر اطلاع‌های می‌دهد. اما با تمام عوام فریبی‌های رنگارنگ مزدوران رژیم، حقیقت برای زحمتگاران سرازجون روشن است.

کارگران و زحمتگاران سارز، هموطنان شهروان! هم‌اکنون بسیاری از مبارزان جنگ زده خوزستانی در زندان‌های رژیم سیرند. خواستگاه‌های آوارگان جنگ زیر سلطه ساداران سطح قرار داده و آوارگان نامین جانی تدارکند. تا کسیرانان خوزستانی بخاطر جمله جاداران سراجتی نمی‌توانند در شهر به کار خود بپردازند رژیم برای جلوگیری از افشاگری توسط آوارگان در محل تجمع آنها، جادوهای جماعتاران و جاسوسان خود را دادر کرده است.

به حمایت فعال از مبارزان زحمتگاران آواره خوزستانی برخاسته و بپوشه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی را به خاک مالیم! با استفاده از اعلامیه‌ها زمان بیگانه در راه آزادی طبقه کارگر (تشکیلات سراز)

گوشه‌ای از جنایات پاسداران ارتجاع در گیلان

پاسداران ارتجاع علاوه بر سرکوب نیروهای انقلابی و کمونیست در سرتاسر ایران، به هر بهانه‌ای و با تکیه بر زور و اقتدار مردم‌کوجه و با زار را همه‌گلوله می‌کنند. تشکیلات گیلان سازمان بیگانه در راه آزادی طبقه کارگر در فضای جنایات اخیر مزدوران رژیم در گیلان، اعلامیه‌ای منتشر کرده است که قسمت‌هایی از آن در زیر آورده می‌شود.

« در مرحله تفتیشی رشت پاسداری "بحرم" درگیر جادو خانه، دستا چویش را بضرط گلوله به قتل رساند.

« در لیب آب (محل‌های در رشت) پاسداری جلوی مردمی را که تا زبا هزاران دست توانسته بود برای خانواده‌اش نفقت تهیه نماید، می‌کشد و می‌گوید "تو با رتی بازی و بدون کوبین نفقت گرفتی" و جنگ لفظی آنان منجر به درگیری می‌گردد. پاسداران انقلاب سلی محکمی بگونه آن مردم سیزند و او هم در جواب با تمام توان با سر به بسنی پاسدار می‌گوید در همین اثنا پاسدار دیگری اسلحه‌اش را روی پای آن مردم گذاشته و تلیسک می‌کند. گفته می‌شود شدت جراحات وارده تا بسدان

حدوده که منجر به قطع پای آن مردمی گردد. « در زحمتگاران سارز با ساداران جمهوری ارتجاع "بحرم" واهی شمار، شوخ‌طبعی را بضرط گلوله از پای درمی‌آورند. سپس با بسنری هر چه تمام‌تر به منزل شهید رفته و می‌گویند ما برداخت حق تیر می‌توانید چنان زه‌فرورندان را بسس بگیرد که ما مقامت و شمرنی خانواده‌ها را بسنی محل قرار را برقرار و ترجیح می‌دهد، روز می‌شد

دوباره ما چراغ به منزل همان تهیه، خواست ارتجاعی خود را مطرح می‌کنند و زمان نگه‌ها را سلی محل و توده‌ها به آنها حمله می‌کنند، با تیراندازی - های بسایی ۴ نفر را شدت محروم می‌نمایند. از بسروقت محرومین اطلاعی در دست نیست در این درگیریها اسبوه جمعیت با شعار "مرگ سر پاسدار" عمق گسختان را به سرگورگران توده‌ها نشان دادند...

باز هم حمله مزدوران رژیم به دهکده داران زحمتکش

در روز پنجشنبه ۶۰/۱/۲۰ ساعت ۸/۱۵ بعد از ظهر، پاسداران سرمایه‌به دهکده داران نقاط سطح خیابان انقلاب - مهدی پورش برده و دهه ۳۰۰۰ هزار و دستگاه سرتیرو دهکده داران را به غنیمت بردند و دهکده داران زحمتگاران از جمله مزدوران رژیم، به خیابان ریخته و شمار "مرگ بسبشتی" را سر دادند. آنها جلوی ما نشینها را گرفته و از مسافرن میخواستند تا تکرار شعار به حمایت از دهکده داران برخیزند. - پاسداران ابتدا شروع به تیر - اندازی کرده و چون خود را در مقابل مردم رسوا یافتند، کوشیدند حرکت مرتجعانه حمله به دهکده - داران زحمتگاران توجیه نمایند. اما مردم کسه با رها شده‌ها با تفتح این مزدوران و حملات گسرتنه‌ها به دهکده داران زحمتگاران بودند، می - دانند که این تیریز به غنیمت بردن هشتگی دهکده داران، هیچ توجیهی جز بیان حمایت از منافع سرمایه داران گردن کلفت در بر ندارد.

نخستین از ششده ۳۱ هم آوازی... رژیم جمهوری اسلامی هموطنان آگاه و خوشی سدانند که در تظاهرات هرات نیروهای انقلابی و کمونیست این مزدوران رژیم جمهوری اسلامی و پاسداران سرمایه‌به دهکده سببی اندازند، تیر تلیک می‌کنند، گاز اشک آور برتاب می‌کنند، با گاز دسلاخی سینه‌ها را سنگافند بسببید لیسرا لهای خبیث چگونه چنانست

پاسداران را بشینان نمودند و سوزورانده می‌گویند: "تا رنجکی متفرغند" چه کسی آنرا متفرغ کرد؟ آیا مگر پاسداران و عمال رژیم جمهوری اسلامی نبودند که رفقای ما را با نارنجک تکه تکه کردند؟ آری "انقلاب اسلامی" بسنی صدر خاشن تفتی ندارند تا این جنایت هولناک را افشا کنند. چرا که خود نیز دشمن انقلابسون کمونیست میباشند. انقلاب اسلامی "لیبرالها می‌گوید: "این گروه... با مردم حاضر درگیر شدند. "زهی بسنرمی و وقاحت! همه کسانی که در محل تظاهرات بودند می‌دانند که چگونه افراد مردم به صف تظاهرات بی‌وسه و با اعلام حمایت می - نمودند و همه توده‌های آگاه میدانند که نه مردم بلکه عمال کثیف سرمایه داران بسوی راهبیمایان نارنجک انداختند. آری زمانی که افراد حزب جمهوری اسلامی سخنرانی لیبرالها را بهم می‌زنند، "انقلاب اسلامی" آنها را "اوباش" می‌گویند ولی هنگامیکه پاسداران جنایتکار کمونیست‌ها را کشتار می‌کنند از نظر لیبرالها نه تنها "بی تقصیرند" بلکه "مردم" هم می‌نویسند. آری هیچ انتظاری از لیبرالها نباید داشت. لیبرالهای خیانت - پیشه مانند حزب سببی‌ها خاشن دشمن مشترک کارگران زحمتگاران، انقلابسون و کمونیست‌ها میباشند. آنان فریبکار و جنایتکارند سنگ و نفرت بر آنها باد!

اول اردیبهشت امسال هم توسط مزدوران رژیم جمهوری اسلامی در خون تپید

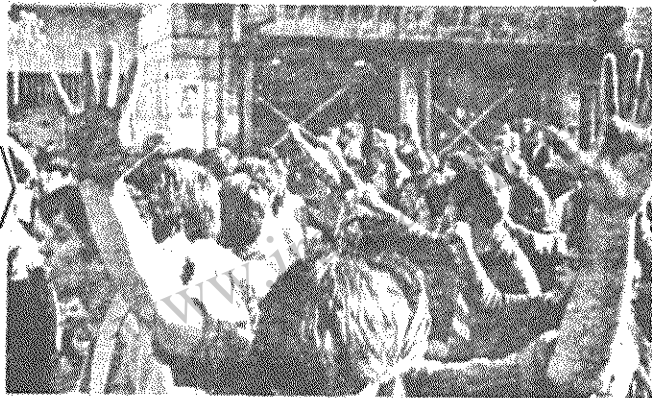
بقیه از صفحه ۱

بر زمین ریخت و با پیوستن به جو مبارزهای خونینی که در سال گذشته در همین روز از خون پاک دانشجویان انقلابی و کمونیست سرافرازان، چهره این روز - اول اردیبهشت - به سرخی بیشتر گراشد. تکرار حوادث خونین اول اردیبهشت در اولین سالگشت آن، برای همیشه این روز را به عنوان یک روز تاریخی، دردناک و مبارزانه دانشجویان انقلابی و فرا تر از آن مبارزان دمکراتیک خلقهای میهنمان ثبت خواهد کرد. اما این روز تنها روزی بزرگ در مبارزات دمکراتیک مردم ما نخواهد بود. این روز همچنین روزی است که با نام کمونیستها این مداخلین طبقه کارگر و بیگمترین مبارزان راه را هائی شده های خلق از شما میربا لیم و ارتجاع بطور کامل پیوند خورده است. هسته اصلی و نیروی محرکه جنبش مقاومت دانشجویان در روز اول اردیبهشت، در برابر هجوم ارتجاع و کمونیستها تشکیل میدادند. آنها بودند که توانستند توده کثیری از توده های آگاه مردم را در این روز به اعتراض علیه توطئه و سیاست ارتجاعی هیئت حاکمه بگتاندند. وجهش مقاومت را در این روز سازمان دهند. حتی بیشترین قربانیان بویژه جانی را در این روز کمونیستها تحمل کردند. اکنون در اولین سال بزرگداشت این روز ریشه شدن خون پاک رفقای کمونیست شهید سرزمین این پیوند را بیش از پیش مستحکمتر میسازد. بهمان گونه که روز ۱۶ آذر، در تاریخ مبارزات جنبات رژیم متفروشاها خاشاک خورده است روز اول اردیبهشت نیز جنبات رژیم جمهوری اسلامی را برای همیشه در سینه تاریخ و خلقهای رنجکش ما ثبت خواهد کرد. روز اول اردیبهشت، همواره یادآور کینه و نفرت شدید رژیم جمهوری اسلامی از همه مظاهر آگاهی و آزادی اندیشه انقلابی، و فدیت عمیق آن با همه جلوه های دمکراسی انقلابی جنبشهای دمکراتیک مردم ایران خواهد بود رژیم جمهوری اسلامی با دست خویش این روز را به دفتر تاریخ سپرده و این منطق هینگی ارتجاع در همه اعمار تاریخ بوده است از این روز و روز اول اردیبهشت جایگاه بی والائی در مبارزات دمکراتیک مردم ایران احراز خواهد کرد.

حوادث چند روز گذشته، نشان داد که ارتجاع حاکم، جهوشنی از تجدید خاطر این روز در ذهن توده های آگاه مردم بدل دارد. رژیم جمهوری اسلامی ابتدا گوشه ها تا این روز را با توطئه سکوت برگزار کردند. اما زمانی که با موج تسلیمات و اغتشاگری نیروهای انقلابی و کمونیست بیامون زنده کردن خاطر این روز و بزرگداشت آن روبرو گردید، توطئه سکوت را شکست. و درنگ را جا بجز شماره رژیم نیز به "استقبال" این روز شناخت اما استقبال رژیم از این روز، چیزی جز بزرگداشت خاطر جنبات و جنبات و جنبات در سال گذشته و تجدید عهد با خاطر جنبات و جنبات و جنبات است - ی قرون وسطائی اش چیز دیگری نمیتوانست

باشد. مردم آگاه ما با لزوم اعتراض به تعطیلی ارتجاعی دانشگاه این سنگر آگاهی و آزادی را گرامی داشتند. رژیم جمهوری اسلامی، با لزوم تعطیلی دانشگاهی را که خود ترا "دارالمعلم" (۱) مینامد از روز اول اردیبهشت از این ویژگی برخوردار است که بطور روشن و برجسته ای صف بندی انقلاب و فدا انقلاب را بر سر جلوه دمکراسی به نمایش میگذارد. طرفداران دمکراسی انقلابی

نما بد. در هر روز گذشته، خیابانهای اطراف دانشگاه، بیمارستانها، و وزی نامه های رژیم عریه ساخت و تا زاین لشکر جراح و جمل و سرمایه بود. مزدوران ارتجاع تنها به این کفایت نکرده اند که با رنجی را در میان جمعیت تظاهر کننده بیانند از توده خون پاک ۳ کمونیست انقلابی را بر زمین ریزند و عده کثیری را محروم نما بندند بلکه پس از آن نیز با حمله به بیمارستان ها و



با سدا ران جنبات ربا
انجا ریک تا رنج قوی
رفقای ما را بخون کشیدند
ویک رفیق در حال لبیکه
دستان خویش را بخون
شهیدان بیگنا گراشته
کرده جنبات رژیم حاکم
را در نزد خلق اعشا میکند:
مرگ سرچلادان فرزندان
طبقه کارگر!

دستگیری محرومین و کسانی که بخاطر حمال محرومین در آنجا گرد آمده بودند، با گسیل دسته جات با تندیهای و تروریستی خویش، تحت عنوان "حزب الله" برای سرکوب مردم معترض و هواداران سازمان مادر گوشه و گنا رهبر و در جلوی بیمارستان، با تعقیب و ستا سازی و دستگیری کمونیستها، انقلابیون و بویژه هواداران سازمان مادر رهبری شکار آنها، و بالاخره با ایجاد ترور و خفقان در عریان ترین شکل خود در جلوی دانشگاه، در روز اول اردیبهشت این اقدامات را تکمیل کردند. هر کسی که روز اول اردیبهشت از جلوی دانشگاه گذشته باشد، و حرکات فاشیستی و جنون آمیز با ندهای جهل و سرکوب را که روزی - نامه های رژیم، آنان را "مردم" و یا "مردم مسلمان" و آگاه "میخوانند، مشاهده کرده باشد می شود به توبیخ خود آگاه باشد دسته های فاشیستی "بیراهن قهوه ای های" آلمان هیتلری میافند

از بسکو، و طرفداران جهالت و تاریکی و سرکوب و خفقان و نیز مدعیان دروغین دمکراسی از سوی دیگر، ویژگی اول اردیبهشت در این بود که ما هیت فدا انقلابی و همچنین درون ما به بوسه آزادی خواهی و دمکراسی طرفداران دروغین دمکراسی - یعنی لیبرالها - را نیز به عیان بر ملا نمود. اتحاد و جناح حکومت در این روز بر سر تعطیلی دانشگاه، و سخنرانی معروف بنی صدر که پس از سرکوب مقاومت دانشجویان، این روز را روز "استفراخا کمیت دولت" نامید، در واقع نشتری بود که بوسه این دمکراسی کاذب را از هم درید و بوسی تمعن لیبرالسمیان بوسه لیبرالها را در فضا پراکنده ساخت.

روز اول اردیبهشت، این چنین روزی است!
حادثه ۱۳ فروردین و اول اردیبهشت امسال آینه ای بود که چهره گریه و زشت فدا انقلاب فرهنگی رژیم را پیش از گذشته در جلوه چشم همگان نمایان ساخت. با فرارسیدن چنین روزی، ارتجاع لشکر جهل و سرکوب و فریب خویش را سازمان داد تا به "استقبال" محمده چنین روزی سرود و کوچکترین حرکتی را برای تجدید خاطر از مقاومت دانشجو - یان و مردم آگاه در سال گذشته، بیکره سرکوب

(۱) - روزنامه آزادگان ارگان ارتجاعیون دو - آتش، در سرمقاله روز ۱۳ اردیبهشت خود، دانشگاه را "دارالمعلم" (خانه جهل) خطاب کرد!

علاوه بر آن در پی حادثه انفجار رنارنجک و بی آمدهای آن، دستگا و تبلیغات گوییزی رژیم بکار افتاد. آنها با هیاهو و جنجال کوشیدند تا با تحریف واقعیات و وارونه کردن حقایق، ماهیت واقعی حادثه ۳۱ فروردین را بیوشانند اما روزنامه‌های لیبرال‌های خاشاک کردندند؟ آنها نیز علیرغم همه هیاهو و جنجال‌های فریبکارانه شان پیرامون "زادی" و "آزادیخواهی" با سکوت فدا نقلایی خویش در برابر واقعیت حادثه و تحریف آن، مشابه هیالگنهای "حزبی" شان چهره واقعی خود را عریان ساختند. آنها نگفتند که رنارنجک را چه کسی بمیان جمعیت انداخت. آنها باندهای ترور و سرکوب را "مردم" اطلاق کردند و با درج اطلاعاتی فاشیستی "دادگاه رسیدگی به جرائم زمان جنگ" بر آن مهر تائید گذاشتند. در واقع از آنجا جز این هم انتظار نمیرفت. چرا که در حادثه اول اردیبهشت، لیبرال‌های خاشاک به زعامت بنی صدر دست در دست جناح دیگر حکومت، فعلا نه در سرکوب و کشتار و دانشجویان انقلابی نقش ایفا کردند. پس چگونه میتوانستند واقعیتی را بیان کنند که خود رسواگر چهره کریم و فدا نقلایی آنان است!

اما مهمترین جنبه حادثه فوج ۳۱ فروردین استفاده از فاشیستی ترین شیوه‌های سرکوب و کشتار، از جانب رژیم جمهوری اسلامی است. شیوه‌ای که سترجیح می‌رود تا به یک تاکتیک رایج رژیم فدا نقلایی حاکم تبدیل گردد. تشکیل باند های ترور و سرکوب، واقعا مبه و وحشیانه ترین اشکال کشتار و سرکوب، پدیده نو ظهوری نیست. در سراسر تاریخ پر خبیانت و ننگت سرما به داری بسیاری از رژیم‌های ارتجاعی، در لحظات بحرانی و اوج گیری جنیش، و در شرایط استیصال، در کتار ابزارهای اصلی سرکوب خود، به چنین شیوه‌ها و روش‌هایی دست یازیده‌اند. در روسیه "باندهای سیاه"، در آلمان هیتلری، دسته‌های "پیراهن قهوه‌ای"، در ایستالیا دسته‌های "پیراهن مشکی" در آمریکا "گوانگلی کلانها" در ترکیه، گروه‌های دست راستی افراطی ناسیونالیست و..... نمونه‌هایی از این شیوه فدا نقلایی در سرکوب جنیش‌های انقلابی است. گردانندگان واقعی همه این باندهای تروریستی، سرما نیستند - داران و زمینداران و حکومت‌های ارتجاعی آن کشور است. اکنون رژیم جمهوری اسلامی، می‌رود تا در کتار ابزارهای اصلی سرکوبش (چون ارتش سیاه، کمیته‌ها و...) با تکامل دسته‌های فالانژ خود، به سازمان‌های مخفی یا نیمه مخفی ترور - یستی، این شیوه سرکوب را، به یک پدیده رایج در سیاست خود تبدیل کند. کار این باندهای سیاه فدا نقلایی، چیزی جز ترور و انقلابیون و کمونیست‌ها، دستگیری و شکنجه آنها در مکان‌های مخفی و احیاناً تار به نیست کردن آنها، مقابله با حرکات اعتراض آمیز توده‌ها و انقلابیون از طریق حمله مسلحانه با انواع سلاح‌ها به مجامع و اجتماعات و تظاهرات (از قبیل همین بمسب

اندازی به درون جمعیت تظاهرات کننده)، و ایجاد فضای رعب و وحشت در جامعه بمنظور به مقسب نشاندن بحران انقلابی و سرکوب کردن مردم و انقلابیون، میساخت. سرخ‌های تمام این دسته‌های فاشیستی، گداگنون دولتی "مذهب" و "مکتب" از هر شده‌اند، و شعار "حزب فقط حزب الله رهبر فقط روح الله" را در سر لوحه سازماندهی خود قرار داده‌اند. به محافل مختلف حکومتی، بویژه حزب جمهوری اسلامی وصل می‌شود. هر چه رژیم حاکم و بویژه "حزب جمهوری اسلامی"، بیشتر در سراشیب انفرادی و سلفی، این شیوه‌ها تیزتر و بیشتر رایج می‌گردد. انفجار رنارنجک در ۳۱ فروردین در تهران و تکرار همین حادثه سوم در قاشم شهر، در روز اول اردیبهشت که منجر به شهادت ۴ نفر از انقلابیون گردید، آخرین مظاهرات این شیوه‌های سرکوب رژیم می‌باشد.

می‌کود و هر کسی و خاشاک دست می‌آزد. او نه با رای تشیبت یا به‌های حکومت خویش را خواهد داشت و نه توانایی سرکوب جنیش او و جگر توده‌ها را. آبگذا را زهم زوزه بگشود و حرکات وحشیانه خود را تشدید کند. این تنها تسریع گام‌های انقلاب را نوید می‌دهد.

با این حال نباید از شیوع و رواج این شیوه‌های فدا نقلایی و تشدید سیاست سرکوب و خفگان رژیم، بسادگی گذشت. باید این جناسات و وحشیانه و کم نظیر را وسیع مورد افشا قرار داد و برای خنثی نمودن آن تدابیر فروری اندیشید. شیوه‌های جدید سرکوب و کشتار باندهای سیاسی جمهوری اسلامی، در کتار شیوه‌های عمومی، خطری است که همه نیروهای انقلابی، همه مردم آگاه و خلفای میمنه را مورد تهدید قرار می‌دهد. برای مقابله با آن، تحرک و فعالیت دسته جمعی



نوده‌های انقلابی
با قدرت تمام
کنه و نفرت خود
را نسبت به رژیم
حاکم جمهوری
اسلامی به نمایش
سنگدارند!

همه نیروهای انقلابی و کمونیست از اهمیت اساسی برخوردار است. خنثی کردن این شیوه‌ها زودتره اول از طریق افشاکری وسیع پیرامون ماهیت آنها و ارتشاکتبان رژیم جمهوری اسلامی، و بدین ترتیب بسیج توده‌های حول مبارزه با این شیوه‌ها، بر سترجیح رژیم جمهوری انقلابی آنها، امکان پذیر است. ما وظیفه همه انقلابیون کمونیست، نیروهای انقلابی، همه مردم آگاه و انقلابی میدانیم که با افشای وسیع این جناسات و شیوه‌های هیتلری سرکوب و کشتار، چهره رژیم را بیش از پیش رسوا سازند و آن را به بستری برای افزایش آگاهی توده‌ها نسبت به ماهیت کل نظام سیاسی حاکم و شیوه انقلابی مبارزه با آن، تبدیل نمایند. مرقنظرا را این جنبه عمومی افشای وسیع این جناسات، همچنین می‌تواند، در خنثی کردن توطئه‌های احتمالی رژیم جمهوری در سالگرد اول ماه مه، موشرواق خود و با ایجاد زمینه‌های ذهنی مطلوب در میان مردم نسبت به این جناسات و اقدامات فدا نقلایی، تریب احتمال چنین حوادثی را کمتر نماید. هر نیروی که این وظیفه را بنوعی پشت پا می‌اندازد، جز تزلزلش در برابر انقلاب چیز دیگری را بنمایش نمی‌گذارد.

در کتار این شیوه‌های وحشیانه سرکوب غیر رسمی! شیوه‌های رسمی سرکوب نیز شدت گرفته است. درست در زمانی که رژیم فدا نقلایی حاکم مزورانه، فرمان "بحث آزاد" را صادر می‌کند، به موازات آن خفگان بیش از پیش بر فضای جامعه سنگینی می‌کنند، دستگیری و شکنجه شدت می‌گیرد. تعقیب و مراقبت، شکل سیستماتیک از جانب پاسداران و کمیته‌ها، بکار گرفته می‌شود. وزندها، از انقلابیون انباشته می‌گردد، و اینها هم در کتار سرکوب مداوم خلق کرد، و تکرار قتل و عام‌های دسته جمعی در روستاهای کردستان خراب کردن سرپناه حکمتکشان بر سرشان در تواجی خارج از محدوده شهرها، سرکوب هر نوع تار فاشیستی و حرکات اعتراض آمیز حکمتکشان، تشدید حملات تبلیغاتی و در روزنامه‌ها و رادیو تلویزیون رژیم، همه و همه، نشان می‌دهد که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، به موازات تشدید فقر و فلاکت توده‌ها، با بالا گرفتن بحران انقلابی، و فطیدن در سراشیب انفرادی، هر چه بیشتر به شیوه‌های عربی‌تر و سرکوب شدید تروری می‌آورد که تشکیل باند های ترور، نمونه برجسته‌ای از آن است. اما بگذا رژیم فدا نقلایی حاکم، به آخرین وسایل سرکوبش نیردست باز زد. این نهاد کی از قدرت او، بلکه ناشی از ضعف و استیصال او در برابر رشد روز افزون جنیش توده‌ها و توسعه و گسترش صفوف نیروهای انقلابی و کمونیست است. رژیم دیوانه‌وار و سروحشت و هراس به در و دیوار سر



خطاب به رفقا، اعضا و هواداران سازمان!

روز اول ماه مه، فرا میرسد. این روز، روز قدرت نمایی طبقاتی طبقه کارگر در مقابل رژیمهای سرمایه داری در تمام جهان است. روزی است که طبقه کارگر به همراه توده های زحمتکش خلق و در پیشتان آنها، شمارهای انقلابی خود را مطرح نموده و ضرورت ناسودنی نظام سرمایه داری را فریاد میکند.

کارگران سراسر جهان و از جمله طبقه کارگر ایران در این روز تاریخی اساسی ترین در خواستهای سیاسی خود را مطرح نموده و با برپا نمودن جشن اول ماه مه همبستگی و اتحاد جهانی خویش را در برابر سرمایه داران، امپریالیستها و رژیمهای ارتجاعی و وابسته بدان به نمایش می گذارند. برپا نمودن جشن اول ماه مه در شرایط امروز مبین ما برای طبقه کارگر لحاظ کمک به رشد آگاهی طبقاتی و همبستگی و اتحاد وی از ارزش و اهمیت خاصی برخوردار است.

ما در مقالات متعددی اهمیت روز اول ماه مه و ضرورت برگزاری مراسم این روز را مورد بحث قرار داده، بر مضمون سیاسی - انقلابی این روز و بر درک طبقاتی از مضمون این روز تکیه نموده ایم. برپا به همین درک از اهمیت و ارزش این روز تاریخی و برپا به ضرورت های سیاسی - عملی امروز جنبش توده های میهنمان و در ارتباط با زمینه هایی که جنبش توده های برای گسترش و بسط هر چه بیشتر دامنه انقلاب فراهم نموده است:

اولا - معتقدیم که با بدزنده ترین حرکت ممکن را چه لحاظ تاریخی و چه لحاظ ضرورت - های عینی و ذهنی این مرحله از رشد جنبش توده های و ضرورت تعمیق و گسترش آن، به انجام برسانیم.

ثانیا - برای انجام موفقیت آمیز هرگونه حرکت نمایی، هر تکتیک عملی... بدون شک برناممه، نقشه و فایده معینی لازم است که بدون آن، حرکات خود بخودی، گنج و حساب نمانده بسیاری را بدنبال خود خواهد کشید و ثمرات نامطلوبی بسا خواهد آورد. بنا بر این صرف نظر از ضرورت های ایدئولوژیک سیاسی و تاکتیکی مراسم روز اول ماه مه - که در جای دیگری بدان پرداخته و بعدا نیز خواهیم پرداخت - در منظور زیر نظر رفقا را به ضرورت های عملی و ملزومات یک حرکت با برنامه و سازمان یافته و منضبط جلب می کنیم.

رفقا!

در برپایی باشکوه اول ماه مه در شکل نظرات خیابانی سه دسته وظیفه پیش روی ما قرار دارند که عدم توجه به هر کدام و یا اجترای ناقص هر یک از آنها به تمامیت و موفقیت همه جانبه حرکت توده ای ما منتهی خواهد بود و این تاثیرات آن خواهد داشت. قبل از توضیح این وظایف تذکر یک نکته ضروری است: نظرات چه از لحاظ مضمون تبلیغ و ترویج و چه از لحاظ مضمون تاکتیکی ای که در خود دارد. نقطه ای جدا از حرکت تاکتیکی ما نبوده بلکه جزئی است از کل حرکت و تاکتیک عمومی ای که ما در مبارزه

طبقاتی پرولتاریا علیه نظام سرمایه داری اتخاذ نموده و به پیش میبریم. نظرات یک نقطه فشرده تبلیغی، تهییجی و توده ای است که در روند عمومی کار سیاسی - تبلیغی و توده ای ما قرار دارد و تا سعی از ملزومات آنست.

۱- وظایف قبل از تظاهرات (تدارک):

وظایفی که در مرحله تدارک پیش روی رفقا است بدین صورت محور بندی میشود:

الف: تبلیغ سیاسی حول مسئله تظاهرات به میان توده ها به اشکال مختلف و بسج آنان برای شرکت در مراسم روز اول ماه مه برای پیشبرد این وظیفه رفقا میبایست از شیوه های مختلفی استفاده کنند:

- تبلیغ شفاهی بصورت بحث، سخنرانی - های کوتاه تبلیغی، اجرای نمایشنامه، وغیره در مناطق کارگری و زحمتکش نشین شهرها، و بخش ها، قمیسات و روستاها، درون کارخانجات و محمل عبور و مرور کارگران.

- پخش اعلامیه ها و تراکت های سازمان که بمناسبت روز اول ماه مه منتشر شد، نوشتن شعارهای تمییز شده بر دیوارها

- تبلیغ با اشکال مختلف در درون سندیکا - ها و اتحادیه های کارگری و توضیح مواضع سازمان در قبال روز اول ماه مه و ضرورت شرکت کارگران در تظاهرات.

ب: بردن ارگان مرکزی سازمان (نشریه پیکار) به مناطق فوق الذکر و توضیح مضامین ایده های سازمان برای توده های وسیع کارگران و زحمتکشان گرچه ضرورت این مسئله همواره بطور جدی مطرح است لیکن از موقعیت فعلی که با استقبال یک روز جهانی میرویم باید استفاده نموده و ضمن تبلیغ مواضع سازمان حول مسائل سیاسی، آرمان کمونیسم را برای توده های هر چه وسیعتر کارگران مطرح کنیم.

۲- وظایف حین تظاهرات:

قبل از توضیح این وظایف، ضروریت به نکته مهمی توجه کنیم و آن اینکه عمل ما تجسم و جلوه ایده های ما است. در تظاهرات میبایست جزء جزء اعمالی که انجام میگیرند ایده های کمونیستی ما را محسوس نموده و ثابت کند که کمونیستها چگونه با چه میگویند در عمل و فاعل دارند. ما باید همچنین در این اعمال، وحدت اراده و عمل را به نمایش بگذاریم. وظایفی که در حین تظاهرات برعهده رفقا قرار دارد بدین شرح زیر است:

الف - تبعیت از رهبری تظاهرات: تبعیت

از رهبری در تظاهرات، امر تقویت رهبری را که برای پیشبرد موفقیت آمیز عمل، ضروری است تا مبنی میکند. بنا بر این رفقا باید از ره نمودن ها و دستورات رهبری که توسط انتظامات (و فقط انتظامات) مطرح میشوند تبعیت نموده، بسا حفظ انضباط، تشکیل و یکپارچگی تظاهرات نظم و انضباط کمونیستی را به نمایش بگذارند. از حرکات فردی پرهیز نموده و به انسجام و یکپارچگی حرکت یاری رسانند.

ب - حفظ روحیه تعرضی: شرط وفاداری به تاکتیک تعرضی بر علیه رژیم حاکم و شرکت فعال در مبارزه، حفظ روحیه تعرضی در این قبیل اعمال نیز هست. باید برای ادا به حرکت تظاهرات، فداکارانه مقاومت نمود. برای اثبات اعتقاد به مضامین انقلابی ایده های سازمان در قبال روز اول ماه مه برای نشان دادن درک عمیق از موضع تهاجمی در قبال رژیم ارتجاعی حاکم، باید نشان بدهیم که "مبارزه واقعی است" ("بنا بر این تا زمانی که از جانب رهبری تظاهرات فرمان برآکنده شدن داده نشده است باید کوشش نمود که تظاهرات بصورت متشکل به حرکت خود ادامه دهد).

ج - مقاومت: هنگامی که تظاهرات از جانب نیروهای فدا انقلابی، عتقا صرفا لانسیز یا سازمان و نوکران بورژوازی نظیر حزب توده و فداشان اکثریت مورد تهاجم قرار میگیرد، مقاومت برای حفظ تشکل تظاهرات ضرورت جدی دارد.

مقاومت و تهاجم علیه نیروهای فدا انقلابی و دستجات فدا لانسیز تحت رهبری و هدایت رهبری تظاهرات بوده و در اینجا نیز تبعیت از رهبری و برهیز از برخورد های خود بخودی و فردی تجسم انضباط کمونیستی است.

د - پخش اعلامیه و فروش نشریه حین تظاهرات: پیکهای انقلاب همچنان در حین تظاهرات نیز میبایست توده ها را از منابع آگاهی و بیامیهای انقلابی خود سیراب نمایند. تمام مسی تظاهرات میبایست از ورقه های افشاگرانه، توضیحی و تبلیغی پوشیده شود.

ه - شیوه اختتام تظاهرات: این که چه موقع میبایست تظاهرات خاتمه یابد به عهده

۳- "آن کارگران به سرعت ترین جلادان تزاری نشان دادند که مبارزه شان واقعی است" (لنین - تظاهرات اول ماه مه پرولتاریای انقلابی)



رهبری نظرات است بدین لحاظ مادام که از جانب رهبری تصمیمی درباره برانگیزه شدن نظرات هرکندگان اتخاذ نشده است، نباید متفرق شد. هنگامی که ختم نظرات اعلام میشود باید بطور متشکل و منظم برانگیزه شده، بصورت دستجات افتخاری و بحث در میان توده های شرکت کننده در نظرات و تمام گستران، نظرات را با بیان داد. در این حالت نباید در میان توده ها به توضیح مواضع سازمان، مضمون اول یا به مداخله افتخاری هیات حاکمه پرداخت. و - هنگام برانگیزه شدن باید به کمک افرادی که موردتهاجم عناصر مزدور رژیم و دیگر فدا انقلابیون قرار گرفته اند شتاب و آنان را تحیات داد.

۲- برهیز از برخورد فردی و غیر مسئولانه به نارسائی ها؛ طبیعی است که اجرای مراسم دارای کاستی ها و نارسائی ها خواهد بود و این به مجموعه امکانات ما، تخصیفات کسی ارتجاع بر ایمان فرا هم میکند، بروز یک سری مسائل پیش بینی نشده و... مربوط میشود. ضرورت برخورد فعال، همه صد انقلابی و متانست کمونیستی ایجاد میکند ز قضا تحت تا تیر این اشکالات قرار نگرفته و با حفظ انضباط و تنظیم کمونیستی از دستاورت رهبری نظرات تمهیت نموده و از برخورد منفعلانه به مسائل و با حرکت خود سرانده برهیز نمایند. طبعاً طرح انتقادات و طبقه هر فرد انقلابی و تا بسند یک برخورد اصولی است، اما جا و مکان طرح این انتقاد را باید بدرستی تشخیص داده و در جهت حفظ انسجام و یکپارچگی نظرات گوش نمود. رفقا موظفند پس از اختتام نظرات انتقادات و نظرات خود را مطرح کنند.

۳- بعد از نظرات:

درستور پیش گفتیم که نظرات فقط مرحله ای از حرکت تبلیغی و توده ای است و بنا بر این امری نیست که با بیان یافتن آن کارمان را پایان یافته تلقی کنیم اما همه انقلابی این حرکت مستلزم جمع بندی، تحکیم دستاوردها و دفاع فعال از آنان، تبلیغ وسیع

توده ای حول نقاط مثبت آن، کار تشکیلاتی و وظایفی هستند که موفقیت کامل نظرات در گرو انجام آنهاست.

الف - جمع بندی: درک عمیق از مفهوم کار سیاسی توده ای و تبدیل هر قدم به سکوی پرتابی برای قدم بعدی یعنی جمع بندی همه جا نباید از یک حرکت تقویت و تعمیق نقاط مثبت آن و مبارزه با ضعف ها و انحرافات آن، بدین لحاظ ضروری است که در فقا بعد از نظرات در زمینه جمع بندی به وظایف زیر عمل نمایند:

- جمع بندی از نظرات انجام شده، تعیین دقیق نقاط ضعف و قوت آن (چه در مرحله تارک و چه در نظرات اریته سیاسی علل بروز و ظهور ضعف ها جهت برخورد انتقادی و مبارزه با بدشو - لوزیک علیه آنها و تصحیح و تبدیل آنان به نقاط قوت برای قدمهای بعدی حرکت.

- جمع بندی از دستاوردها، اشکالات آن در میان توده ها، تفاوت توده ای میزان اثر - گذاری بر توده ها و نتیجه گیری سیاسی - تشکیلاتی از آن.

ب- تحکیم تبلیغ سیاسی: درستور پیش گفتیم که تحکیم و دفاع انقلابی از دستاوردهای نظرات یکی از وظایف ماست، این امر میسر نمیشود مگر با تبلیغ سیاسی بعد از نظرات به حول این دستاوردها و مواضع انقلابی سازمان نمایران باید تبلیغ سیاسی حول این مسئله را سازمان داده، بویژه در مسیری که نظرات انجام گرفته است مواضع سازمان را وسیع نماید توده ها بسیریم.

همچنین تهیه گزارش از اشکالات نظرات و مواضع سازمان در میان توده کارگران و زحمتکشان، گزارش از وضع تبلیغ و نکات سر - حصدی که میتواند در درخا طره ها باقی بماند، و... و ارسال آنها برای سازمان، و طبقه دیگری است که بر عهده رفقا قرار میگیرد. در همین رابطه رفقا باید گوش کنند که نظرات توده های کارگر و زحمتکشی را که در معرض این کار توده ای قرار گرفته اند بطور گشایی گرفته و برای سازمان ارسال کنند.

به امید پیروزی

بقیه از صفحه ۲۵ تکمیل ...

دا شنگا ها هوا ز نیز موردتهاجم و با نان به سرگردگی حتی حاکم شرع و عضو علی "شورای نگهبان" قرار گرفت، رفیق ما توانست جان سالم بدر ببرد، اما روز بعد مزدوران جمهوری اسلامی که رفیق احمد را قبلاً مورد شنا ماسی قرار داده بودند، او را در یکی از خیابانهای اهواز دستگیر و پس از چند روز شکنجه های جسمی و روحی با حکم حجتی مرتجع در روز جمعه ۱۲ اردیبهشت ۵۹، همراه رفیق کمونیست مسعود دانیالی، تیرباران کردند، رفیق بیگارگرما، بادلسی آکنده از کینه طبقاتی نسبت به ارتجاع و کلبه دشمنان طبقه کارگر، کوه دلانه به دفاع از عقاید کمونیستی خود برخاست و وفاداریش را به ما رکنیسم - لنینیسم، انقلاب و سوسیالیسم ثابت نمود. رفیق احمد با شناخت دقیق از توطئه ارتجاع در نامه خویشی که از رفیق بجای مانده است، به خانواده اش می نویسد که "مرا بحرام عقاید تمام محاکمه میکنند و چه بر عظمت است از اعتقادات خود دفاع کردن و به منافع مردم خیانت نکردن آری! کمونیست ها در لحظه های آزمایش، سر بلند و پرافتخار با زهم فریاد میکنند: زنده بماند کمونیسم! آنها به کمونیسم عشق میورزند چرا که راههای مبارزات رها نشی بخش زحمتکشان است عشق آنها به زحمتکشان نه در حرف و فریادهای بی محتوی، بلکه در میدان سرخ مبارزه سنجیده شده و پیروز شدن و سر بلند همچنان ایستاده اند! رفیق بیگارگرما احمد در همان نامه به رفیق خواهرش می نویسد:

"... انسان برای خودش زندگی نمیکند، مهم این است که زندگی با مرگش چه نقشی در زندگی دیگران دارد.

..... فقط عشق و کینه طبقاتی را تبلیغ کن!....."
کمونیست ها در لحظاتی که با مرگ یک قسم پیش فاش شده اند، عشق و کینه طبقاتی را فرا موش تمیکنند و رفیق قهرمان ما احمد، زن بیگارگری که کمونیست ها شی چون کارگر قهرمان رفیق مالک عباسی از اوانا شیر فراوان گرفته و به بیگارگرما در راه سرخ انقلاب و سوسیالیسم پیوستند، چنین کمونیستی بود. نامش را در هر سبزه میا دنیا و ریم و راهش را می بوئیم!

بقیه از صفحه ۲۶ زن ...

اما "هرگاه زن مسلمان عیضا مرد مسلمان را به قتل رساند فقط محکوم به قصاص است و نباید چیزی به او ولایت دهد بردارد" به این معنی که در اینجا یک نیمه انسان (زن) یک انسان کامل (مرد) را کشته است "و محکوم به قصاص است" (باز جای نکوش با فی است که نیمه انسان قاتل (زن) مجبور نیست بجزا نشی (که جان یک نیمه انسان است) خونبهای یک نیمه انسان دیگر را به "ولی دم" صاحب خون - بپردازد. (از من لایحه) از این پیشرو آشکار تر نمی شود زن را تحقیر کرد و یک موجودیت، یک نیمه انسان و یک انکلی بحساب آورد. البته این محدودیت، این توهین

آشکاره مقام والای زن صرفاً منحصر به این دو ماده و با کل لایحه نمیشود بلکه بنها همه جلوه کوچکی است از تلقی اسلام نسبت به زن. اما چرا اینطور است؟ چرا زن در قوانین سرده داری، فتوای و حتی بورژواشی از حقوق گمشدگی نسبت به مرد برخوردار است؟ و چرا زن نسبت به یک موجود درجه دوم بحساب میاید؟

"مرد مسلمان عیضا زن مسلمان را میکشد با نصف دیه مرد" - به قاتل پرداخت نمودن و لایحه مقتول (زن) حق قصاص داشته باشد. یعنی اینکه "دیه" (خونبهای) زن سراسر است با نصف خون - بهای مرد. زیرا زن مساوی با نصف مرد است. بنا بر این "وقتی مرد مسلمان عیضا زن مسلمان

را میکشد با قبلاً نصف خونبهای مرد کسه برا سر خونبهای یک زن است و پرداخت شود تا قاتل یک انسان محسوب شود و نه یک نیمه انسان. در چنین صورتی است که ولی زن مقتول میتواند قصاص کند.

پاسخ این "چرا" ها را بنحودرخشان و مشروخی ما رکنیسم - لنینیسم را ش کرده است و مسادر اینجا چکیده ای از این پاسخ را که در کتابهای متعددی از بزرگان ما رکنیسم - لنینیسم آمده است، میاوریم.

ادامه دارد.

هیئت بررسی شایعه شکنجه پس از ۱۲ روز بررسی شایعه شکنجه را تکذیب کرد!

شکنجه از دید جمهوری اسلامی!؟

دیروز - دژخیمان محمد رضاشاه :

امروز - زندانیان و حکام جمهوری اسلامی :

کسانی شکنجه میشوند، خائنانه سکوت کردند. آنها بیشتر از شکنجه قاچاقچیان مواد مخدر دم میزدند و گاه گاهی نیز برای آنان قرض دادن به مجاهدین، از شکنجه زندانیان مجاهد صحبت میکردند. اما تا می از کمونیست ها که خائنانه سخت - ترین شکنجه ها را تحمل می کردند، در میان نبودن می توانست هم باشد، لیسرا لاه شمان اصلی و آشتی ناپذیر خود را مشتاقانند. منظور آنها نه طرح شکنجه کمونیست ها و انقلابیون، بلکه بازی سیاسی و سوء استفاده از این "سوزه" تبلیغاتی برای کسب قدرت بیشتر در حاکمیت و دامن زدن بیشتر به توهم توپه ها نسبت به خود بود. و دیده ام که این خائنان لیسرال چگونه پس از حالت آیت الله خمینی در مورد اختلالات دوجناح، در ایستورده نیز "حقان گرفتند" و دیگر مدتهاست که محضی از شکنجه در تبلیغات آنها نیست چرا که تفاوتی میان آنان و "حزبی" - ها در سرکوب انقلاب و نیرو - های کمونیست و انقلابی اساسا

شکنجه دیدگاه کمونیست ها براندر بردار کلام

مادر آلا دی پوشها از شکنجه فرزندش صحبت میکند



اطلاعات
مادر آلا دی پوشها از شکنجه فرزندش صحبت میکند



مان انهدام

■ خلخالی: "اگر مقصود (از شکنجه) تعزیر و حد شرعی است ما آنرا قبول داریم."

انقلاب اسلامی ۸ آذر ۵۹
ری شهری "حاکم شرع دادگاه انقلاب ارتش: اسلام بر هر گناهی یک تعزیر و تنبیه قرار داده است که مقدارش بنظر حاکم شرع است. اگر مقصود این است که مانکن این نیستیم و صریحا آنرا قبول داریم."

انقلاب اسلامی ۳ آذر ۵۹
نماینده دادستان عمومی تهران در هیئت بررسی شایعه شکنجه: " کلیه موارد، تعزیر و تنبیه و یا حکم شرعی بود. . . . جمهوری اسلامی ۳۰ فروردین ۶۰ سرحدی زاده از اعضای شورای سرپرستی زندانها: " گاهی ممکن است بر حکم حاکم شرع تعزیر کنند." انقلاب اسلامی ۸ آذر ۵۹

اطلاعات ۶۰/۱/۲۰

شما گرفتار جمعیتی هستید که خودتان را داعی می کنند تا گرفتار شما بگردند

انام در دیدار
با چند تن از
مسئولان
دادگاههای
انقلاب اسلامی

وجود ندارد و فقط در مورد شیوه های سرکوب است که ما بکدیگر اختلاط سلیقه حزبی داریم. هیئت بررسی شکنجه اعلام کرده که فقط از زندانیان تهران بدین گونه ما "جمهوری اسلامی" با شیوه درست در صفحه اول شماره روز ۶۰/۱/۳۰ مینویسد: توسط هیئت بررسی، شایعه شکنجه در زندانهای کشور تکذیب شد. "متشکل معروفتی است که دروغ هر قدر بزرگ باشد، باور کردنش آسانتر است. البته مسئله ای که از پیش روشن است چرا در موردش هیئت فوق الذکر زحمت سفره شهرستانها را بخورده؟ در نتیجه کدنا نری نخواهد داشت!

بخارتی خاشن میگوید: "با توجه به اصل ۲۸ قانون اساسی در مورد شکنجه بر اینکه هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است، میتوان گفت که حتی یک مورد هم شکنجه در زندانهای ما دیده نشده و فقط تعداد معدودی ایضا و آزارها که جنبه شخصی داشت دیده شده." خود این خاشن ساواکی میداند که وجود شکنجه در زندانها، آنقدر روشن است که نمیتوان انکارش کرد لذا برای یک "گلاشه شرعی" پیدا میکنند.
تجدید در صفحه ۲۲

هیئت یک فریب و تیرنگ جدید پیش نیست و نتیجه "بررسی" های آنرا از همان آغاز پیش بینی کردم (بیکار ۸۶ اول دی ماه ۵۹) و امروز صحبت گفته های ما یک بار دیگر تکرار شده است. قرار بود که اعضای هیئت به "حزب و گروه و دسته های خاص" وابسته نشاند اما محمد منتظری از مؤسسان "حزب جمهوری اسلامی" بعنوان نماینده خمینی و بخارتی همکار ساواک (بیکار شماره ۴۷) و از وابستگان حزب جمهوری اسلامی نماینده "توجه مقتضه" در این هیئت بودند و همین مسئله خودیبا نگردیدند که آیت الله خمینی در مورد "عدم وابستگی" و "سیطره" و "حسن ظن" امیاستند. تشکیل این هیئت که بدنبال سرور صدای لیسرالها و اعلام وجود "عزیزان" و شکنجه در زندانها از طرف بسی صدر (انقلاب اسلامی ۲۹ آبان ۵۹) و در چهار چوب جنگ قدرت در بالا و برای فریب توپه ها صورت گرفت توسط شما خائنانده ای بود و از همان آغاز بر ملاند، لیسرالهای خاشن برای گرفتن امتیازات بیشتر قدرت سیاسی و سوء استفاده و منحرف ساختن احساسات توپه ها شروع بمقاله نویسی و سخنرانی در مورد شکنجه در زندانها کردند. منتهی در ایستورده که چه

پس از ۲ سال است که کمونیست ها و انقلابیون ایران در زیر شکنجه های جمهوری اسلامی فریاد مقاومت سرداده اند. نمونه های شکنجه زنان و مردان، دختران و پسران کمونیست و انقلابی آنقدر زیاد بوده و هست که انگار وجود شکنجه را در زندانهای جمهوری اسلامی غیر ممکن میازد. اما برای سردمداران رژیم کمونیستی، هیچ کاری مشکل نیست حتی اگر اینکار رگفتن دروغهای تاخدار باشد.

با لآخره هیئت بررسی شایعه شکنجه "ایس از ۱۳۰ روز اعلام کرده که در زندانها شکنجه وجود ندارد (!) برای کمونیست ها و انقلابیون از اولین روز تشکیل این "هیئت" مثل روز روشن بود که این هیئت وجود شکنجه را در زندانها تکذیب خواهد کرد. از همان روز که اعلام شد:

" اما دستور دادند که هیئت برای رسیدگی به وضع زندانها تشکیل شود، اما ما فرمودند انرا در هیئت به هیچ وجه نباید حزب و گروه و دسته ای خاص وابسته باشد و واقع را بدون هیچ اغمازی باید بیان دارند." (انقلاب اسلامی ۱۹ آذر ۵۹ - تاکید از ریاست) ما با صدای رسا اعلام کردیم که تشکیل این

نوع نازنجکی که رژیم علیه کمونیستها بکار برد

میشد، و طبق قرارداد آلمان با ایران، تعداد زیادی از آن به کشورهای خلیج صادر میشود. چنانچه بیاید شده باشد، سران کشورهای عربی دوست، مرتب از این کارها نجات که زیر نظر طرفان ایران از افراد ایرانی میل بودیدند، میگردند، بخاطر این موضوع بود، پس این نازنجک نوع جدید مدرن نه بدست افراد است. اصطلاح بی سروپا که "سراهی" میماند و نوسه از نوع نازنجکهای معمولی که زمان قیام بدست مردم افتاد بلکه از نوع کم نظیر و جدید است که ساختن آن فقط با بدست زدن رتشان سطح بالا و با کسبه های مربوطه به حفاظت کارخانه گرفتگفته ارتجاع راسی برانفجار راهی شد تا نشان و محکوم کنیم!

طبق گزارشات موثقی که رفقان داده اند یعنی - برای نازنجکها من نازنجک مثل فلان نازنجک معمولی بوده، بظلاله اینکه بعد از جراحی رفقای زخمی بجای تکه های نازنجک، ساچمه بدست آمده است. مسلم میشود نازنجکی که توسط یکی از مزدوران ارتجاع به درون جمعیت پرتاب شده نوع ساچمه است. این نازنجک فدنفر بوده و پوسته ای بجای چدن از ساچمه های فراوان که توسط پارافین جا مقدام زده میشود، تشکیل میگردد و ساچمه پرتاب شده مثل نازنجک معمولی است. این نازنجک فقط در کارخانه نجات صنایع نظامی - واقع در سلطنت آباد - با پروانه ربا بتکا شرکت آلمانی - در زمان شاه ساخته

خالی متعلق به سرمایه داران و هتلااران بزرگ و ساختنهای دولتی زده اند. و در حالتی که اینهمه شرکتیهای خالی هست، رژیم جدید طبقی میخواهد از بهره کار و آوارگان بیشتر سود ببرد و به جیب گنا دهنده سرمایه داران بریزد. سرمایه داران و رژیمها می آنها که از هر توطئه کثیفی بر علیه کارگران و زحمتکشان نیرو گذار نمیکند، با استفاده از جنگ زدگان میخواهند این بیکاران و آوارگان تفرقه بیندازند تا بتوانند از آوارگان بیشتر بهره کشی کنند و از طرفی میخواهند جنگ زدگان را از مزدبداره انقلابی شهرکها و هتلهای سرمایه داران منصرف کنند و هم میخواهند آنها را به میدان نبرد وارد شدن سرگرم کنند. در حالیکه آوارگان در حال حاضر بدون سرپناه و حواصی امن و بیسودون بهداشت بسر میبرند و تنها میتوانستند از طریق معادله انقلابی مسکن داشته باشند.

سپیل اسلحه همچنان سرازیر است

چرا رژیم جمهوری اسلامی از توده های زحمتکش ما پنهان میکند که از کجا، چگونه و با چه قسمتی اسلحه میخورد؟ مگر جز این است که افشای واقیعیات، افشاگر رژیم جمهوری اسلامی نیز میاشد؟ مگر همین چند روز گذشته نبود که خبر اختلاس هشتگفت ۶۶ میلیون دلار (چند صد ۴۵۰ میلیون تومان) در جریان خرید اسلحه از کشورهای امپریالیستی غرب برملا گردید؟ رژیم ها شیکه بدون اتکا به زحمتکشان و فقط با قدرت سرنیزه و توت و تانک حکومت می کنند و از مرتجعین حمایت برنمانند، ناچارند که برای ادا مصلحت با برانده شان با واقیعیتهای راپنهان کنند و با افشا را دروغ بگویند رژیم جمهوری اسلامی نیز این چنین رفتار میکند. فقط در دوره ما با خبر و تنها از طریق ربا مفاد بیرونی اسلحه وارد ایران شده است بدون اینکه سرمایه داران رژیم جمهوری اسلامی بتواند های زحمتکش بگویند که دسترنج آنها را چگونه و برای مصلحت کجا کشور و برای چه بنا را گذاشته اند؟

- کشتی ایران ارشاد (با جوشقیل ۵۰۰ تن) ۲۵۰ تنی از کشورهای آسیای شرقی حمل کرده است
- کشتی ایران بیک در ایام نوروز، محموله نظامی حمل شده، رگه شمالی را در دسترعیاس تخلیه میکرده است.
- کشتی ایران میلاد (مجهز به جوشقیل ۱۰۰ تن) ۲۵۰ تنی برای حمل اسلحه از گره شمالی به آن کشور رفته است.
- کشتی ایران نهفت در بهمن ماه گذشته از طریق بندر خمینی، از اروپا اسلحه وارد کرده است.

سیاسی را بر علیه قدرت سیاسی حاکم بر دوش بگیرد. با بدگه روز اول ماه به روز نشان دادن اتحاد دو همبستگی طبقه کارگران ایران با کارگران جهان و روز مبارزه طبقه تا به آخر انقلابی در راه بدست گرفتن رهبری مبارزات دموکراتیک بوده ها بر علیه ارتجاع حاکم باشد. بدین ترتیب با طبقه کارگر ایران راه مبارزاتی هر چه رفقا و دوستان کارگر! با تمام نیرو در نظر اهرات کمونیستها به مناسبت اول ماه شرکت کنید!

اتحاد دو همبستگی طبقه کارگر و قسودت نیرومند طبقاتیان را بر علیه امپریالیسم و سرمایه داری جلوه گرما رژیم! قریب د خود را بر علیه همه جناحهای رژیم جمهوری اسلامی، این گمانان سرمایه داری وابسته و سرکوبگران خلفا بلنه ترک کنیم!

بگذار رفقا درگ بر امپریالیسم و ارتجاع و شاعرهای آزادی زندانی سیاسی انقلابی بار - گشائی دانشگاه این سنگر آزادی، آزادی مطبوعات، اجتماعات و سازمانهای انقلابی و ایجاد شوراهای واقیعی کارگری افشای جنگ ارتجاعی، دفاع از جنبش مقاومت خلق کرد و جنبش آوارگان، برزه براندام امپریالیسم و ارتجاع بفرکنند، بگذا و غروش کارگران ایران، با فریاد کارگران سراسر جهان درهم میزد و تا بودی امپریالیسم و پیروزی سوسیالیسم را نوبدهند.

با تمام نیرو و نظر اهرات با نگو و جشن اول ماه به راپرسیداریم! زنده بساد اول ماه به راپرسیداریم! زنده بساد سوسیالیسم! مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی! برقرار با جمهوری دموکراتیک خلق! کمیته مرکزی سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

بشبهه از صفحه ۲
سرمقاله
سرمایه لیسیم آمریکا هدیه دادند. دورانی دیگر لیبرالهای خائن، با یک آزادخواهی برجسته زنده تا توده های گنده شده ارتجاع رقیب را به دنبال منافع ارتجاعی خویش بکشند. در همین رابطه روی بویونیستهای خائن توده های واگنریست بدستال حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی روان شده و خائنین به جایش بگردیدند. مدر طبقه زده اند و مگر انبیا ناسیگیری چون محاهدین خلق، با گرایش لیبرالی خود، عملاً از جنبش سنی مدرحما بیت میکنند.

رفقای کارگر!

طرح آلترنا تیوا انقلابی در مقابل آلترنا تیوهای ارتجاعی حزب جمهوری و لیبرالها، مجهز شدن طبقه کارگر به سلاح طبقاتی - اش مارکسیسم لنینیسم و متشکل شدن در حزب خود که اکنون با قداست، و هم چنین افشای بنا با ت رژیم جمهوری اسلامی و حمایت از مبارزات تمامی زحمتکشان علیه رژیم و بسیج و متشکل کردن توده ها و اتحادات کتیک های معرفی در شرایط اعتلا کنونی و طایف اساسی مبارز در شرایط کنونی تشکیل میدهد. برخورد ما به اول ماه به نیز بر همین اساس و مبتنی بر جنبش - من مضامینی صورت میگردد. ما میگوئیم تا بسا نظا هرات انقلابی خود، در مقابل سرکوب و فشار ارتجاع با بیداری کنیم. ما اتحاد عمل با نیروهای انقلابی بر اساس بلاتفرقه امپریالیستی، فدا رتجاعی، ضد رویونیستی، فقط انقلاب را تقویت بخشیم و آنگاه در زاول ما به رابسه روزی برای افشای بنا با ت رژیم جمهوری اسلامی دفاع از آزادیهای سیاسی افشای جنگ ارتجاعی و ایجاد دشواریهای واقیعی بدل رژیم آری هم - چنانکه انقلاب دموکراتیک و فدا امپریالیستی خلقیهای ایران تنها برهبری طبقه کارگران مکان - پذیر است، با بدد روی جهای کارگر نیوسر، این طبقه کارگر ایران با شکه برجم میسارزه

تظاهرات خیابانی، (قانونمندیها و درگهای انحرافی نسبت به آن)

تظاهرات خیابانی، بعنوان شکلی از مبارزه طبقاتی و بعنوان یک تاکتیک مهم نقش برجسته‌ای در جنبش توده‌ها ایفا میکنند. از اینرو شناخت قانونمندیها و انحرافات رویزیونیستی و آنارشیستی در برخورد به آن برای پرولتاریای آگاه ما حائز اهمیت بسیار است.

همانطور که میدانیم تظاهرات شکلی از مبارزه طبقاتی است و از اینرو جزئی از تاکتیک محسوب میشود. چرا که "رؤکا رنا کتیک با اشکال مبارزه و اشکال تشکیلات پرولتاریا و تفجیر و هم‌آهنگی آنهاست." (استالین راجع به اصول لنینیسم) اما تظاهرات شکل خاصی از مبارزه طبقاتی است. شکلی تعرضی و مبتنی بر یکی از اشکال عالی مبارزه طبقاتی که خاص دوران اعتلا است. تظاهرات خیابانی از یکسوی نقش تبلیغی ایفا میکند و بقول رفیق استالین: "اهمیت تظاهرات خیابانی در این است که این تظاهرات بطور وسیع توده‌های مردم را بوی جنبش جلب میکنند و آنها را فوراً با خواستهای ما آشنا میسازد و زمینه وسیع مساعدی فراهم می‌آورد که در آن ما بتوانیم جورا نه تخم ایده‌های سوسیالیستی و آزادی سیاسی را بکار بیم. تظاهرات خیابانی سبب آریستایون خیابانی میگردد." (استالین حزب سوسیال دموکرات روس و وظایف آن) و از سویی دیگر تظاهرات خیابانی، مانور سیاسی و نمایش قدرت توده‌های حول دفاع از منافع یک طبقه خاص است. علاوه بر این تظاهرات مانند هر تاکتیک دیگری پرولتاریا، وظیفه آموزش توده‌ها را حصول تجربیات سیاسی شان دارد. تاکتیک باید به گونه‌ای انتخاب شود که توده‌های وسیع را بسوی خط مشی سازمان کمونیستی و انقلاب جلب نماید.

رفیق استالین در رهبری تاکتیکی بسط همین مسئله اشاره میکنند و میگوید در رجه اول بایستی از آن اشکال مبارزاتی سود جست که: "بیش از همه شرایط فعلی جزو بیا مدهیضت، متناسب بوده و اعتماد آحاد توده‌ها شدگسسه رساندن توده‌ها را به مواضع انقلابی و بسوق توده‌های میلیونی را بطرف جنبه انقلاب و حاجب نمودن آنان را در جنبه تسهیل و تاملین نماید. مطلب بر سر این نیست که قسمت پیش‌آهنگ عدم امکان بقای رژیم کهنه و انقراض حتمی آن را فهمید و با شد بلکه مطلب بر سر اینست که توده‌ها بسیلیونها توده مردم به این ضرورت پی ببرند و برای تقویت پیش‌آهنگ حاضر شوند اما توده‌ها اینرا فقط از روی تجربه شخصی خود نمیتوانند فهمند، موضوع بر سر اینست که به میلیونها توده

مردم امکان داده شود تا از روی تجربه تخصصی خود ضرورت و لزوم انقراض حکومت قدیم را بفهمند و چنان اشکال مبارزه و چنان اشکال تشکیلاتی انتخاب شود که توده‌ها بتوانند از روی تجربه به سهولت صحت شعارهای انقلابی را دریابند، اینست وظیفه "همانجا" (تاکتیک ریاست)

اسهانی اتخاذ تاکتیک تظاهرات کدامند؟

الف - تظاهرات و سطح جنبش توده‌ای
از آنجا که کمونیستها همواره در تلاشند تاکتیک خود، توده‌ها و جلب آنها بسوی انقلاب را در مدنظر دارند، مهمترین مسئله‌ای که در ابتدا باید اتخاذ تاکتیک آنها را تشکیل میدهد، سطح جنبش توده‌ای است. بررسی وضعیت آرایش قوای طبقات درون جامعه و نمودن بندگان سیاسی آنها طبقه کارگر، خرده بورژوازی و... شرایط عینی و ذهنی جنبش آنها در اتخاذ تاکتیک دارای اهمیت ویژه است. جزریا مد جنبش آنها را بسوی تعرض یا عقب نشینی سوق میدهد. شعارهای دورانیهای و اشکال مبارزاتی ملامت و ویژگی دورانیهای افق و شعارهای سیاسی و اشکال مبارزاتی تعرضی، ویژگی دوران اعتلاست. تظاهرات اما با باطن نمایش را دیگرالیزم جنبش و حرکت تعرضی توده‌ها، تاکتیک مناسب برای دوران اعتلا است. البته ذکر یک نکته در اینجا ضروری است و آن اینکه استفاده از تظاهرات تنها بعنوان شکلی از تبلیغ و آنهم تظاهرات موضعی میتواند در زمانی که اعتلا جنبش نیز وجود ندارد مورد استفاده قرار گیرد. اما استفاده از تظاهرات بعنوان یکی از صور مبارزه انقلابی و نمایشات سیاسی همراه با بسیج توده‌های خاص در دوران اعتلا است. استالین میگوید: "در دوره سالهای ۱۹۰۲ الی ۱۹۰۵ تاکتیک حزب تاکتیک تعرضی بود، زیرا هنگام مد انقلاب و اوج گرفتن نهضت بطرف بالا بود، لذا تاکتیک هم می بایستی با این حقیقت منطبق میشد. طبق این وضعیت صور مبارزه نیز انقلابی و متناسب با مقتضیات مد انقلاب بود. اشکال مبارزه که در این دوره یکی جای دیگری را میگرفت، عبارت بسود از اعتصابات سیاسی محلی، نمایشات سیاسی، اعتصاب عمومی سیاسی، تحریم دوام، قیام." (همانجا)

ب - رابطه تظاهرات و آرایش قوای دشمن
با هر چه بالاتر گرفتن جنبش و توده‌های سرشدن تظاهرات، اتخاذ تاکتیک بر مبنای میزان

توانا شیهای دشمن اهمیت بیش از پیش مییابد از این رو بایستی این تاکتیک بگونگی انتخاب شود که بیشترین ضربه را به دشمن وارد کرده، کمترین خسارت را برای صفوف انقلاب در برداشته باشد. عدم ارزیابی از وضعیت صفوف دشمن در زمان و مکان تظاهرات موجب میشود که تاکتیک ما به موفقیت نیا نجامد. توجه به این مسئله را در فسخ تظاهرات ۹ ژوئن ۱۹۱۷ از سوی بلشویکیها تا قدیم، لنین در این مورد میگوید: "نیم‌ژوئن حزب کارگران انقلابی با حزب بلشویکیها در پروگرام در کار رتدا رک تظاهراتی بود که نمودار متشکلی از ناخرسندی روزافزون و برآشفتنگی توده‌ها باشد. سران این - اربور و منشویک که در تلاش با بورژوازی سردرگم شده و پای بند سیاست امپریالیستی تعرضی گردیده بودند، رفتی احساس کردند نفوذ خود را بسبب توده‌ها از دست میدهند، هراسناک شدند، بورژوازی همگانی برفت تظاهرات برخاست و این بار دیگر کار دتهای فداانقلابی نیز با این - اربور و منشویکیا یکی شده بودند، تحت رهبری آنها و در نتیجه سیاست سازنگاری آنها با سرمایه داران، جرخش توده‌های خرده بورژوازی برای اتحاد بسوی بورژوازی فداانقلابی کاملاً مشخص گردید... بلشویکیها تصمیم بر این داشتند تظاهرات را فسخ کردند، زیرا بهیچوجه نمی خواستند در چنین لحظه‌ای کارگران را علیه نیروهای متحدگادتها اسارها و منشویکیها به سردی ما بسوزانند بکشانند." (لنین - درسهای انقلاب)

در کنار دو عامل اساسی فوق برای اتخاذ تاکتیک تظاهرات بایستی از عوامل کم اهمیت - تری مانند وجود یا عدم وجود دموکراسی که طبعا بر میزان حدت رویا روشی طبقات متغام می افزاید و همچنین توجه به روحیات توده‌ها که حساسیت بیشتری نسبت به برخی مسائل نشان میدهد و برای تظاهرات حول آنها بیشتر بسیج میشوند و... نیز یاد کرد.

۲- عناصر اساسی تظاهرات

هر تظاهرات بر مبنای عناصر اساسی زیر تشکیل می یابند:
الف - شعارها - شعارهای تظاهرات از عناصر مهم تظاهرات هستند، انطباق این شعارها با احساسات و روحیات توده‌ها و سطح جنبش توده‌ای و نیز با اساسی ترین نیازهای توده‌ها میتواند در این تظاهرات را به تظاهرات موفق بدل نماید.
ب - سازماندهی تظاهرات - سازماندهی منظم

و با انضباط تظاهرات، گذشته از آنکه از میزان آسیب پذیری آن میکاوه، در ارائه یک آشناترین انقلابی مورد تکیه توده ها نیز نقش تبلیغی ایفا میکند. توده ها با دیدن تظاهرات منظمی که در مقابل بورس ارتجاع نیز انجام خود را حفظ میکند، پیش از پیش به آلتزنا تپوا انقلابی و تشکیلات سازمانهای انقلابی گرایش می یابند، چ - شرکت کنندگان در تظاهرات با این عنصر تظاهرات بسیار مهم است. مثلاً در تظاهراتی و دلآوری تظاهرات کنندگان در مقابل بورس ارتجاع

با شنیدن صدای تازیانه فرار نمیکنند، برعکس آنها نزدیکتری آیند و تازیانه دیگری - "ناظرین کنجکا" و "شورنگران" فرقی قائل نمیشود... بدین وسیله ضربات تازیانه خدمت بزرگی بها میکنند، چون در تظاهرات شلاق و تازیانه، گرایش به انقلاب در "ناظرین کنجکا" تسریع میگردد. (همانجا) بدین ترتیب تظاهرات موفق میشود توده های بیشتری را به سوی انقلاب جلب نماید. به همین خاطر است که رفیق بوگدان کثوثیا نتس در گزارش کمیته با کوبه کنگره دوم حزب سوسیال دموکرات روسیه

عمده مبارزه، یعنی تظاهرات خیابانی، به شرایط مشخص برای اتخاذ این تاکتیک توجه نکرده و وضعیت ویژه قوای طبقاتی و آرد آن مقطع و محل و مکان، مبنای حرکت خود قرار ندهد. برای بررسی قوای طبقاتی با به وضعیت رژیم (دموکراسی و سرکوب، استیمال، تعرض) وضعیت نیروهای غیر پرولتری، اوضاع نیروهای پرولتری، سنت و فرهنگ توده ها و حساسیت آنها و... را در نظر گرفت.

ب: این دیدگاه خلعت تبلیغی - تعرضی توده های این تاکتیک را ندیده بلکه به تظاهرات خیابانی به نسبتا تکلی از مبارزه برای درگیری و تعرض آنها به رژیم نگریسته و سرخوردن های زودرس و ما چرا خوب نه را به نفع پیش میگذارد. این دیدگاه به تظاهرات خیابانی و تعرضی که در این شکل از مبارزه نهفته است، از زاویه غیرتوده ای و آنا ریشستی نگاه میکند.

تظاهرات خیابانی با توجه به وضعیت قوای طبقاتی در جامعه مطرح جنبش توده های و بعنوان یکی از اشکال عالی مبارزات مردم، خلعت تبلیغی، تعرضی و سیاسی داشته و باید با توجه به عوامل یاد شده، برای سازماندهی و رشد آگاهی طبقه کارگر توده ها بکار گرفته شود.

میگوید که پس از هر تظاهرات تیراژ نشریه مرکزی حزب بطرز چشمگیری افزایش می یابد و توده های بیشتری از حزب استقبال میکنند. بدین ترتیب توجه به چهار عنصر فوق، تظاهرات را از نظر جلب توده ها بسوی انقلاب موفق مینماید.

دیدگاههای انحرافی

در قبال تظاهرات خیابانی

- ۱- دیدگاه راستروانه: این دیدگاه با توجه به کمبها (عدم بها) به نسبتا تسلی جنبش توده ها و سرخوردن یکجا نبه و ایده آلستی به توهم توده ها، تاکتیکی را اتخاذ میکند که میتواند به اشکال زیرتیا رزیا به: الف - با توجه به تقلیل سطح جنبش توده ای، اعتلاء انقلابی و مبارزات سیاسی توده ها را نفی کرده و بجای استفاده از اشکال سیاسی و عا لسی مبارزات توده ها (تظاهرات خیابانی) و شعارهای هما هنگ با آن، اشکال عقب مانده و منصفی - اقتصادی را عمده میکند و دیدگاه لیبرالی و انحلال طلبانه را نسبت به جنبش توده ها و انقلاب به نفع پیش میگذارد. ب - این دیدگاه با توجه به سرخوردن یکجا نبه و ایده آلستی به نقش ذهنیت توده ها (عاشق توهم) به شرایط مادی مبارزه بها نمیدهد و با دنیا لروی از توهم توده ها، مبنای تاکتیک خود را بر اساس توهم توده ها آغاز کرده، سبب انفعال و پسا سوبیت در مبارزه میشود و در نتیجه شکل عالی و سیاسی مبارزات مردم (تظاهرات خیابانی) را نفی میکند.
- ۲- دیدگاه چپروانه

این دیدگاه با عدم توجه به آرایش نسوی طبقاتی در جامعه، ذهنیت خود را بجای آن در نظر گرفته و تاکتیکهای خود را جدا از شرایط مادی جامعه و وضعیت قوای طبقاتی اتخاذ میکند. این دیدگاه نمیتواند به اشکال زیرتیا رزیا به: الف - با درکی ذهنی و گماتیک نسبت به شکل

عظمت و استواری آرمان تظاهرات کنندگان را به توده ها نشان میدهد. مردم با تجربه سیاسی خود می بینند که چگونه کمونیستها با طرحها و بیان بخون می غلطند. استواری شرکت کنندگان در تظاهرات تیره توده ها اعتماد به سازمانهای انقلابی می بخشد و رعبوس هرگونه انفعال، توده ها را نسبت به ایمن تظاهرات کنندگان برآه توده های اعتماد مینماید. بقول رفیق استالین: "کافی است فردی در طول یک تظاهرات به خیابان برود تا مبارزین شجاع را مشاهده کنند و بفهمند آنها به خاطر چه می جنگند، فریادهای آزادی طلبانه را بشنود که از همه میخواهند به مبارزه بپیوندند و به سرودهای هیجان آورگوش فرادهد که سیستم موجود را محکوم کرده و تپا هی های اجتماعی ما را افشا مینماید." (حزب سوسیال - دموکرات روس و وظایف آن) بدین ترتیب استواری خود تظاهرات کنندگان عالمی بسرای موفقیت تظاهرات است.

د - ناظرین کنجکا و بجز توده های شرکت کننده در تظاهرات، عمده زبانی نیز به قصد آشنایی با شعارها و هیبت تظاهرات کنندگان در اطراف تظاهرات گرد می آیند. (نمونه ۲۳ دی، نمونه خوبی است) تظاهرات موفق میتواند به ایمن ناظرین کنجکا و راه به تظاهرات کنندگان آینده بدل سازد بقول استالین:

" امروزه در هر شهر بزرگ، دهها هزار از این قبیل ناظرین کنجکا وجود دارد... امروز آنها به صحنه اغتشاش و شورش هجوم آور میگردند و کنجکای نشان میدهند. آنها مشتاقانسه میخواهند بفهمند چرا این اغتشاشات و بی نظمی ها بوقوع می پیوندند چرا این همه مردم خود را در معرض ضربات تازیانه قرار میدهند. تحت این شرایط، دیگر ناظرین کنجکا و سبه صدای ضربات شلاق و شمشیر، سیاسی تفتا و بی اعتنائی گوش فرامیدهند. "ناظرین کنجکا و" مثا هده میکنند که تظاهرات کنندگان جهت بیان خواستها و تقاضاهای خود، در خیابانها اجتماع کرده اند و دولت با ضرب و جرح و سرکوب بیرحمانه با آنها مقابله میکند. "ناظرین کنجکا و" دیگر

پس تظاهرات خیابانی با توجه به وضعیت قوای طبقاتی در جامعه، مطرح جنبش توده ای و... بعنوان یکی از اشکال عالی مبارزات مردم، خلعت تبلیغی، تعرضی و سیاسی داشته و باید با توجه به عوامل یاد شده، برای سازماندهی و رشد آگاهی طبقه کارگر توده ها بکار گرفته شود. ویژه این شکل از مبارزه برای برگزاری جشن اول ماه مه، نقش اساسی را ایفا کرده و کمونیستها و انقلابیون با مدعی امکان از این تاکتیک مبارزات به بهترین وجهی استفاده نمایند.

آیت الله خمینی:

انقلاب نکردیم که

نظام بهم بخورد!!

زحمتکشان ما مالها مبارزه کرده اند تا رژیم سرمایه داری وابسته شاه جلا د را سرنگون سازند و با انهدام سبب اصلی نابسانی ها و فتر و فلاکت شان، نظامی نوپا فریبند. اما انقلاب پیروز نشد چرا که طبقه کارگر تهرمان رهبری آن را در دست نداشت.

اما آیت الله خمینی در دیدار با "گروهی از ظلمانیان" (۲۵ فروردین ۶۰) خطاب به آنان میگوید: "... همه گمان نکنند که حالا که ما انقلاب کردیم یا بدین نظام هم بهم بخورد، نه اینطور نیاید یا شد. انقلاب کردید لیکن این نظام از اول در اسلام بوده است و حالا هم باید باشد که با نظام ما جورا انجام میگیرد."

(جمهوری اسلامی - ۲۶ فروردین ۶۰)
آری انقلاب از درجه دید آیت الله خمینی رژیم جمهوری اسلامی، به آنچه که مورد نظر خلقهای زحمتکش ایران بود (و میباشد) زمین تا آسمان تفاوت دارد. زحمتکشان همین ما خواهان درهم شکستن نظام استعمارگر ما هستیم و ما "انقلاب" مورد نظر آیت الله خمینی نه تغییر سیستم و درهم شکستن آن بلکه فقط به جابجایی در "بالا" - نشستان و ادامه نظام سابق با روشی دیگر محدود میشود

بحران اقتصادی کشور و راه رفع آن

■ در حالیکه بنابه اعتراف سردمداران رژیم، بودجه دارای کسری معادل ۱۲۵۰ میلیارد میباشد، دود ناشی از بحران اقتصادی و هزینه های سرسام آور جنگ برجسم چه کسانی جز زحمتگنان میروند؟
رژیم حاکم به بختی خصوصی و فقط در قسمت تجارت اجازه داده است که در سال ۵۹، ۱۲۰۰ میلیارد ریال سود ببرد. آیا این سود جز از دسترنج زحمتگنان و از درآمد ناچیز توده های مزد بگیر تانین شده است؟

خروجی او نیست. توده های زحمتکش صادر ایندوسال حاکمیت جمهوری اسلامی بدون برخورد - داری از حق مسکن و بهداشت و حتی اولیه ترین نیازهای رفاهی در میان گروهاک وزیر چادر وحشی و در بدترین شرایط بسر برده و میسر ندر متا زده سحای لیمیرال پیشنهاد میکنند " طرحهای اعتبارات عمرانی و رفاهی کاهش یابند! " اما آیا برای رفع بحران موجود هیچ راه حلی وجود ندارد؟ جواب مثبت است. همانطور که در بلایان شده، علت اصلی و اساسی وجود این بحرانها حاکمیت سرما به داری و بسته و رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی است. تنها راه حل بحران های اقتصادی، درگرو انقلاب توده های زحمتکش میباشد.

فقط با انقلاب دمکراتیک - فداسیروالیستی به رهبری طبقه کارگر و پرقراری سوسیالیست است که شما متاسما با سانیهای اجتماعی و از جمله بحرانهای کمزورکن اقتصاد ازین خواهند رفت فقط تا بودن سرما به داری و بسته و ازین رفتن اقلیت است شما و گمر سرما به داری و پرقراری حاکمیت طبقه کارگر است که بطور قطع رفاه برای زحمتگنان فراهم خواهد آورد. هر حرفی جز این بوج و فریب است. ★ ★ ★

فروری بوده و فقط در شرحا کمیت سرما به داری و بسته و رژیم ارتجاعی و ضد مردمی کنونی است که سوداگران به ورود آنها میبرند و زند. برای نمونه گذشته زکالاهای تجملی و الکتریکی گران که تنها ثروتمندان امکان استفاده از آنها را دارند (تظییر بیخانیهای ۱۰-۱۲ هزار تومانی) در میان کالاهای وارداتی، "بذرخیار"، "ما یون توالت"، "بلفور ذرت"، "خاکشیر" و... که از هلند آلمان و پاکستان وارد میشوند نیز چشم میخورند اینها دوسه نمونه کوچک از واردات کمزورکنی است که به "یمن" حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی حافظ سرما به داری و بسته مکان و زود یابند - اندو سحای و وجود چنین رژیمی، این کالاهای قیمتی - های چندین برابر به دست مصرف کننده میرسد و منافع حاصل از این جیا اول به جیب همبالیگهای مهندس سحایی سرازیر میشود.

سحایی اعتراف میکنند که "سال گذشته ۱۱ میلیارد دلار اعتبار به بخش خصوصی داده شده است و بخش تجارت چیزی در حدود ۱۲۰۰ میلیارد ریال در سال ۵۹ سود برده است". ولی این ۱۱ میلیارد دلار را چه رژیمی و از شرکت حاکمیت کدام سیستم به بخش خصوصی یعنی سرما به داری، اعتبار داده است در واقع این رژیم جمهوری اسلامی است که به بخش خصوصی و فقط قسمت تجارت اجازه داده است که در سال ۵۹، ۱۲۰۰ میلیارد ریال سود ببرد آیا چه کسی جز سرما به داری و رژیم حاکم آن اجازه چنین جیا و لی را به سرما به داری و "تجار محترم" داده است؟! با این سود جز از دسترنج زحمتگنان و از در آمد ناچیز توده های مزد بگیر تانین شده است؟ البته بد نیست به راه علاجی که مهندس سحایی مرتجع برای مقابله با کسری بودجه و وضع وخیم اقتصادی میدهد توجه کنیم. او علاوه بر پیشنهاد "دولتی کردن چند کالای اساسی" آن آلات، با رجه کاغذی... از جمله پیشنهاد میکنند که "طرحهای اعتبارات عمرانی و رفاهی کاهش یابند" و اضافه میکنند "ما باید به سراغ کارهای ماندنی برویم که تولیدی است. ساختن مدرسه که معلم آن معلوم نیست یا حمام ساختن برای روستاها کار خوبی است اما چه بهتر که جها دسا زندگی کوشش خود را صرف کارهای تولیدی بکنند"

این لیمیرال خاشن تعداد محدودی که "جها دسا زندگی" برای تبلیغ عوام مغربانه در اینجا و آنجا ساخته را ندرست میدانند چرا که در خدمت "تولید" و افزایش سود سرما به داریان مفت

در جلسه روز ۱۷ فروردین مجلس شورای اسلامی در بحث در مورد "بودجه دولت"، مهندس سحایی لیمیرال در یک سخنرانی ضمن اشاره به ناسامانی - های اقتصادی و وضع وخیم بحران، آن راه - طهایی نیز اشاره داد. با مروری کوتاه در این سخنرانی که فقط به گوشه ای بسیار ناچیز از واقع اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی اعتراف شده به راه خلیهای این لیمیرال خاشن نیز نظر - سری میباشد رژیم. (متن سخنرانی در انقلاب اسلامی ۱۸ فروردین ۶۰ به چاپ رسیده است)

سحایی میگوید "بحران اقتصادی ارتجاعی است که از رژیم سابق برای دولت بعد از انقلاب بجای مانده است" ولی او عمده نمیگوید که آن بحران اقتصادی "از سامان نازل نشده بود بلکه بحران بود از آنجاییکه سرما به داری و سحای طرحا کمیت بود و زاری در طول سالهای طولانی و در ارتباط مستقیم با بحرانهای اقتصادی کشورهای امیریا - لیستی تداوم و شدت یافته بود. او بنا به منافع طبقاتی ارتجاعی نمیخواهد و نمیخواهد بگوید که پس از سقوط رژیم و بسته نا جلا، علیرغم ضربات کوبنده و آسیب فراوانی که توده های زحمتکش و انقلابی سرما به داری و بسته ایران وارد آوردند ولی با حاکمیت جمهوری اسلامی سیستم پیشین کا ملاحظ شود و سرما به داری رژیم جدید با سرعت فراوان به بازی، ترمیم و حفظ و توسعه آن پرداختند و در نتیجه نه تنها بحران اقتصادی کمزورکن جاسمه ازین نرفت بلکه شدت هم یافت. مهندس سحایی با اشاره به جنگ و قطع و نا مرتب شدن مدور نرفت میگوید:

"... ما در حقیقت بدون احتساب در آمد نفت گری بودهای ۱۲۵۰ میلیارد ریال داشته ایم و این خیلی فاجعه است". این کسری بودجه در حالی است که هزاران کارگر و کارمند زکارخانه ها، ادارات و موسسات دولتی اخراج شده اند، حقوق دهها هزار آواره جنگ قطع شده است.

اما اگر دستمزدها و کارگران و حقوق کارمندان قطع شده در عوض سرما به داری و سران رژیم به جیا اول خود ادامه میدهند و جنگ ارتجاعی برپا شده که رژیم جمهوری اسلامی یکی از سانیهای سحایی میباشد و سحای طرفین جنگ میلیاردها تومان هزینه صرف شده است، فقط یک قلم از طریق هاشمی رفسنجانی مرتجع ۲۰۰ میلیون تومان بسیاری خریدار سلاح اخراج شده است....

به اعتراف سحایی، هزینه واردات هدرصد افزایش یافته است. ما در شمارهای پیشین نشان دادیم که طبق آمار خود رژیم جمهوری اسلامی واردات از کشورهای امیریا لیستی و بود و زاری - رویونیستی سحایی زیادای افزایش یافته که هزینه واردات را با بدتر آن افزود و اینهم از نتایج اولیه ادا و محفوظ سرما به داری و بسته است که کشور در تمام زمینه ها نیاز به خرید از کشورهای امیریا لیستی و سرما به داری دارد. نیازی که در حال افزایش بسیار بقای است نگاهی به فهرست کالاهای وارداتی (کیهان ۲۸ اسفند ۵۹) نشان میدهد که اکثر آنها کالاهای وارداتی غیر

تصحیح و یوزش

در پیکار ۹۸ صفحه ۱۶ در "سیام کانون مستقل" معلمان تهران به معلمان جنگزده "متاسفانه سحای اصطلاح "جنگ مصیبت بار" "جنگ ارتجاعی" و سحای "سیاستهای مسئولان امر"، کلمه رژیم آورده شده که بدین وسیله ضمن یوزش، تصحیح میشود.

در اعلامیه های اولیه ما زمان تعداد در فضای شهید در تظاهرات اخیر ۳ نفر قید گردیدند در اینجا اعلام میکنیم تا بحال تعداد موشق شهدا و نفر میباشد.

تأجیر

چنانچه با امیریا لیستی و رژیم سحایی وابسته و نزدیک به آن مخالفت میکنند حقیقا از زاویه منافع امیریا لیستها و بخصوص بانگی های فارتگرا است. بدین ترتیب اگر "تأجیر" این سحایی در فارتگران انگلیس از هند دست خالی بر میگردد در عوض با دستانی بی عربستان را ترک میکند!

دموکراتیسم بورژوازی در جوامع تحت سلطه امپریالیسم:

مقاله آموزشی بحثی پیرامون دموکراسی (۴)

حضور امپریالیسم در کشورهای تحت سلطه تا ثمرات خود را بر موقعیت اقتصادی - اجتماعی این جوامع و صف بندی طبقات در عرصه مبارزه طبقاتی باقی نگذاشته، در این محث ما به چگونگی این تاثير در رابطه با طبقه بورژوازی استگونه جوامع می پردازیم.

نقش بورژوازی در اینگونه کشورها (و از جمله کشورها) مستقیماً به شیوه تولید سلط در جامعه بازمیگردد. در جوامع (نیمه فئودال - نیمه مستعمره) که در واقع شیوه تولید فئودالی بر اقتصاد جامعه سلطت است، بخشی از بورژوازی ملی، بویژه بخش صنعتی آن، از آنجا که خواهان نابودی فئودالیسم میباشد، علیرغم تاثرکاری ذاتی آن که از پیوندهای ناکستی بورژوازی در سراسر جهان و وحشت بورژوازی از طبقات کارگر و زحمتکش ناشی میگردد، در نبردها علیه فئودالیسم دارای تمایلات مترقی میباشد و از این رو بورژوازی در این کشورها، با آنکه گامها را آماده توافق و سازش با بورژوازی امپریالیستی سر علیه طبقه کارگر و زحمتکشان است، با سادار مقامی از مبارزه، در کنار کارگران و زحمت - کشان قرار میگیرد.

در جوامع سرمایه داری وابسته، نظیر کشورها بورژوازی چه نقشی ایفا می کند؟

در (سرمایه داری وابسته) از آنجا که امپریالیسم، به تمامی در اقتصاد کشور ریشه دوانده است و قانون مافوق سود امپریالیستی بر اقتصاد این جوامع حکومت میکند، در نتیجه تولید و بازتولید سرمایه در جوامع این قانون انجام میگیرد. در واقع کل طبقه بورژوازی در چنین اقتصادی، در جوامع راجوب مناسبات سرمایه داری به غارت و جپاول کارگران و کسب سود می پردازد. نتیجتاً تمامی اقشار مختلف بورژوازی به امپریالیسم وابسته اند. بهین دلیل است که بهیچ رودر چنین جوامعی از سرمایه ملی و بورژوازی ملی و مستقل و ضد امپریالیست بخشی نمیتوانند در میان بیاند. (۱) حاکمیت قانون مافوق سود امپریالیستی بر اقتصاد این جوامع، با حجاب بینماید که دیکتاتوری خشن و لحام گسیخته آنها روینمای متناسب با چنین زیربنایی گردد. ما نیسین دولتی (بوروکراتیک - نظامی) ارتجاعی، ابزار تحمیل ستم امپریالیستی در اینگونه جوامع است. تنها در شرایط وجود چنین دیکتاتوری است که (سرمایه داری وابسته)

۱- در این زمینه رجوع شود به پیکار و شور و شکر شماره ۲ (در نقد مقوله نظام وابسته)

میتوانند دوام و بقا پیدا کند. در چنین شرایطی، منافع کل طبقه بورژوازی در ایران که مشروط به ادامه روند استعمار و درجه راجوب مناسبات سرمایه داری است، مستقیماً با وجود و بقای دیکتاتوری بوروکراتیک ارتجاعی وابسته پیوند دارد. منافع بورژوازی ایران ایجاب میکند که این مناسبات باقی بماند و دعوی میان اقشار بورژوازی، در حقیقت جزئی از بحران (دیکتاتوری کل طبقه) و (دیکتاتوری بخشی از طبقه) نباشد. این است و اقمیتی که سیاست بورژوازی امپریالیست "رادرجا" مع ما توضیح میدهد، بررسی احتمالی سیاست بورژوازی امپریالیست در مقطع قبل از قیام و پس از قیام بهمین مسئله را کاملاً روشن میسازد.

سیاستهای "بورژواالیبرالها" چه هدفی را دنبال میکنند؟

در دوران قبل از قیام، بورژوازی امپریالیست ایران که چهره های شناخته شده آن، نظامی - سیاسی ها و یارزگان ها بودند، در واقع جز در پی تأمین دموکراسی برای کل طبقه سرمایه داری در دنیا به چنین خواست و هدفی، "لیبرالها" یا دیکتاتوری با نداشتن مخالفت می نمودند.

"لیبرالها" چه میگفتند و چه میخواستند؟ تا به بد سلطنت کند، نه حکومت "با این ترتیب نه مخالفت با سلطنت و نه مخالفت با سرمایه داری در میان نبود. بلکه برگردان سخن امپریالیست به زبان اصلی چیزی جز این نمی شد: ما هم شریک شما هستیم چیری که آنان میخواستند، این بود که اختیارات شاه قدری کاهش یابد، بشرطی که این اختیارات به آنان یعنی بورژواالیبرالها منتقل میگردد. در پی چنین سیاستی بود که آنها تا آنجا که میتوانستند کوشش میکردند که جریان انقلاب را در جوامع راجوب قانون اساسی شاهنشاهی به بند بکشند و آنهمه از گسترش امواج انقلاب توده های زحمتکش و وحشت داشتند. بورژواالیبرالها - هائی هراسنده که طوفان انقلاب کثیفی بوسیده سرمایه داری وابسته را درهم شکنند و تکلیف (سودهای) کلان آنان را هم بگردد.

این ترس و وحشت طبقاتی کاملاً طبیعی است چرا که: "بورژوازی می ترسد که در مبارزه، دارا ایش که او را به نظام موجود (یعنی سرمایه داری) پیوند میزند، از دست برود. میترسد کارگران در فعلاً لیت انقلابی خویش به انقلاب سوسیالیستی میل نمایند. میترسد دستگاه دولتی و بوروکراسی که منافعی با هم از آن فیدوسیده منافع طبقات دارا متصل است،

کاملاً کنار نهاده شود. ... (۴) و بنا بر این "بورژوازی کوچکترین اشتیاقی به انتقال قدرت دولتی به مردم ندارد. با آنکه برای ظاهر سازی شیفته گفتمان در باره انتقال قدرت به مردم است، اما تنها خواهان تقسیم قدرت است" (۵) هنگامی که علیرغم ترس و لرز امپریالیست لیبرالها و وجود ستم دست و پا زدنهای این خائسین، جنبش توده ها اوج گرفت و پایه های سلطنت وابسته به امپریالیسم را درهم کوبید، بورژواالیبرالها که از مدتها پیش زمینه سازش با رهبری خرده بورژوازی جنبش را فراهم کرده بودند، به دست و پا افتادند که تا آنجا که ممکن است مناسبات قدیمی را حفظ نمایند و توده های زحمتکش را از درهم شکستن ارگانهای سرکوبگر نظام سرمایه داری بر خرد دارند این نبود معنای نغمه های بازسازی و تقویت ارتش و گسترش بوروکراسی که تمامی دوران پس از قیام بر زبان بورژواالیبرالهای ارتجاعی جاری بوده است.

امروز، بورژواالیبرالها برای چه مبارزه میکنند؟

تیمز کونسی لیبرالها با حزب جمهوری اسلامی که امروز نقش اساسی را در هیئت حاکمه داراست جدا از ماهیت طبقاتی و دو طرف نزاع نیست و نمیتواند باشد.

بورژوازی امپریالیست، خواهان آن است که دموکراسی برای کل طبقه بورژوازی ایران تأمین گردد و با به زیان دیگر دیکتاتوری کل طبقه بورژوازی برگردانده شود. زحمتکش برقرار شود. بهمین دلیل است که وقتی حاکمان از منافع سرمایه داران سبزی قرار میزنند قانع نمیشوند و برای داغان شدن آنان اشک میریزند.

اما جناح حزب که نمایندگی بخشی از بورژوازی ایران را بر عهده دارد، خواهان اعمال سلطه و دیکتاتوری (بخش خود) است و در دنیا لسه چنین تضادی است که نزاع آغاز شده.

اسلحه بورژواالیبرالهای مکار در این جنگ فدخلقی، (لیبرالیسم) است. بورژواالیبرالها در پشت نقاب "آزادیخواهی" سیر گرفته اند و سردمدار مبارزه با "انحصار طلبی حزب حاکم" گشته اند (دموکراتهای)، حربه اساسی لیبرالها برای پیروزی بر جناح حزب، در این جنگ قدرت

(۴) - در باره جنبش مستقل کارگری در پیکار دموکراتیک - لنین مقاله (وظایف دموکراتیک بیولتاریای انقلابی)

(۵) - بورژواالیبرالهای ما چه میخواهند و چه میگویند - لنین

است اما فریادهای آزادیخواهی لیبرالها چیزی جز نین آوای شوم سرمایه‌داری نیست که هریمانه منافع "خود" را طلب میکنند. منافع بیشتر سودهای سرشارتر، به قیمت خون میلیونها کارگر و زحمتکش که زیر بار رستم و استمنا سرمایه‌داری وابسته کمر خرم کرده اند و خونشان در شیشه میشود.

همچنانکه نموده‌های "فدلیبرالی" و "فدلیبرالیسم" نیستی "حزبها" جز آنکه سرمایه‌داران منطقه طلبی نیست که میگویند "استمنا" و "درزورق" (مذهب و شرع) به پیچند و دیکتا توری طبقاتی خود را در پوشش (حاکمیت مستقیمین) جا بزنند.

معنای آزادیخواهی بورژوا لیبرالها

اندکی دقت در عملکردهای بورژوا لیبرالها در جنگ قدرتی که هم‌اکنون میان بخشهای مختلف بورژوازی در هیئت حاکمه جریسان دارد، دروغ و فریب لیبرالیسم فدموکراتیک بورژوازی را آشکار میسازد.

هم‌اکنون، در شرایطی که کارگران و زحمتکشان از جنگ ارتجاعی به تنگ آمده اند و روزیسه روز بیشتر به ما هیت ضد خلقی هیئت حاکمه آگهیها میگردند، لیبرالهای خاشاک خود را غساردر اقدامات فدمردمی حکومت که ملامت بوده اند با عوام فریبی بیشتر مانع مخالفت خوانی را آغاز کرده اند و با ملاحظه از "مرتبیز" یا حکومت در آمده اند!

همچنانکه گفتیم یکجا شب این جنگ فسدت ارتجاعی، حزب مرتجع جمهوری اسلامی است که با پنهان شدن در زیر نقاب شرع و مذهب و سیاست گدازدن بخش عمده هر چه ای قدرت در دست پیاپی کردن بر نامه‌های سرمایه‌دارانه خویش است و هر روز با درندگی بیشتری به سرکوبانقلاب میبرد از، با تیب دیگر لیبرالهای ریاکار و مرتجع هستند که در دفاع از منافع کل بورژوازی ایران به مخالفت با سیاستهای بخششی از بورژوازی پرداخته اند و برای حفظ و گسترش منافع ارتجاعی خود بر گرد (بنی صدر) این نماینده عاقل و آگاه بورژوازی، این اپوزیسیون "مشولیتدار" جمع شده اند و به توطئه چینی سر علیه انقلاب کارگران و زحمتکشان مشولیتند.

بورژوا لیبرالهای مکار فریاد میزنند: در راه دموکراسی و مظلومان ما تصور برقرار است طبق پیش از دستور نمایندگان ما به هیئت میباشند به رئیس جمهور توهمین و حمله میشود، آزادی از دست رفته است.

لیبرالها شاعر می دهند: آزادی مقدس است چنان قدرتی محکوم است.

اما آیا این حیلگران هیچگاه به سرکوب و وحشیانه خلق کرده اعتراض کرده اند؟

آیا آنها هیچگاه به سرکوب و وحشیانه کارگران

زحمتکشان بیگار، دهکده‌ها را، میادان، مدارس، آموزش و دانشجویان، مسلمان و... اعتراض کرده اند؟

آیا آنها هیچگاه خواهان حق آزادی بیان و اجتماعات برای نیروهای انقلابی شده اند؟

آیا لیبرالها هیچگاه به سرکوب و وحشیانه نیروهای انقلابی و کمونیست، به اعمال خفیان آشکار و مرموزیستها و انقلابیون اعتراض کرده اند؟

آیا لیبرالها هیچگاه آزادی اعتصاب سفنی گفته اند؟

لیبرالها در طرفداران عداوتها و کینه و قدرت - مدیان رژیم شاه و شیخ و ادبیرا میاندازند

لیبرالها در طرفداران عداوتها و کینه و قدرت و با این وسیله از منافع برادران طبقاتی خود دفاع می کنند.

اما آیا لیبرالها به اتمام و ترویج گسترده و وحشیانه کمونیستها و انقلابیون هیچ اعتراض نموده اند؟

و بدین وسیله از منافع برادران طبقاتی خود دفاع میکنند.

اما آیا لیبرالها به اتمام و ترویج گسترده و وحشیانه کمونیستها و انقلابیون هیچ اعتراض نموده اند؟

لیبرالها آه و ناله میکنند: "به ما در مجلس حق حرف زدن نمیدهند!"

اما آیا آنها هیچگاه مانع هیئت و قفسی مجلس را نزدوده ها افشا نموده اند؟

آیا آنها هیچگاه به مردم گفته اند که چنین مجلسی تفریفات، املاکاران، حاکمیت مردم نیست؟

لیبرالها روزگدا زیر میاندازند: زوجه نیروهای مسلح ارتش را خراب نکنید! فرماندهان ارتش را تقویت کنید!

اما آیا بورژوا لیبرالهای ما هیچگاه خواهان مسلح نمودن مردم، مسلح نمودن کارگران و زحمتکشان شده اند؟

لیبرالها تبلیغات برای میاندازند: وضع اقتصادی مملکت خراب است، اینها لیاقت ندارند اقتصاد را ندارند!

اما آیا لیبرالها هیچگاه به سیستم سرمایه‌داری که ما در همه بحرانهای اقتصادی و فقر و فلاکت زده‌هاست، حمله نموده اند؟

آیا آنها هیچگاه به ریشه‌های فقر میلیونها کارگر و دهقان، میلیونها بیگانه رینها و آشکار بردها خسته اند؟!؟

پاسخ صریح تمامی این پرسشها منفی است. هر کارگر و زحمتکش آگاه به این سوالات پاسخ منفی میدهد. بورژوا لیبرالها هیچگاه به این مسائل پاسخ نمیدهند و نمیخواهند بدهند. چرا که لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی هر دو در یک هدف با یکدیگر وحدت دارند: سرکوب انقلاب کارگران و زحمتکشان و بازسازی سیستم سرمایه‌داری، چرا که این انقلاب منافع هر دو آنان را نابود خواهد ساخت. این تنها روش سرکوب است که مسرود

اختلافی آنان است. بورژوا لیبرالها خواهان آن هستند که (با پشیمه سر بریده شود) و حزبی‌ها از سرکوب آشکار و علنی حمایت میکنند. بورژوا لیبرالها آزادی و دموکراسی سخن میگویند. اما در حقیقت خواهان چیزی جز آزادی تمام سرمایه‌داران برای جیب اول و غارت بیشتر نیستند. آنها بیشتر مانع در پشت شعارهای زحمتکشان سنگر گرفته اند تا نقش غالب و اساسی در قدرت سیاسی بیا بند. آنان میخواهند به قدرت کامل برسند تا هر چه بهتر و بیشتر توده رنجبران را غارت کنند مبارزات زحمتکشان را سرکوب نما بند و سیستم سرمایه‌داری وابسته را با زسای و احیا کنند.

لیبرالها "آزادیخواه" نیستند. بلکه سرکوب

لیبرالها در طرفداران عداوتها و کینه و قدرت و با این وسیله از منافع برادران طبقاتی خود دفاع می کنند.

اما آیا لیبرالها به اتمام و ترویج گسترده و وحشیانه کمونیستها و انقلابیون هیچ اعتراض نموده اند؟

گرا نی هستند که نقاب دموکراتیک به چهره زده‌اند بقول لنین: "یک لیبرال را بخراش تا در زیر پوست آن یک گروهبان پلیس در یونیفرم نسو ببینی" (۶)

بورژوا لیبرالها، با زرگانها و بنی صدرها با اعمالشان بارها به ما نشان داده اند که تمام وعده و وعده‌ها و شعارها بیجان چیزی جز فریب و دروغ نیستند. زیرا امروز آن را میگویند و فردا آنرا زیر پا میگذارند. همانگونه که با زرگان بورژوا لیبرال در دوران زمام داریش خود به سرکوب آزادیها فرمان میداد و خود ما نندسرا ن ارتجاعی حزب جمهوری، آزادی خواهان و قفسی یعنی انقلابیون و کمونیستها را توطئه چین لقب میداد. همانگونه که بنی صدر خود در سرکوب خلق کرد، فعلا لانه شرکت داشت و سر سرکوب دا شنگسای مهرتا تیب زد و خلق کرده و دانشجویان انقلابی را بسک آیت الله خمینی و حزبها "شیا طین" نام داد.

بورژوا لیبرالها تا مدتی دارند، آنها خطر را در هوا بوم میکنند. هم‌اکنون تا مدتی است - شان سوی سهمگین انقلاب زده را حس کردند است. پس، هر چه سریعتر دست بکار شده اند. مخالفت خود را شدت بخشیده اند و علنی تر نموده اند. آنها که تا چند ماه پیش سخن از "وحدت"، "سکوت بخاطر امام" میگفتند، اکنون این حرفه را کنار گذاشته اند و آشکارا به حزب حمله میکنند آنها به این طریق میگویند تا توده کارگر و زحمتکش را که از حزب روی برگردانده اند، در طرف خود بکشند و با رد دیگر بر موج انقلاب رنجبران سوار شده و کشتی شکسته و در حال غرق خود را با ساحل نجات برسانند.

لیبرالها تلاش میکنند که دروغهای همچا

(۶) - دوا تویی - لنین

امپریالیسم از مبارزه با سیستم سرمایه داری وابسته که جایگاه امپریالیسم در کشور ما است جدا نیست و نمیتوان آن جدا ساخت.
* - کارگران و زحمتکشان ایران در سیزده علیه سیستم سرمایه داری وابسته و در راه پیروزی انقلاب دمکراتیک و فدا امپریالیستی خود، با کلیه اقشار مختلف بورژوازی رودر رو هستند هیچگونه منافع مشترکی در این مبارزه ما بین کارگران و زحمتکشان با هیچ قشری از سرمایه داران وجود ندارد. ادا به دارد.

به این سوالات پاسخ دهید:

- ۱- دمکراتیسم بورژوازی را در مراحل مختلف تاریخی توضیح دهید. (دوران مبارزه بر علیه فئودالیسم دوران رقابت آزاد و استقرار سلطه سرمایه داری، دوران امپریالیسم)
- ۲- تفاوت جمهوری دمکراتیک بورژوازی را در عصر رقابت آزاد سرمایه داری و امپریالیسم بیان کنید
- ۳- مختصات عمومی دمکراسی بورژوازی "کدام است؟
- ۴- آنها بورژوازی همواره به شکل "دمکراتیک سلطه خود را برقرار مینماید؟ چرا؟
- ۵- توضیح دهید که مختصات دستگاه دولتی جمهوری اسلامی چیست؟
- ۶- اهداف اساسی سیاستهای بورژوازی لیبرالها در جامعه ما کدام است؟
- ۷- جنگ میان جناحهای حزب جمهوری و لیبرالها از چندانیتی برخوردار است مضمون آن چیست؟
- ۸- چرا در کشورهای سرمایه داری وابسته، جمهوری دمکراتیک بورژوازی نمیتواند برقرار گردد؟ از این مسئله چه نتیجه ای در رابطه با انقلاب فدا امپریالیستی در این جوامع بدست می آید. (این مسئله را در ارتباط با نقش بورژوازی در این کشورها و رابطه میان مبارزات دمکراتیک و فدا امپریالیستی بحث نمایید.)

فعالیت مستقل و انقلابی توده میسرودا زند، خورا - ها و اتحادیه ها را به خون میکنند. کارگران زحمتکشان و انقلابیون را وحشیانه سرکوب میکنند و نهایت میثنا بند که بورژوازی تا سرحد مرگ از جنبش توده ها میترسد و برای خفه کردن آن به هر جنایتی دست میزند و نشان میدهد که:

"سرچشمه آن رشته می اشتباهی دوپهلوشی دروغ، تزویر و بی کاری های حیوانی نه ای که در تمام سیاست لیبرالها دیده میشود از اینجا است آنها مجبورند برای دمکراتیسم را پیشه خود کنند تا توده ها را به سوی خود جلب کنند، و حال آنکه کاملاً بدمکراتیکند و کاملاً با جنبش توده ها، با ابداع آنها با استکارات آنها... خصومت دارند."

نتیجه گیری می کنیم:

- * - شیوه تولیدی حاکم بر اقتصاد ایران سرمایه داری است. کل طبقه بورژوازی کشور ما در چهار رجب سیستم سرمایه داری وابسته - امپریالیسم است. استعمار و کسب سود میسرودا زند، برای بورژوازی ملی، مترقی و دمکرات در کشور ما نمیتواند وجود داشته باشد.
- * - بر اساس حاکمیت مافوق سودا نظامی در اقتصاد سرمایه داری وابسته، دوام سیستم سرمایه داری وابسته در کشور ما بطور انتخاب نا پذیر - ی با برقراری دیکتاتوری بورکراتیک ارتجاعی وابسته، در پیوند است.
- * - جنگ میان اقشار متفاوت سرمایه داری وابسته ایران، جنگی ارتجاعی است که بر سر (برقراری دیکتاتوری کل طبقه) و (برقراری دیکتاتوری لایه ای از طبقه) مورت میگردد.
- * - مبارزه برای "دمکراسی" از مبارزه بر علیه امپریالیسم که سلطه آن استقرار بخش سرمایه دیکتاتوری و محور گونه دمکراسی را اجتناب نا پذیر میسازد، جدا نیست. و مبارزه بر علیه

عمومی که از اوج گیری ناراضی های مردم از حکومت پدید آمده است، کارگران و زحمتکشان را با استفاده از شعارهای خود آنها فریب دهند. تا انقلاب دمکراتیک و فدا امپریالیستی را به گجراه برده و سرمایه داری وابسته را نجات دهند.

لب کلام لیبرالها را بنی صدر، این رو ساء جمله گر میگوید: "هدف من نجات جمهوری است" آری هدف لیبرالها نجات سیستم سرمایه داری وابسته است که هم اکنون جمهوری اسلامی با مدار آن است و هر جمهوری دیگری نیز که لیبرالها بر سر آن با شنده جز این نخواهد بود.

لیبرالها و حزب جمهوری در این جنگ قدرت میگویند هر یک بیشتر توده را به طرف خود میکشند حزب جمهوری چهره "فداستعماری و استعماری" بخود میگیرد و لیبرالها چهره "آزادخواه" اما مهادوی آنان میخواهند توده را بصورت نودیان ترقی خود قرار دهند. بهمین دلیل است که آنان از روند فعالیت مستقل انقلابی، استکراتوری مردم یعنی کارگران، دهقانان، کسبه، معلمان، کارمندان و... را بحد و حجت دارند. حزب جمهوری و بنی صدر از "حضور مردم در صحنه" حمایت میکنند اما منظور حزبها حضور مردم در صحنه برای کوبیدن رئیس است و منظور لیبرالها نیز جز این نیست. بنی صدر بدش تمنا بد از مردم دعوت کند تا گوشمالی کوچکی به حزب جمهوری بدهند. اما رشد استکراتوری و فعالیت مستقل و انقلابی مردم، تا همیشه حاکمان است! همین که این رشد و فعالیت انقلابی تا به آنجا برسد که از چهار رجب منافع آنان بای فزاینده گذارد و حاکمیت آنها را تهدید نماید به هنگامی که گاربه آنها برسد که توده ها بخوانند استکراتوری و سرزی انقلابی خود را در ارگان های انقلابی خود، محکم کنند آنگاه، خطونزدیک میشود، آنوقت با هر وسیله، با کمک سروهای مسلح، به همراه رئیس خود حزب جمهوری اسلامی، دست در دست به سرکوب این

سرمه داران حزب جمهوری اسلامی اعتراف میکنند که در زندانها شکنجه نیست ولی زندانیان تشبیه میشوند آبیان حرفهای بوج با ادعاهای جلادان رژیم ما که میگفتند: "ما زندانیان را شکنجه نمیدادیم بلکه آنها را تشبیه میکردیم" چه فرقی دارد؟ منطق مرتجعین برهم منطبق است. بگذار ارتجاع تا میتواند برای نجات خود دست و پای بیجا صل بزند. مبارزین انقلابی و کمونیستی که با عشق آزادی و استقلال، با ایمان به انقلاب و سوسیالیسم و در راه سرخ رهائی زحمتکشان و خلقهای ایران گام بر میدارند، شکنجه های وحشیانه ای دارند و زندانیان جمهوری اسلامی را به هیچ می شمارند آنان در مبارزه آشنی نا پذیر خود، با مقاومت و بیداری حیا سه آفرین خود، در زندان و بیرون آن به نضد علیه امپریالیسم و ارتجاع و رژیم سرمایه داری وابسته ادا خواهد داد. توده های انقلابی و آگاه، هر روز پیش از روز پیش از انسان پشتیبانی خواهد کرد و بهیچ و لای خود دیگر را دیگرهای زندانها را خواهد کشود. چنین باد!

نام میسرودا زند هیچ ربطی به شکنجه ندارد بلکه مربوط به انحراف حسی و فساد است "آری این مرتجعین با وقاحت تمام آماده اند هر چیزی را تفسیر نمایند. این گونه رژیستی است که داشتیم دم را از اخلاق و عظمت و طهارت میسرودا زندی زندانیان است این چنین غرق در فساد و انحراف هستند، آیا این مرتجعین خود میفهمند که چه میگویند؟ نرم بر آنان باد!

سوزاتن بازوی انقلابیون از دست جمهوری اسلامی شکنجه نیست! با ره کردن شکم یک کمونیست بیگانه و گردن زدن از شکنجه نیست! خورد کردن دندانهای یک کمونیست بیگانه رگس در زندان "سیاه" سوزان شکنجه نیست! از دست هیئت سرسی تا به شکنجه که بطور کاملاً شریکانه و برای خالی نبودن عریضه لحظاتی چند از زندان قزل حصار بدین کردند (پورشد که دوباره سرگردند!) بدین آنها ضربات شلاق و شکنجه بر روی مبارزین نهرمان کرده و با یک کارگرنما... دلیل شکنجه نیست!

بنیاده از صفحه ۱۵
شکنجه
با استفاده قانون اساسی ارتجاعی خراگان، میگوید که برای کسب اطلاع یا "اقرار" شکنجه وجود نداشته است. شکنجه های وحشیانه ای را که زندانیان جلاد به رفتاری شهید بیگانه و گریه ناز ممتدی، محمود صمدی، فدائی شهید جفا نگر قلعه سیاه و آب، رفیق نظی شهرام و دهها کمونیست و انقلابی دیگر و آردا و رنده نازگنده و دشمنی طبقاتی این حوک مفتان بلکه "آزار" تخصصی بوده و تا بدهم "محض شوخی" بوده است که در زندان قزل حصار گرج، با بیداری با بویین بسیمان با های یک کارگر که در صف نقت دستگیر شده بود میگوید! از دید "هیئت سرسی تا به شکنجه" سجا و زبده دختران انقلابی و حتی پسران کمونیست و انقلابی که نمونه های فراوان آنرا در مورد ایران کرد... در شماره های پیشین شماره نام شکنجه نیست! محمد مستظری مرتجع میگوید: (انقلاب اسلامی ۳۰ فروردین) "در جایی تجاوز به یک جوان را و آنهم بعنوان اولین نمونه از شکنجه

تاجر دست خالی ازهند شور و دست پر از عربستان برمیگردد

در هفته گذشته سفر "تاجر" نخست وزیر
"مخالفه کار" انگلستان به هند با بیان بافت .
"تاجر" در این مسافرت در پی آن بوده است
اینستراگانندی را به سیاستهای امپریالیسم
غرب نزدیک گرداند اما نتایج گفتگوها میان
"تاجر" و اینستراگانندی حکایت از آن میکرد که
دولت ارتجاعی هند همچنان بر سیاست نزدیک
خود به سویال امپریالیسم شوروی یا میفشارد .
در هند اگر چه امپریالیستهای امریکایی و
اروپایی دارای سرمایه گذاری گسترده ای
میباشند ، لیکن با یاد دادن نمودن امپریالیسم
روسیه به آنها در هند را لحاظ اقتصادی و مالی
دارای نفوذ گسترده ای میباشد ، بلکه همچنین
در زمینه سیاسی از حمایت و پشتیبانی و تسلیح
دولت مرتجع اینستراگانندی برخوردار است .
"تاجر" شما بنده امپریالیسم انگلیس بدست
متحد نزدیک امپریالیسم امریکایی در پی آن بود
تا در مورد واقع افغانستان و خلیج فارس
واقعیات هند نظیر دولت اینستراگانندی را به
سیاست امریکایی نزدیک گرداند ، علاوه بر این
بدنیال تصمیم امریکایی بر دادن ملاحظاتی
جدید از نوع جنگنده های مدرن و "اف - ۱۶" به
پاکستان دولت هندوسان شدیداً اعتراض نموده
و این اقدام را علیه خود تلقی کرده است .
"تاجر" گوش داشت تا هند را متعلق عدگندگنده
ملاحظاتی جدید امریکایی آن کشور را بپذیرد نمی کند
و در ضمن سعی مینماید موافقت هند در محکوم
شودن تاج و شوروی به افغانستان و تشکیل
نیروی واکنش سریع در خلیج فارس را بدست
آورد ، اما اینستراگانندی شما بنده سرمایه داری
هند با تمام این موارد مخالفت کرده و کماتگان
سیاست نزدیک به امپریالیسم روس را مسورد
تا شید دوباره قرار میدهد ، بدین ترتیب عملاً سفر
"تاجر" به شکست رسیده و روزیونستهای مسکو
بیروزی جدیدی بدست می آورند .

المنه نوگران امپریالیسم شوروی مانند
حزب توده سوسیالیست انگلستان امریکایی
ما هیئت "شرفی" دولت ارتجاعی اینستراگانندی
نتان دهند ، آنها میگویند این مخالفت سیاستگر
آنست که دولت هند "سیاست خارجی فدا میریسا -
لیستی و استقلال طلبانه" داشته (مردم - ۶۰/۱/۲۹)
و هند کشوری است که "یکپارچه در راه صلح و استقلال
تمام خلقها مبارزه میکند" (مردم - ۶۰/۱/۳۱)
اما متناظر با این خائنه هرگز نمی تواند با هیئت
شورزواشی و ارتجاعی سیستم حاکم و دولست
اینستراگانندی را بیرون اند ، دولت گانسیستی
شما بنده سرمایه داران و زمین داران بزرگ هند
بوده و دشمن طبقاتی کارگران و دهقانان به



شما رمی آید ، رژیم هند را خصوصاً فدا نقلی
خود را نیست به زحماتگان هندوسان بدست
کذا شده است ، همین جدی سخن در ارتجاعی
کنا ووزان نوشون کار برای افزایش قیمت
محمولات خود به راه هیماثی و نظایرت دست
زنده و بیلیس فاشست هند به ستراگانندی
ن قرار کثا ووزان را گشته ، ۴۰۰۰۰ نفر از آن
را زخمی نموده و صدها نفر از آن را دستگیر کرده
در حال حاضر در هند ۴۲۰ میلیون مسافر وجود
دارد ، ۷۰ میلیون نفر سیکانند و در حالیکه
اقلیتی است اما رگزار غارت و استثمار مردم
میشوند ، صدها میلیون نفر در فقر و فلاکت
ساخته شده اند ، واقعاً عامل این ستم
و استثمار طبقاتی چیست ؟ آیا حریفان کم و
رژیم مدافع آن و امروز دولت جناحینکار اینسترا
گانندی ، عامل دیگری میتوان پیدا کرد ؟ نه و
هرگز نه ! روزیونستهای خادمین جلادان خلقها
هستند و به همین خاطر حزب توده دروغ میگوید و
در پیروزی خود را نیست به شورزواشی به نام
می گذارد ، البته مدافع دیگری نیز وجود دارد
که روزیونستهای وطنی را به منافذگری نیست
به دولت هند و مدار و آنهم مدافع روس های
امپریالیست میباشد .

در حال حاضر بیخنی مهمی از اقتصاد هند
دارد ، هند تحت کنترل و نفوذ روسهاست ، سحر
که ۸۰٪ تولیدات ماشین ، ۶۰٪ ماشینات سحر ،
۳۵٪ بالایش نفت ، ۳۰٪ مصالح فولاد ، ۲۰٪
انرژی شرقی در کنترل جناحینکاران روسی است
(آمار از "آلمانی امروز" - مه - ژوئن ۱۹۷۲)

شوروی در سن از ۷۰ کارخانه و موسسه هندی
دارای سرمایه گذاری امپریالیستی بوده و از
نظر مالی اعتماد دهنده برای وابستگهای هندی
میباشد ، به صورتی که هند برای پرداخت وامها
معمولاً مجبور است ۳ ماه را در طرح ، جای ، تهیه
و ... خود را با قیمت نازل به شوروی بدهد ، اما
در مقابل بطور میانگین قیمت کالاهای صادراتی
شوروی بدهد ، ۳۰٪ استخراج قیمت بین المللی
میباشد ، در ضمن تا گفته شد که هند فاسل ۴۰٪
اعضای رات شوروی به هند عملاً به مستاران و
متخلفین روسی مستقر در هند تعلق نمیکرد و
بدین ترتیب منوجه ستم گروها در هند میباشد
امپریالیستهای دیگر مدافع مناسبات ستم -
استعماری بوده و در استثمار و حواول هم دست

کمی ارزهای جها حوا خود ندارند ، در زمینه
نظامی نیز با تکف علاوه بر آنکه سرمایه لیست
- های شوروی در هند دارای با کاههای نظامی
میباشد ، هندکی از حرداران اصلی سلاحهای
سرمایه امپریالیسم بوده و با تکف فقط در
سال گذشته هندک سلسارد و ششصد و سیصد
سلیون دلار را سرمایه لیستهای روسی سهامت و
سلاحهای جنگی خریده است .

بدین ترتیب منوجه ستم گروها که اگر روزی
سختیها هند را دارای "سیاست مستقل" میداند
بی ستم نیست ، زیرا هند با من گنده مسواد
اولیه با راور شوروی کار برای شوروی ندا و -
کار سوده و بیکی از کشورهای مهمی است که
سرمایه مالی شوروی در آنجا به غارت ، حواول و
استثمار مشغول است ، این واقعات بروشنی
نتان مدهنگه کرد دولت اینستراگانندی خائنی
روی خوشی به امپریالیستهای سیکان انگلیس
و شما بنده آن "خاسم" "تاجر" نتان میدهند
امپریالیسم سیکانها "شرفی" دولت هند
نست ، ما هند دولت هند را با یک معدسار
طبقاتی ستمیده مینود ، این دولت مدافع
شورزواشی بزرگ هند و دشمن طبقاتی کارگران و
زحمتگان مسافران و ضعیف رانست
روزیونستهای مردم مسواد بیونا تند و تیز
ارتجاعی "کشورهای غیر متحد" که هند اینسترا
گانندی را ستم "استقلال" میداند ، هند اینسترا
گانندی ، هند ارتجاعی و "لاستیک اردو کساده"
امپریالیسم جهانی است .

سازند "تاجر" به عربستان سعودی رفت .
هند از این سفر چه بود ؟ همانطور که شما بنده
سال ۱۹۷۱ با تحکیم موضع امپریالیسم امریکایی
در خلیج فارس و نقش فعال رژیم هند در
ژاندارم امپریالیسم امریکایی در این نقطه از
جهان ، نیروهای نظامی امپریالیسم انگلیس
تا حدود زیادی از منطقه خلیج بیرون مسروند .
این سفر اگر چه در هماهنگی با سیاست امریکایی
جهت تقویت ارتجاع منطقه میباشد در عین حال
تحکیم نفوذ انگلستان در این منطقه را تسر
دسال میباشد ، امپریالیسم انگلیس در صدد
است تا در طرح اقتصادی ۳۰۰ سلسارد دلار
سرمایه گذاری عربستان در سالهای ۱۹۸۵ - ۱۹۸۰
سهم مهمی به خود اختصاص دهد و در ضمن میگوید
تا از نظر نظامی تسلیمات جدیدی به عربستان
شوروی رسانند ، از جمله مسافرتی که در مذاکرات
تاجر - خالد مورد بحث قرار گرفت مسائل مربوط
به افغانستان ، خلیج فارس و تشکیل نیروی
واکنش سریع بود ، در این زمینه ها طرفین با
یکدیگر توافق کامل داشته اند ، و این امری
انتقادی نبود چرا که رژیمهای سربرده ای مانند
عربستان نمی توانسته خارج از منافع امپریا -
لیسم غرب و سوززه سیکان حرکت نمایند ، اینان
نگان دست آموزا سرمایه لیستها بوده و به همین
خاطر در توطئه های امپریالیستی علیه جنبش
طلبهای منطقه و انقلاب نقش فعالی داشته و اگر

زن در

جمهوری اسلامی و سوسیالیسم

(نگاهی به لایحه قصاص، پیشنهادی شورای عالی قضائی)

کلیه دعای اینکه بگردد اینها (برده داران) نشود آنها، سرما به داران هستند طرف دیگرش زحمتگنان، در فواین متعلق به دسته اول منفع هاستها "حل" شده است. (البته این امر، در دوره برده داری سوسیالیست و آنکار و توضیح تفسیری نسبت به دوره فکودا لیسیم بوده و سرما به داران فواین ظالمانه خود را نسبت به فکودا لیسیم و برده داری در پیش سببش فرو برده است. خود این تغییرات هم سبب تکامل نیروهای تولید و رشد و آگاهی و سازماندهی زحمتگنان حاصل شده است.)

از ما هیت قانون قصاص که ارتجایی است و اینکه جسطاقی آن را در راه تحکیم منافع طبقاتی خود وضع کرده اند صحبت کردیم اکنون ما لایحه این است که اگر همین قانون را که به ظاهر عموماً افراد را مجازات می نمودند اجرا کنند مسلماً جزای زحمتگنان را نخواهند گرفت. این از همان فواینی است که میگویند "ما ستم را رعایت نمیکنیم تنها به های لاغر در آن گرفتار می آید". طبقات استغنا را که موجبات قتل هزاران شهروان را هم میآوردند طبق این فواین از مجازات و قصاص معافند و املاً از مجازات آنها سبب نمیآوردند در میان ما دولتی اگر دهقانی مفلوک و بیچاره آمده از سرنا آگاهی و عدم شناخت دین خود (یعنی فکودا) دهقانان دیگر را گشت آنوقت است که "عدالت طبقا نمی" خواستار قصاص میشود. این به اصطلاح اجرای "عدالت" در این قضای استغنا و گران رانسی گیرد بلکه همچون جمعی سرکوب، زحمتگنان و ستمیبدگان را محصور به تسلیم و اطاعت و وحشتزده میکند. این است محتوای ارتجایی و سببش بسیار سطحی و استدلالی ناظر بر اصل قضای و سهمین دلیل است که اصل به اصطلاح عام قضای اینگونه نیست در رابطه با ما لایحه زن گفته میشود. این را در مقاله حاضر نشان خواهیم داد.

اکنون بپردازیم به مطلب دوم، و آن وجه تسمیه آگاهی است که بین حقوقی قضایی مردوزن در این دو "ماده" دیده میشود. ماده ۵ میگوید: "هرگاه مرد مسلمان یا عذار مسلمان را بکشد محکوم به قصاص است لیکن باید ولی زن قاتل از قصاص قائل نمیشود مرد را بدهد و بپردازد" می - منقسم طبق این "ماده" حتی که برای مرد وجود دارد و بر او آن چیزی است که برای زن می - تواند وجود داشته باشد. یا بعبارت بهتر در اینجا یک مرد عداوی دوزخوزن میشود (یک زن + یک زن = یک مرد) به همین جهت وقتی

لحظت توجه هر خواننده ای را که ما فرستیم با رگبستی آشنائی داشته باشد جلب میکند. اول: نوع برخورد قاتل و راه مقابله با مسئله قتل در اجتماع. دوم: برخی که در همین مورد بین زن و مرد رسمیت شناخته شده است.

اول: ما رگبسم - لیسیم ما ما مورد که با دیده ها بطور مشروط و همه جا سبب برخورد کنیم و یک سبب در آن روزهای مختلف مورد بررسی قرار دهم و به همین لحاظ هرگز یک قاتل را صرفاً انجام قتل مستحق مرگ نمی دانند. برای ما رگبسم - لیسیم این مطرح است که شرایط عینی و ذهنی ای که این قتل در آن صورت گرفته چیست؟ شرایط مادی این قاتل و مسئول در آن برخورد با قاتل چه بوده است؟ ما هیت و موضع طبقاتی قاتل و مسئول از چه مقوله ای است؟ ... و اگر مسئول واقعه مورد ستم واقع شده اند و قاتل ستمکار شخص داده شود ما رگبسم - لیسیم فوراً امر سررختن خون قاتل عینی دهد، بلکه در اینجا این مسئله مطرح میشود که آیا قاتل املاح بد است؟ آیا او میباید ولو با گذشتن از این مرحله ای ارگسار تربیتی و تولیدی به اجتماع سرگردان و سوسیالیستی و فعالیت در جهت منافع زحمتگنان در جامعه بپردازد؟ آیا او توانائی این را خواهد داشت که این قتل را با زندگی بخشدن به دیگران در اثر ما زنده و مجاهدت در جهت جامعه سوسیالیستی جبران کند؟ و سئوالهای دیگری از این قبیل و در همین رابطه تمامی امکانات تربیتی را برای اصلاح چنین افرادی در جامعه سوسیالیستی فراهم میکنند و ولی العموم موردی برای کشتن قاتلین (جز در موارد بسیار استثنائی) وجود نخواهد داشت.

بنابراین، ما رگبسم - لیسیم آنکارا حاکمی طبقه کارگر و دیگر زحمتگنان است و تفسیر سببهای جامعه را در جهت آفرینش انسان نویسی در سبب نظر دارد، اما برده داران و فکودا لیسیم و سرما به داران بگونه دیگری برخورد میکنند. این هر سه طبقات استغنا و گرو ستمکار هستند و طبق این است که فواینی را هم که وضع میکنند به نفع طبقه خودشان باشد، ولی در عین حال اینها به تنها چیزی که با ما هستند نمیتوانند فکر کنند و نظر داشته باشند بر گردن ریشه های مفاسد ما به طبقه استغنا این بدان خاطر است که اینها و ما فواین با اکثریتی کسب محبت نسیم، و استثمار را ایشان هستند کاملاً معاف است و لذا تمیخواهند و نمی توانند تا مفاسد ما به طبقاتی سازماندهی کنند. به همین جهت

اکنون مدت زمان درازی است که دورانی برده داری و فکودا لیسیم سببی شده است. دوره سرما به داری سرا و آخر عمر خود را طی میکند، اما هم اکنون در عصر انقلابی رها شده است و انقلابی سوسیالیستی، قرار دارد، اما ما این حال را با توجه به ما هیت فکودا لیسیم و منقسم جمهوری اسلامی اندام عجبی برای نیروهای آگاه خلق حاصل نمیشود و وقتی مشاهده میکنیم که رژیم موزورما تمام توانا میگذرد تا فواین نظامی برده داری و فکودا لیسیم را از فواین لایحه تاریخ بیرون بکشد و سرکارگران و زحمتگنان خلقهای فخرمان ایران تحت عنوان "فواین سترفی و فواین الهی" تحمیل کند. رژیم جمهوری اسلامی از همان آغاز قدرت رسیدن کوشش فراوانی را بکار برده است تا بکار ستم فواین ارتجایی اعمال رگبسته را ندهد و کند و ما به نفع از رشد و آگاهی بوده های خلق ستم خاستند و برده ای خوشی ندانیم ستم، در همین راستا است که ما با اصل عمیقاً ارتجایی، "ولایت فقیه" در فواین اساسی رژیم مواجه میشویم. و باز در همین خط است که تلاش برای محصور ساختن زمان به حساب و فرستادن زمان به کج خانه ها دیده میشود... و اکنون در دادگاه سیاست فوق الذکر، ما با لایحه پیشنهادی شورای عالی قضائی به مجلس شورای اسلامی روبرو میشویم که خود جلوه دیگری از این فواین برده داری و فکودا لیسیم است سرخوردن این لایحه و نقد منصفان آن از رویای مختلف، کار نیست که در یک مقاله امکان پذیر نیست. از اینرو ما در اینجا صرفاً اشاره ای به برخی از نکات محوری این لایحه میکنیم تا با زهم بیشتر ما هیت ارتجایی - ستمی و برده داری این رژیم را بطور عمیق تمام ستمها و تلمیحاتش آشنا کنیم. این لایحه همانطور که گفتیم از سوی شورای عالی قضات و با مضای آیت الله عذوی به مجلس پیشنهاد شده و هر چند هنوز رسماً تصویب نشده ولی بطور رسمی و عملی مدتی است مواد این لایحه تصویب و اجرا میشود (تا زهر تریس نبود آن اجرای بخشی از ماده ۲۳ در مورد شخصی بنا به همین تفسیری است که طبق ادعای "دادگاه" بدینا میروا شده است همان آهانت کرده بود) و مهمترین نکته چون این لایحه از اسلام اخذ شده کسی در مجلس شورا (اگر هم خواهد) جرئت آنرا خواهد یافت که با فواین اسلامی مخالفت کند مگر ما آنکه طبق معمول قتل از راه لایحه نه مجلسی میرتا شد آیت الله عذوی همان خورده باشد.

حال به مواد ۵ و ۶ لایحه نظری میافکنیم: "ماده ۵ - هرگاه مرد مسلمان یا عذار مسلمان را بکشد محکوم به قصاص است لیکن باید ولی زن قاتل از قصاص قائل نمیشود مرد را بدهد و بپردازد" "ماده ۶ - هرگاه زن مسلمان یا عذار مسلمان را بکشد محکوم به قصاص است و تنها به چیزی که اولیا دمیر - نازد". در این دو "ماده" دو مسأله موضوع و در اولین

پیکار

"حزب توده" خیانتکار علیه تظاهرات انقلابی

"حزب توده" نوکر رژیم حاکم است و به همین خاطر در ستان به خون آلوده مزدوران رژیم پارس از هر جنباتی می شوبد تا خلق آگاه نشود. در حقیقت حزب توده و درکنار آن "اکثریتی" هسا همکاران جلادان توده ها و انقلابیون میباشند. آنها همیشه جنا پیکاران جمهوری اسلامی را ضد امپریالیست میخوانند و به جا سوسی علمیه کمونیستهای راستین و انقلابیون میگردانند

تا حکومت سرما به داران برجا بماند. موزعگیری حزب توده در قبایل تظاهرات انقلابی ۳۱ اردیبهشت یکبار دیگر ما هت بلند آیین دار و دستاره به نمایش گذاشت. بعد از آنجا زان ریجک توسط پاسداران رژیم، عوامل خاشن حزب توده و "چریکهای اکثریت" به محکوم کردن تظاهرات انقلابیون پرداخته و در همکاری با پاسداران، رفقای کمونیست را شنا سائی کرده و سپس آنها را به پاسداران نشان میدادند. آنان در میان او با شان حزب اللهی به راهیما شئی دست زده و شعار "مرگ بر پیکاری" میدادند. در سردای تظاهرات "حزب توده" دوروق با ره خود نوشت: "فدا انقلابیون، ساواکی ها، ونجبری هسا، پیکاری ها از عمر یکشنبه در مقابل دانشگاه تهران اجتماع کنید." (مردم ۲/۲/۶۰) با بدید این خاشن گفت آیا توده های آگسآه خلق ما نمیدانند که فدا انقلابیون همان ها شئی هستند که خلق و فرزندان را سرکوب میکنند، به استعمار و چپاول خلق مشغولند و متعهدند امپریالیستها میباشند. آری خلق ما نمیدانند که فدا انقلابیون جز رژیم حاکم، ساواکیها شئی که در خدمت جمهوری اسلامی کار میکنند، فرماندهان مزدور حزب توده، و اکثریتی ها و ورنجبری ها ... کسان دیگری نیستند. رفقای سازمان ما با ۱۴ سال مبارزه انقلابی نشان داده اند تا روفاداران زحمتکشان و کارگران میباشند. حزب توده خاشن سازمان ما را در کناره فدا انقلابیون قرار میدهد تا چهره انقلابی سازمان ما را لووت کند، اما این اقدامات، گوشهای مرتجعانهای بیش نیست. امروز همه فدا انقلابیون و ارمله ساواکیها و سجاها نشاء و روبرو بنیستهای خروشچی بسیار وفادار سرما به داران و ارتجاع حاکم میباشند و همه دشمنان قسم خورده کمونیستها و تظاهرات سازمان یا فته توسط کمونیستها میباشند و پسر واضح است که آنها نه تنها در تظاهرات شرکت ندارند، بلکه هکی متحدی به تظاهرات را سرکوب نمایند. سپس روزنا مه فدا انقلابی توده ای ها میزند: ".... نارنجکی که هنوز معلوم نیست توسط کس به میان جمعیت انداخته شده میجرشد ...". (هما نجا - تا کید از ما ست .) برایستی معلوم نیست تا ریجک توسط چه کسی به میان جمعیت تظاهرات کننده انداخته شد؟ بین نارنجک توسط کسانی که از هیتلر و موسولینی و شاه - مزدور آموخته اند، به میان جمعیت انداخته شد. این نارنجک توسط عمال جنا پیکار رژیم حاکم پرتاب گردید تا توده ها را مرعوب کنند. آیا حزب توده نمیدانند که رژیم حاکم مسبب اصلی این جنا پیکار است؟ چرا میداند، اما آگها نه و تا مدانسه این جنا پیکار را می پوشاندند تا یکبار دیگر بر رژیم سرما به داری اسلامیات کند که نوکری چون وچرایش میباشند و بعلوه گشتا و کمونیستهای راستین برای حزب توده جنا پیکار نیست، بلکه "خدمتی است قابل ستایش" حزب توده دشمن کمونیستها و تظاهرات انقلابی میباشند چرا که خود مدافع سرما به داران و امپریالیستهای روسی میباشند

کمکهای مالی رسیده

شهران : ز - الف ۲۰۰۰ ش ۱۷۱۰۰ ک ۲۱۰۰۰ ۲ ۲۰۰۰ ن ۲۵۰۰ ۳ ۲۰۰۰ ب - م ۷۵۸۰۰ ب - آ ۲۷۱۰۰ ت - ا ۲۲۰۰ ع - ش ۱۰۰۰۰ ج - س ۷۷۰۰ تاسم ۷۷۰۰ شهران ۱۸۰۰	شهران : ز - الف ۲۰۰۰ ش ۱۷۱۰۰ ک ۲۱۰۰۰ ۲ ۲۰۰۰ ن ۲۵۰۰ ۳ ۲۰۰۰ ب - م ۷۵۸۰۰ ب - آ ۲۷۱۰۰ ت - ا ۲۲۰۰ ع - ش ۱۰۰۰۰ ج - س ۷۷۰۰ تاسم ۷۷۰۰ شهران ۱۸۰۰	شهران : ز - الف ۲۰۰۰ ش ۱۷۱۰۰ ک ۲۱۰۰۰ ۲ ۲۰۰۰ ن ۲۵۰۰ ۳ ۲۰۰۰ ب - م ۷۵۸۰۰ ب - آ ۲۷۱۰۰ ت - ا ۲۲۰۰ ع - ش ۱۰۰۰۰ ج - س ۷۷۰۰ تاسم ۷۷۰۰ شهران ۱۸۰۰
---	---	---

رفقای زندانی محمد سلیمانی از زندان سپاه ۵۰۰ پرسنل نظامی هوادار ۲۵۰۰ ر - م ۵۰۰ + کمک غیرنظامی محمود آباغ : ت زندانی ۱۰۰۰ ب ۲۵۰۰ رفقای هوادار در پالی های شما رسید. سلسل : کا رگر سارز ۵۰۰ خا توده هوادار ۱۰۰۰ ما دره پیشورگه ۲۰۰۰ مادرع پیشورگه ۵۰۰ پدر سارز (م) پیشورگه ۲۰۰۰ شور : م - م ۱۰۰۰ سهرنگ و سار سارز ۱۰۰۰ رفقای شور ۱۰۰۰ ش ۱۲۰۰ + کمک غیرنظامی اسلم آباغوب : ما ش آوران دکتر غیرنظامی ش - الف ۸۰۰ ش - م ۱۰۰ م - م ۱۰۰ ز - ز ۲۰۰ الف ۵۰۰ ق ۵۰۰ لجان و روبرو : رما ۵۰۰ حمید ۱۰۰ هواداران ۱۵۰۰ ت - س سلیم ۱۵۰۰ شفت - گلخان رفقای هوادار ۱۰۰۰ ما در شهور ۱۵۰۰ کمیکهای مالی رفقای شفت رسمی در سرخوردن مال رفقا شنگر میکنید. در زکات گلخان ۱ - شهید، رفقای شهید هبه برای پیشورگان رسیده. ۲ - استار، رفقای هوادار، ۵۰۰ ۳ - سیروی دریا ۱۰۰ ۴ - پشوا شهید دانش آوران هوادار ۴۰۰ ۵ - ترکمن مجرا - رفقای هوادار ۱۳۰۰ ۶ - سوکان - م - م ۲۰۰ دانش آوران هوادار TAY ۷ - دورود - ۲۱۵۰ ۸ - ۱۵۶۰ - ج ۸۰۰ ۹ - قاشق شورش کا رگر ۵۰۰ کا رگر ۱۰۰۰ ۱۰ - قویین - رکانکی هوادار ۵۰۰ ۱۱ - گرما شاء - مسلم بهرنگ ۱۲ - م - ج ۱۰۰ + ۲۰۰ ۱۳ - ۲۱۶ ۱۴ - سیمور - الف - ۱۵۰ ۱۵ - بیس - ۱۵ ۱۶ - زابل - س - ۲۰۰ ع دانش آوران ۱۰۰ ۱۷ - شهرگرد سمدی ۵۰۰ ر - م ۵۰۰ ۱۸ - لویسان : فستی از در مدیوما همدورق ۵۰۰ ۱۹ - آدریا جان : زطرف رفقای در سدریکسی از زندانی جمهوری اسلامی ۶۰۰ ۲۰ - شریزت ۲۰۰ ۲۱ - بدون اسج - پروین خا توده ر ۵۰۰ + رش دانش موزوم دشمنان ۲۰۰	کا تب ۲۵۰۰ با غنچه ۲۰۰ مفر ۵۰۰ هواداران خام ۱۸۰۰ کا رگسار زن چوگا ۵۰۰ هستادگر مودفور ۲۱۰۰ رفقای دانش آموز ۵۰۰ پدر سارز و رفقای مسافر گشت تان رسیده. ارومیه : الف - ز ۲۲۰۰ الف - د ۲۵۰ الف - ع ۵۰۰ با شار ۲۰۰ رفقای کا رگر ۲۵۰۰ رفیق کا رگر ۲۰۰ شهره ۲۲۰۰ شهرک ۲۲۰۰ مجلات ۲۵۰۰ رفیق کا رگر ۲۰۰ سرما ۲۰۰ رفقای هوادار ۲۰۰ رفقای مویا برادوست ۱۱۵۰ رفیق ت ۱۰۰ رفقای کارمند ۵۰۰ + ۵۰۰ اسل : الف - ب ۲۰۰ ب ۱۵۰ م - س ۱۰۰ الف کا رگر ۱۰۰ م - ع کا رگر ۱۰۰ م - م کا رگر ۵۰ ر - کا رگر ۱۰۰ ع - پواتیه ۱۵۰ ج زندانی ۲۰۰ ت - م خا توده اروستای ا هی جمله ۵۰ گروهی از زندانگان جاده مال سید و یکنسار ۱۰۰ اسفهان : ه - ه ۸۵۰ خا توده و آرش ۸۰۰ جن آرشا شهر ۲۰۰ دوروق از دند ۵۰۰ ر - سوسودا جان ۱۰۰ رفقای سامان ۶۰۰ ر - مهدی سامان ۲۰۰ رفقای B-D ۲۰۰ خرم آباد : ع - ج ۵۵۰ ع - ع ۱۲۰۰ فرشته با نامه ۵۰۰ قیام ۲۰۰ سپهر با نامه ۵۰۰ سلما : ط ۵۰۰ رفیق مادار ۲۰۰ هوادار ۵۰۰ سینا ۲۰۰ آزور ۱۲۰۰ ر - هوادار ۱۲۰۰ رکت : ج ۲۲۰ ب ۱۵۰ ک - آ ۲۰۰ ش - کا رگر ۸۰۰ کا رگر خراکتا ر - ع ۱۰۰۰ نفری سواوقلی ۱۰۰۰ سروجر : م ۲۵۰ را دیولوی ۲۰۰ زهره خا توده ۱۰۰ ع - مانی ۲۰۰ ع - ب هدیه ات رسیده شیراز : رفیق دانش آموزان سپاه ۲۰۰	فستون ۲۰۰ خا توده ۱۰۰ ن پودانش آموز رفیق - ۱۲ ۱۵۰ هسته کا رگری هوا خده جان رسیده. کمک های غیرنظامی رسیده از : [الف - ج (ع - م) - د - د ش] و [ز - د - ش] شلا ساج خلیل پدر سارز ش - م رفقای دیننده ریگی از زندانیها شمس ارمال ۲۰۰۰ شاه ای برابیان فرستاده شد فستی از نامه آنها چنین است : "ما جمعی از رفقای شاگه در زندان سراسر میباشیم علم به اینکه در هر زمینه ای آماده ایم تا برای پیشورگان اهداف مقدس مان جانشاری کنیم در حال حاضر کمترین حرکت را در این راه از جانب خودمان کمک تا چیز مالی میدانیم" زاهدان : سلیم ف ۵۰۰ م ۵۰۰ ر ۵۰۰ الف - ر ۹۰۰ ن - ر ۲۰۰ ر - کا رگر ۲۰۰ ز - م ۱۰۰ م - م ۲۰۰ پرسنل انقلابی ۱۰۰ ع - ع کا رگسار ۲۰۰ د سگار ۲۰۰ ع از کوه ۵۰ هدیه خسی + ۵۰۰ بک رفیق ۱۰۰ ۲۴ - کا رگر ۱۰۰ ع کا رگر سدرای پیشورگان ۱۵۰ کمیکهای غیرنظامی رسیده از : ج - ب هشتم بلوچ حسین م با توده سلیم ۲۰۰ هوادار راج هوادار ش - س کمک مالی اوت رسیده انزلی : ۵۰۰ ندا ۱۵۰۰ شید ۵۰۰ روزبه ۶۰۰ هواداران ۲۰۰
--	---	--

شهران : ز - الف ۲۰۰۰ ش ۱۷۱۰۰ ک ۲۱۰۰۰ ۲ ۲۰۰۰ ن ۲۵۰۰ ۳ ۲۰۰۰ ب - م ۷۵۸۰۰ ب - آ ۲۷۱۰۰ ت - ا ۲۲۰۰ ع - ش ۱۰۰۰۰ ج - س ۷۷۰۰ تاسم ۷۷۰۰ شهران ۱۸۰۰	شهران : ز - الف ۲۰۰۰ ش ۱۷۱۰۰ ک ۲۱۰۰۰ ۲ ۲۰۰۰ ن ۲۵۰۰ ۳ ۲۰۰۰ ب - م ۷۵۸۰۰ ب - آ ۲۷۱۰۰ ت - ا ۲۲۰۰ ع - ش ۱۰۰۰۰ ج - س ۷۷۰۰ تاسم ۷۷۰۰ شهران ۱۸۰۰	شهران : ز - الف ۲۰۰۰ ش ۱۷۱۰۰ ک ۲۱۰۰۰ ۲ ۲۰۰۰ ن ۲۵۰۰ ۳ ۲۰۰۰ ب - م ۷۵۸۰۰ ب - آ ۲۷۱۰۰ ت - ا ۲۲۰۰ ع - ش ۱۰۰۰۰ ج - س ۷۷۰۰ تاسم ۷۷۰۰ شهران ۱۸۰۰
---	---	---

رفیق شهید پیکارگر کمونیست آذر مهر علیان ستاره سرخ آسمان جنبش دانش آموزان کمونیست!



جناب کم نظیر رژیم جمهوری اسلامی و برتاتنا رنجک درین نظر هرکند که کمونیست، مفتحای دیگر سرکار ما میباشند ارتجاع افزود و چندی از رفقای پیکارگر ما را به شهادت رساند و بسیاری را مجروح ساخت. کمونیستها، آنها که در راههای گوناگون و زحمات پیکار میکنند، از سرما به داران و انتظاری ندارند و خود را برای مقابله با دشمنان خلق نا آخرین فطره خون و ستمگر پیروزی آماده کرده اند.

رژیم جمهوری اسلامی که در پیاده کردن سیاست سرکوب آنگار و محو خود را نشان داده دست به سرنگ تارهای زده و ستمگرا رنجک در بین نظر هرکند که آن فطره زدن و سرکوب و ترساندن کمونیستها و دیگر انقلابیون را دارد.

اما این سرنگ و این سیاست سزایانه و ستمگرا نه سرورستی هیچ دردی را از این رژیم و آن نخواهد کرد بلکه آزار و ستمی بی خرد و بی اختیار را بر چمنگان ما بارها و بخصوص در دوره شاه خائن و سواران شکست این سیاست خائسانه و ستمگرا نه را اتمام کرده اند.

مادر آذرخیز پیکارگر و زحمات پیکارگر آذرخیز عزیز داده و خواهم داد در رفیق شهید آذر مهر علیان، دانش آموز کمونیست هوادار سازمان یکی از آنهاست. رفیق آذر، ستاره سرخی است در آسمان جنبش دانش آموزان کمونیست که تا پیروزی نهایی کارگران و زحمات پیکارگر هوادار خواهد رفت.

رفیق جوان، بر سرور و پیکار انقلاب ما بسال ۱۳۴۰ در خانواده ای زحمتکش و در یکی از مناطق فقیرترین تهران چشم جهان گشود. فقر ناشی از وجود خاندان طبقاتی جان سحر خاوند رفیق ما به یاد نگذرد. کودکی ما در زیر محرومیت برای گذران زندگی به کارگری سرگردان بود. رفیق آذر فرزندی است که بیست و یک سال در خانواده زحمتکش و مبارز بود. خانه ستمگرا و بدون نور خاوندان رفیق را در ابتدای زندگی دچار بیماری سل کرده بود. جدال رفیق و خانواده زحمتکش او با ستمگرا زندگی در آنجا هم طبقه ای را نشان داد.

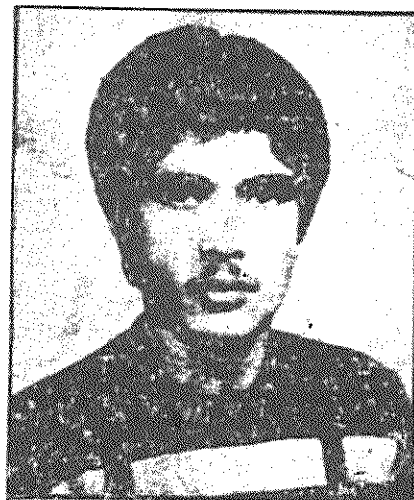
خدا جدا کرد که رفیق راه کمونیسم را برگزید، او از حدود یکسال پیش در رابطه با "سازمان دانشجویان و دانشجویان و دانش آموزان پیکار" به مبارزه ای بیگانه علیه ستم طبقاتی و در راه پیروزی کارگران و زحمات پیکارگر پرداخت و ستمگران پیکارگر را با یک پیروز انقلاب در بخش اعلامیه ها و ستمگری تخریب پیکار و شرکت فعالانه در تظاهرات انقلابی و کمونیستی فعالیت میکرد و ستمگرا را در گردن آگاه میگردانید و ستمگرا را ستمگرا میگردانید.

افتخار به خانواده ای که چنین فرزندی را در راههای زحمتکش تربیت کرد. هنگامی که رفیق به شهادت رسید، همگنان او در کلاس سوم نظری دبیرستان عاصمی با گذاردن گل بر جای خالی او یادش را گرامی داشتند تا او و آرمان او را زنده تر و با دایره ای از پیکارگران خودیاس دارند.

سازمان ما و تمامی کمونیستهای راستین آرمانش را گرامی خواهند داشت زیرا آرمان او برقراری سوسیالیسم بود. ارتجاع اگر چه او را به شهادت رساند لیکن هرگز آرمان او را ستمگرا از دست نخواهد داد.

خدا و بدان باد! رفیق پیکارگر کمونیست آذر مهر علیان!

بیاد کمونیست جوان، رفیق حشمت باقری



روزی هفتم فروردین ماه اسفند، کمونیست پیکارگر رفیق حشمت باقری بر اثر بیماری سرطان در محمود آباد درگذشت. رفیق حشمت باقری در سال ۱۳۳۹ در محله "سورخ مازو" محمود آباد در یک خانواده دهقانی بدنیا آمد.

شرایط سخت زندگی و کمبود امکانات و فقر، زمینه مساعدی برای پذیرش افکار انقلابی در او بوجود آورد. رفیق قبل از تمام مدرسه سزارات انقلابی دانش آموزان و ستمگراهای زحمتکش فعالانه شرکت داشت.

سعدا رفیق با بر رفیق فعالیت انقلابی خود را همراه با دیگر رفقای کمونیست با ایجاد گنا بخانه، ستمگرا و ... ادامه داد. پس از بوجود آمدن تشکلات دانش آموزان و دانشجویان هوادار سازمان پیکار در آنجا ۵۸، رفیق حشمت از اولین رفقای بود که به این تشکلات پیوست و فعالیت انقلابی خود را در آن ستمگرا ادامه داد. رفیق همراه با رفقای کمونیست خود در تظاهراتی شده ای و کار در وزارت برای

بیوند ما دهقانان زحمتکش شرکت میکرد. از محملتهای بازرز رفیق، خصوصیات توده ای وی و محبت رفیقانه ای بود که زحمات پیکارگران و رفقای پیش را تحت تاثیر قرار میداد. او و علمبرگم این ستمگرا را حتمی میدانست. هیچگاه یاس به خود راه نداد و با زوجه ای قوی سرخوردار بود و یکدم در اجتماع موطا بق کمونیستی اش وقفه ایجاد نند. رفیق تا آخرین لحظات حیاتش به تشکلات و رفقای پیش وفادار بوده و به پیدایش و صیت کرده بود که: "خدمت ما با بدرفقایم تشیع کنند، آنها بهترین دوستان من هستند."

با رفیق حشمت همیشه در خاطره رهروان انقلاب و سوسیالیسم زنده است و ما را سرخ او را تا برقراری جمهوری دیمکراتیک خلق و پیروزی سوسیالیسم ادامه خواهد داد.

زنده و با وید با خاطره رفیق پیکارگر حشمت باقری!

بیاد پر شور رفقای کمونیست شهید گرامی باد!

تدفین خاطره انگیز رفیق کمونیست آذر مهر علیان

روزه دوم اردیبهشت جسد رفیق شهید آذر مهر علیان سوسله‌خا نواده مبارز و جمعی از همزمان او از برکنگی قانونی تا بهشت زهرا عمل شد. آنچه در محیط پیرامون شهید ما موج سزدهشور انقلابی و کمونیستی بود، پیمان برای ادا مه را بود. کینه نسبت به دشمنان کا رگران و زحمت کشان بود و نفرت از جناحین گاران و بلاخره عشق به آرمان کمونیسم و سوگند برای مبارزه تا سرحد آخرین و سرپاشی جمهوری دمکراتیک خلق و تحقق سوسیالیسم.

در سالن غسالخانه بسیاری از رفقا برای آخرین وداع و تجدید عهده به یاد رچهره رفیق میرفتند و با کینه‌های واقعه افشاکاری علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی می برداختند. در ساعت ۱۱ صبح جسد خا نواده اش تحویل شد. مادر قهرمان رفیق آذر مهر سکوتی ایستاده و شروع به افشاکاری نمود. او با لحنی استوار و پر شور چنین گفت:

"مردم بدانند فرزندان کمونیست بود. این دولت جوانها را با ظلم و ستم کردن می کشد. مگر دختر من چه میخواست؟ علیه سرما به داران بود. او خواستار مبارزه با رژیم فاشیستی بود. همین دلیل او را کشید."

در این مراسم تدفین بغا طر خواجنتهای، عده ای از رفقا در کنار خا نواده شهید حضور داشتند. جسد بر دوش رفقا تا قطعه مورد نظر حمل شد. مشت های گره کرده و قفسه های که از کینه سه جلادان و عشق به راه شهیدی شهید همراهی شما رهای زیر جسد رفیق را همراهی می نمود: "پارسان معتمدی، مو، دن، آسان ترا بسی، مهر علیان"، "ترا بسی - مهر علیان شهید" اردیبهشت، راهت ادا مدارد"، "پیکار رگسز شهیدم راهت ادا مدارد"، "اول اردیبهشت لکه ننگ دیگر بردا من ارتجاع"، "علیه سزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد بیکار توده - ها....."

سپس جسد رفیق آذر را به خاک سپردند و بدینال آن پیامها زمان پیکار، پیام دانش - جوان و دانش آموزان بیکار روپیا مگان شهادت و زندانیان سیاسی خوانده شدند. مادر قهرمان رفیق شهید سخنان همچنان انگیزی گفت که حاضران و گروهی از مردمی را که در بهشت زهرا بودند تحت تاثیر قرار داد. او گفت: "مردم، من با زحمت و خون جگر این بچه را بزرگ کردم. پدرش ۱۲ سال مریش بود و منم می توانست کار کند. من جورتما ما تنها را کشیدم تا به ۱۸ سالگی رساندمش. امروز اگر من بسک دختر از دست داده ام هزاران فرزنده دیگر دارم."

تنامی رفقای آذر چه های من هستند. با بسک مادران روحه خودتان را حفظ کنند تا قصاص خون جوانها بیان را از این رژیم و سرما بسک داران بگیرند. من تا آخرین قطره خون خودیبه را در ختم و سازمان او بنا رخوا هم کرده. و بر جسم سرخش را در دست خوا هم گرفت."

و پدر زحمتکش رفیق آذر گفت: "من بگ کار کنم. ما از بگ خا نواده طبقه ۳ هستیم. این رژیم فرزند مرا کشد. چون آزادی کارگران را می خواست. مردم بدانند دولت شما را فریب میدهد."

آنگاه در میان اوج احساسات انقلابی و کمونیستی که جمع را احاطه کرده بود یک رفیق کا رگر که خود را به بهشت زهرا رسانده بود گفت: "مردم ما روزی بسکید من الان از کارخانه میام. هنوز لیا من کارم در دستم هست. مرا امروز اخراج کردند به حرم هواداری از کمونیستها. مگر کمونیستها چه میگویند؟ اینها برای آزادی من و برای آزادی طبقه کارگر بیکار می کشند. من هنوز به خانه نرفته ام. وقتی شنیدم جناح مراسم است. بگسره آمدم اینجا تا اینجا را به شما بگویم و در مراسم این رفیق شرکت کرده ام."

هنگامی که جسد رفیق در آرا مگاه قرار گرفت و مراسم مذهبی "تلفین" می خوا شدند نسبت بسک اجرا کنند رفیقی خطاب بسک جسد رفیق شهید آذر سخنانی بسک ر پر شور گفت و با تجدید عهده

کمونیستی کرد. عهده که تا برای جان همه ما نبدان و تا دا رخوا هم مانده. در پایان مراسم طبق دستمعی سرود شهیدان و سپس سرود آنترناسیونال حالتی سر شور به حاضران بخشید. مراسم با شعار بزرگ سر آمریکا، مرگ بر ارتجاع پایان گرفت. در طول مراسم همصدای شده های مردمی که از پیش در بهشت زهرا بودند با خا نواده رفیق شهید و رفقای او بخوسی جمعگر بود. یک نرده که بعدا معلوم شد با سارا است رو به جمعیت کرده و گفت: "اینها خودشان با رنج می خواستند به روی مردم بیاندازند." این سخن با وده مورد انتقراض حاضران واقع شد و شعارهای "مرگ بر آمریکا و مرگ بر ارتجاع"، او را ساکت کرد. رفیقی که در مراسم حضور داشته در باره مبارزه تهران رفیق آذر چنین انا ف کرده است:

مادری قهرمان و نمونه

روحیه رفیق ما در وصف نابذیر بود و بنحویکه همه را قوت قلب می بخشید. مایک قطره انگ ندیده ایم از دیده او جاری شود. او با شعارهای خود ادا به راه فرزندش را از رفقای می خواست. یکی از همشاگردیهای رفیق شهید در جلوی بزرگی قانونی آموخته نمایندگی از همگلاسان و مدرسه رفیق، به مادرش تسلیمت گفت ولی ما در آذر گله آ میزیا سخ داد: "من انتظار نداشتم که به من تسلیمت بگوئید با بدنه من شریک بگوئید که دخترم در راه شهادت خلق و طبقه اش جان خود را از دست داد."

و در بهشت زهرا میگفت: "آذر در حالی شهید شده که بر جسم سرخ بدست داشته، خودم بر جسم سرخ او را بلند خوا هم کرد و تا آخرین قطره خونم برای سارا شده نگه داشتم. آن خوا هم گوئید. برای من رفتن آذر مهم نیست. ادا مدارا او سرا بسک است. و در جای دیگر میگفت: "بچه من کمونیست بود و برای رها شیمی طبقه اش مبارزه میکرد. او فرزند کا رگر بود. من با نان کا رگری و زحمت او را به سن ۱۸ سالگی رساندم. او از همه می خواست که راه آذر و آذرها را ادا مدارند. او همه ما درهای مبارز بسک، فرستاد که همراهی بچه های خود علیه رژیم جمهوری اسلامی مبارزه کنند. در وده رفیق ما در آذر و ده دیگر ما دران قهرمان ما!



نان، مسکن، آزادی
طرحی از رفیق دانش آموز، کمونیست بیکارگر "ش"
که از زندان جمهوری اسلامی برای بیکار فرستاده است.

زنده باد سوسیالیسم!

بزرگداشت رفیق کمونیست پیکارگر ایرج ترابی در شیراز

در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۳ مراسم باشکوهی از طرف تشکیلات شیراز از زمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر به مناسبت سوم شهید کمونیست رفیق ایرج ترابی بر مزار وی برگزار گردید. در این مراسم عده زیادی از هواداران سازمان، خانواده رفیق و مردمیکه در گورستان حضور داشتند، شرکت نمودند. دسته گل های بزرگی که از طرف تشکیلات شیراز و هواداران و آوارگان هوادار سا زمان بر مزار رفیق گزارده شده بود به چشم میخورد.

دو آقا زین مناسبت شهادت پیکارگر قهرمان جمعیت بحالت ایستاده با مشت های گره کرده یک دقیقه سکوت نمودند. پس از آن پیام سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر قرائت شد. بعد سرود شهیدان توسط رفقا خوانده شد که با استقبال حاضرین مواجه گردید. آنگاه پیام سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار شیراز توسط یکی از رفقا خوانده شد و سپس پیام آوارگان جنگ هوادار سا زمان در شیراز و قطعه شعری که مناسبت شهادت رفیق توسط یکی از هواداران سروده شده بود، خوانده شد. حاضرین در فاصله پیام ها با مشت های گره کرده و مصمم شعری دادند: "ایرج شهیدم قسم به خون پاکت راحت ادا می دارم" بسیاری از حاضرین در گورستان که بر سر مزار رفیق حضور یافته بودند با آواز شغرا ز رژیم جمهوری اسلامی با خانواده رفیق همدردی نمودند.

جمعیت حاضر مرتب فریاد میزدند "مری برجلادان خلق".

بدر رفیق شهید من سها سگزاری و تشکر از همه رفقا و کسانیکه با خانواده شهید ایرج از همدردی نموده بودند طی یک سخنرانی اظهار داشت من یک کارگر کمونیستم که برای چهار سال در پالایشگاهها، مناطق نفتی و گاز و تاسیسات برق و آب مریخ شده ام و در زندگی هیچ ندم ندارم. در دستهای زحمتگرم من چهل سال است که رنج میبرم و امروز رژیم بملاتی این چهل سال نمیشد فرزندم را تحویل من داده است. بدر شهید چندین بار سؤال کرده آیا کسی هست که بگوید جرم فرزند من چه بوده که رژیم او را کشته؟ یکی از حاضرین از میان جمعیت فریاد آورد جرم فرزند تو این بوده که او را زحمتگمان بودید. شهید ادا می دهد که آیا ما قیام کردیم که امروز تا هدایین کشتارها شیم؟ سخنرانی مهیج بدر شهید جمعیت را تحت تاثیر قرار داد و جمعیت با شعار "درود بر شوای کارگر مبارز" زوی استقبال کردند. آنگاه ما در شهید طی سخنانی ضمن دفاع از فرزندش گفت از این سلسله جبهه های من بایست راه او را ادا می دهیم. جمعیت با شعار "درود بر شوای مبارز مبارز" هوی پاسخ دادند.

جمعیت مرتباً شعار میدادند "ایرج شهیدم قسم بخون سرخت راحت ادا می دارم".

در همین جمعیت فقط سه یا چهار نفر فالانتر وجود داشتند که سعی داشتند نظم مراسم را بهم بزنند ولی با برخورد انقلابی رفقا و هواداران، افشا شدند مراسم از ساعت ۳ الی ۴/۳۰ ادا شد. داشت و ما خواندن سرود "شهیدان" با بیان بیافست. پس از ترک مراسم و خارج شدن جمعیت از گورستان بگفته یکی از حاضرین دو ما شستن استیشن سیا میا سا زمان سرما به که قصد دستگیری رفقا را داشته اند به گورستان آمده بودند که دستخالی برگشتند. یکی از فالانترهای عامل سها پروی مزار رفیق رفته و پلاکارد های سا زمان را با راه پاره کرده و قصد داشت دسته گلها را دور بریزد که با مخالفت مردم عزا دار ما مواجه شده و افشا میشود. آنها قصد داشتند بکنند که به آنها اعتراض میکرده دستگیر نما بیند که موفق نمی شوند و برایشان اعتراض مردم آنجا را ترک میکنند ولی قبل از ترک محل تهدید کرده اند که چون این جوان پیکاری و کمونیست بوده ما شب سر میگردیم و قهرش را بهم می زنیم و او جا ز نمی - دهم او را در گورستان مسلمین خاک کنند! تنگ و نفرت برجلادان و مرتجعین جمهوری اسلامی

هم آوازی لیبرالهای خیانت پیشه با حزبهای جلاد در سرکوب تظاهرات انقلابی

ما را ها گفته و نوشته ایم که لیبرالهای خائس و حزبهای جلاد در سرکوب انقلاب با هم متحد و برادرند لیبرال ها با عوام فریبی سعی میکنند خود را طرفدار حقوق و آزادیهای مردم جا بزنند ولی در مقابل هر حرکت انقلابی به وحشت افتاده و میجور میشوند ما یک عوام فریبی را کنار ده و چهره کوبه می دهیم خود را بنمایش بگذارند. بنی صدر و روزنامه ها و آراها با خرده گیری صیوانها ز تعطیلی دانشگاهها سعی کرده اند خود را از شیوه های فاشیستی حزب جمهوری اسلامی مبرا کنند و ما فریب توده ها حمایت آنها را بسخت خود جلب نمایند. ولی هر با رگسه کمونیستها، این پیگیرترین مسلمانان را در دمکراسی با تظاهرات مسالمت آمیز خود بیسه افشا. جنایت رژیم پرده آخته و از آن به منظور بردن شعارهای انقلابی بمان توده ها استفاده کردند. سرما می داران لیبرال دعوی خود را

سرما می داران حزبی را از یاد برده و هم آوازی آنها به زوزه کشی بر علیه انقلاب بردا خنندند. همه میدانند که در روز ۳۱ فروردین ما چگونه فاشیستهای جنایتکار تظاهرات مسالمت آمیز هواداران سا زمان ما را که به مناسبت ما لگزد حمله و خشونت مزدوران جمهوری اسلامی به دانشگاه و قتل عام دانشجویان ما ریزریا شده بود، با پرتاب نارنجک فدینفرقوی بخون کشیده و با این عمل جنایتکارانه از لحاظ درنده خویشی روی فاشیستهای هیتلری را سفید کردند. ولی بیستیم روزنا ما انقلاب اسلامی که یکی از ارکان های سرما می داران لیبرال است، خبر این جنایت را چگونه منعکس میکند، این روزنا به در شماره ۲ اردیبهشت خود مینویسد: "این حوادث بدنبال جمع حدود ۲۰۰ تن (۱) از هواداران گروه پیکار در مقابل درب ورودی دانشگاه تهران بود که به مناسبت ما لگزد

تعطیلی دانشگاهها و خواهان با زنگش آن بودند این گروه که شعارهای تند بر علیه نظام جمهوری اسلامی میدادند با مردم خرد گردیدند. در هنگام پذیرایی نا رنجکی سفید شده که باعث کشته شدن یک دختر ۲۲ ساله گردید "در چند سطر بعد در باره تجمع منشی عناصر مزدور اروپا جا هیل و فریب خورده در مقابل دانشگاه در روز بعد مینویسد: "عده ای از مردم به منظور خنثی کردن این اعمال در مقابل دانشگاه حضور داشتند. " (همه تا کیدات از ما ست) می بینید که چگونه لیبرال ها برادری و اتحاد خود با جلادان حزب جمهوری اسلامی را آشکارا کرده و چهره کوبه خود را بی نقاب به نمایش میگذارند. بگذار این دلچکان لیبرال واقعیتی را که در مقابل چشم مردم موقوع میبوسته مفرغانه تحریف کنند ولی با گذشتن دو سال از عمر تنگین سعبه از صفحه ۱۵

افسانه "وحدت" و اوجگیری بجد اقتصادهای درونی رژیم

صورتها در حال جدایی از رسموهای آت -
الله خمینی در سال وحدت، سرمایه من ضرورت
"وحدت" و "آزادری" صاحبان رقت در حکومت، و
اعتماد مادگی بردهمداران رقت، بر پای گزیدن
گداسی نهان نام "سنگدرد" که تمامها مجددا
اوج بگیرد. پس از گذر دوره هفتاد و درگیری
سیاسی خدمتزمان دوجناح رقت، در او اوج
مان گند و سود را علامت سال "وحدت" را خانی آنها
برای مدت کوتاهی این درگیری ها گمانها پیدا
کرد. لکن از همان روزهای اول سال، بتدریج
کام به کام مدامه نفاذات و منافات بتدریج
بدست گرفت و اکنون در سر بر خاسته جدید. همچنان
فروسی بگیرد. توجه طرفین برای حمله به
گدسگر، در ابتدا، بر سر این بود که طرف مقابل
با فلان اندام مویا بهمان موقع گیری در روزنامه
ارگان خود، بطور صریح یا تلویحاً قرارداد "وحدت"
را نقض کرده است. اما با گذشت زمان، گمانها
بتدریج به کناری زده شده و اقدامات عملی و
موضع گیری صریح از جانب هر دو طرف، در برابر
گدسگر شدت گرفته است.
خطه نظام این درگیری در سال جدید،
بجود روزنامه میزان، ارگان نشریه های عد-
انقلابی و سایر دانش رها عد، بدسترسول ایمن
روزنامه، در خاسته دستانی بود. این حرکتیک
اقدام بسیار مهمی و جدی از جانب جناح "حر" بر علیه
نیرالها بود. این حادثه اکنون به بیشتر جدیدی
برای عد آراشی و دوجناح در برابر هم تبدیل
شده است. پس از آن، اطلاعیه شماره ۱۰۲ "وحدت"
کل انقلاب، در باره اصطلاح "حدود نفی لیکلسه
احزاب و گروهها"، مبنای جدیدی برای دو گزیدن
شد. این اطلاعیه مدد بگرا نیک، گمانها را متوجه
و سرخاسته فعالیت سروهای انقلابی و کمونیست
بود، در عین حال نیرالها را نیز از گزند خویش

یادداشتهای سیاسی هفتشنبه

ممنون سید اردو "آزادی" آنها را بیرونی مورد
تشریح خوش فرار میدهد. وحدت موانع از انقلاب
حتی با موانع قانون اساسی "حیرگان" و میباید
اعتراض نیرالها بدین اطلاعیه "فرارگرمه"
است. اطلاعیه دادسی در سده خود میگوید:
"سرگزوری مینسک و نظرات با توجه به شرایط
حنگی به اجازت وزارت کشور است. حال اطلاعیه
قانون اساسی "حیرگان"، در همین زمینه میگوید.
"تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها بدون مجوز
صلاح بشرط آنکه محل به مسائلی اعلام شده آزاد
است." (زامل ۲۷ قانون اساسی)
این محدودیت ها و تعزیمات جناح "حر" به
نیرالها، طبقه های اربطله رنجبرانند است
حریت بر عرف تمام و گمان ایزارهای قدرت در
دست خویش و باز نماندن ابزارهای عملی و
سیاسی جناح "رفیق" جهت گزیدن از دامنه مقابله
- خویش و عکس العمل مقابل آن است. آخرین
اینگار "حر" در این جهت، بیرون راندن آخرین
مهره نیرالها، شناخته شده از مواضع اصلی گامینه
دولتی است. مهندس کشرانی، از دارو دستسه
نیرالها و از نزدیکان مهندسین ارگان، تنها
فرد مهم باقی مانده در مدارح بالای حکومتی
"دیرکل" سازمان اموراداری و استخدامی کشور
بود که با جد او و حاکمیتی یک فرد جدید (و سه
احمال زیاد "حر") دیگر فرد موثری از جانب
نیرالها هرگز سینه و روان ما زمانهای دولتی
و خود ندارد.
عمران نندن نکات دوجناح بر سر مسئله
"طرح" سرحدت ترس جلوه این شعارهاست است
که نموده خویش را در سینه سینه بدیدالحن "وزارت
سفید در صفحه ۷

اطلاعیه

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
و سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران
در مورد پلاتفرم راهپیمایی
مشترک اول ماه مه

کارگران! زحمتکشان!

- ۱- اول ماه مه فرا سرخ و کارگران جهان
عین عظیمتان را برپا میدارند تا از
سکار در راه آزادی طبقه کارگر و نیرالها
چریکهای فدائیان خلق ایران در سینه
برای هر چه سکو نیرالها و گزیدن
نظرات اول ماه مه، در یک اتحاد عصر
انقلابی سرگ کرده ایم.
- ۲- هدف ما از این اتحاد عمل آراش
یک قطب انقلابی بر علیه امپریالیسم
و حاکمیت فدا انقلابی است.
- ۳- ما میگوئیم تا نظرات اول ماه مه
را با این اتحاد عمل هر روز مبارزه علیه
مرکوب و احزاب رژیم خمینی است
و دفاع از آزادیهای سیاسی و شوراهای
انقلابی (واقعی) بدل کنیم.
- ۴- پلاتفرم نظرات مشترک ما عبارت
خواهد بود از:
۱- مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا
و سازمان داخلی
۲- مدد انقلابی و ارتجاعی دانستن
حاکمیت
۳- بدست آوردن هر روز طبقه کارگر
انقلاب دیکرا یک ستاره یکا بشرط
سروری انقلاب
۴- هر روز مبارزه برای گسسته آزادیگان
سیاسی بدعای از حشمت مقاومت خلق کرد.
مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
با رگشانی دانشگاهها، آزاد ساختن
احتمالات، مطبوعات و فعالیت سازمانها
های انقلابی و احاد دورها و افغانی
مرکوب، گشای روحفغان رژیم
گزارش نظرات اول ماه مه سازمان
نیرالها صفوف طبقه کارگر انقلابی
سیمان را فسد بر ما رود.
گزارش نظرات مشترک اسال هر روز
بر اقدام امپریالیسم سرمایه داری و
نشان داده ها سفید.
- ۵- سازمان سکار در راه آزادی طبقه کارگر
سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران

۱۳۶۰/۲/۲

توضیحی درباره سرمقاله پیکار شماره ۱۰۲

در سرمقاله شماره فصل، پنجاه و دومین دوم، در مرز بندی با دور راستروا را اتحاد عمل آمده
است. هر نوع تکراری که مسئله ممنوعیت سیاسی - انقلابی پلاتفرم که در مرز بندی با رژیم فدا انقلابی
حاکم و روسی و سوسیالیتهای فدا انقلابی ما است خراب بوده و اگر... منضم شود را آندیده نگارند و
برای خط همکاری خاموش گداسی از ساست انقلابی کرده. چرا که گاری و فرم هم حیرتگری را سه
احمال نمی گذارد. ما سخا نه در سینه موی بدستل بی بوجبی رفقای مسئول تحریریه نظریات سازمان
بدرستی ممکن شده است و از آنرو توضیح بر سر ضروری دانستم:

پلاتفرم سوسیالیتهای سازمان ما موضع گیری علیه حاکمیت فدا انقلابی و روسی و سوسیالیتهای
سود. اما علمیم موضع صریح سازمان و ناگدسگر مبارزه اندوژیک و مرز بندی عمد خاصه علیه
روس و سوسیالیتهای فدا انقلابی و ناگدسگر و تارکی مادر ارتجاعی مواضع سلفه اتحاد عمل با دیکتر
سر را گدا حلال مواضع اندوژیک سازمان دارند. بنابراین موضع گیری صریح و سینه سینه
رویز پیوسته های فدا انقلابی ممنوع یک سید سلفه مواضع شده، ممنوع پلاتفرم اتحاد عمل برای
این مادند را از مواضع انقلابی سینه نمی کند.

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست